



تبیین نظام ولایی کارویژه هدایت سیاسی است

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۱۶ | دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰ | ۱۳ صفر ۱۴۴۳ | ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

تکمیل پازل نگاه به شرق

منطقه ۴

منطق نگاه به آسیا

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول



غرب و تفکر غرب‌گرایی را باید از جمله عوامل اصلی مشکلات کشور، به ویژه در حوزه اقتصاد و معیشت مردم دانست. برای اثبات این ادعا و نگاه، توجه به دو نکته کفایت می‌کند:

۱- غرب و غرب‌گرایان در دهه‌های اخیر، بزرگ‌ترین مانع سر راه پیوستن ایران به سازمان‌های همکاری‌های منطقه‌ای، یا تقویت و ارتقای سطح روابط و همکاری‌ها با قدرت‌های مهم آسیایی بوده‌اند. این رویکرد غرب‌باوران در ایران، در حالی که در این سال‌ها با قوت دنبال شده که اساساً هر کشوری که خواهان پیشرفت است، باید در گام اول با باز کردن ژئوپلیتیک خود در منطقه و تقویت همکاری منطقه‌ای از طریق ارتقای سطح روابط با همسایگان و قدرت‌های غیرمتخاصم در منطقه، از تمامی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه خود استفاده کند.

در سال‌های اخیر هرگاه دلسوزان واقعی کشور، برای حل مشکلات بزرگ اقتصادی ایران، سیاست منطقه‌گرایی و تقویت ارتباط و همکاری‌ها با قدرت‌های آسیایی چون روسیه و چین را مورد تأکید قرار داده و گام‌های عملی اولیه را در راستای این سیاست برداشتند، همگان شاهد بودند که غرب و غرب‌گرایان چگونه بر این سیاست تاختند! در حالی که نگاه به آسیا و تقویت همکاری منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی، شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی به حساب می‌آید. رفتار غرب و غرب‌گرایان در ماجرای سند همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین، نمونه‌ای برجسته از این رفتارهای مغایر با منافع ملی است. در سال‌های گذشته، این نوع موضع‌گیری‌ها در حالی انجام شده که اولاً دیگر بلوک‌بندی شرق و غرب همانند گذشته وجود خارجی ندارد، ثانیاً نگاه به آسیا و منطقه برای حل مسائل و مشکلات کشور، از یک منطق قوی برخوردار است.

خسارت‌ها و ضررهای تقویت رویکرد آسیایی ایران، نه متوجه منافع ملی، بلکه متوجه غرب و غرب‌گرایان خواهد شد؛ از همین رو آنان با آدرس غلط دادن، جمهوری اسلامی را به عدول از سیاست نه شرقی، نه غربی متهم کرده، از سیاست درست منطقه‌گرایی یا

آسیاگرایی کشور با عنوان سیاست شرق‌گرایی مغایر با شعارهای انقلاب یاد می‌کنند! ۲- تجربه هشت سال گذشته جریان غرب‌گرا نشان داد در حالی که آمریکا با تأکید و تمرکز بر سیاست یک‌جانبه‌گرایی به دنبال سلطه بر جهان و به دست گرفتن مدیریت بین‌المللی بود؛ آقایان اصلاح‌طلب چگونه می‌خواستند از طریق مذاکره با این کشور موانع پیش‌روی پیشرفت ایران را بردارند؟ در عمل نتیجه مذاکره با آمریکا که دولت آقای روحانی تصور می‌کرد گشایش اقتصادی خواهد بود، به اذعان و اعتراف ایشان پدیدآیی جنگ تمام‌عیار اقتصادی شد!

اما اکنون با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت سیزدهم با نگاه‌های آرمان‌گرایانه واقع‌بینانه، سیاست درست همگرایی منطقه‌ای، تقویت همکاری‌ها با همسایگان و قدرت‌های آسیایی، به صورت جدی در دستور

سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. اولین سفر خارجی رییس جمهور به دوشنبه و شرکت در اجلاس سازمان همکاری شانگهای و پذیرش عضویت دائمی ایران در این سازمان، نقطه عطف تحولی در روابط خارجی ایران ارزیابی می‌شود. تاکنون روسیه، چین و هند، سه کشور بزرگ راهبردی و تأثیرگذار در سازمان همکاری شانگهای بودند و اکنون، با پیوستن ایران دارای ژئوپلیتیک منحصر به فرد در منطقه به این سازمان، اضلاع قدرت آسیایی کامل شد.

بدون تردید قدرت تجمع شده کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با بازاری حدوداً ۳ میلیارد نفری، اولاً به یکجانبه‌گرایی آمریکایی‌ها پایان داده و ثانیاً قطب قدرت آسیایی در نظام چند قطبی قرن بیست و یکم را به مؤثرترین قطب قدرت در یک نظام چند جانبه‌گرایی تبدیل خواهد کرد. پذیرش

عضویت دائم ایران در شانگهای، اثبات کرد که ایران بخشی از قدرت آسیایی و کشوری تحریم‌ناپذیر، انزواناپذیر و دارای موقعیتی تعیین‌کننده در منطقه و در جهان است. از جمله دلایل اصلی پذیرش عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای با در اختیار داشتن نزدیک به ۴۲ درصد جمعیت جهان و نزدیک به یک سوم خشکی‌های کره زمین، ظرفیت‌های فوق‌العاده بالا و بعضاً منحصر به فرد کشورمان است. دقت در سخنان رؤسای کشورهای عضو سازمان از جمله روسیه، چین و هند در اجلاس اخیر در خصوص موقعیت ایران، سهم بالای نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در شکل‌دهی به یک قدرت برتر آسیایی را نشان می‌دهد.

کلام آخر اینکه با عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای و در ادامه با عضویت در دیگر سازمان‌های منطقه‌ای طبق سیاست کاملاً درست منطقه‌گرایی و همچنین عضویت در سازمان‌های فرمانطقه‌ای، همانند «اتحادیه بریکس»، آینده‌ای بسیار درخشان برای اقتصاد ایران قابل پیش‌بینی است.



نسخه صوتی صبح صادق
بشنوید
@Beshnavidd



پیام به واشنگتن

اهداف و پیام‌های سفر نخست‌وزیر عراق به ایران

ایران هسته‌ای

نگاهی به مسیر پیش‌روی صنعت هسته‌ای ایران و دشمنی‌های غرب

پیش درآمد

ایران هسته‌ای الگویی برای جهان

اکبر معصومی

کارشناس بین‌الملل



اعتراف صریح نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مبنی بر هدف قرار دادن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در حالی مطرح شد که این رژیم نزدیک به پنج دهه است که سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار دارد. سکوت کشورهای مدعی غربی و چشم‌پوشی سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان انرژی اتمی نسبت به ایران موضوع، نشان می‌دهد صنعت هسته‌ای به سمت گمراهی حرکت می‌کند.

حال کشوری، همچون جمهوری اسلامی ایران که تحت شدیدترین بازرسی‌ها در صنعت هسته‌ای قرار گرفته است و همواره چندین مرتبه مورد حمله تروریستی و جاسوسی دشمن در نیروگاه‌های هسته‌ای خود شاهد بوده است و تا کنون نیز حتی یک نمونه هم انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای نداشته است، بر خلاف رژیم صهیونیستی مورد سرزنش جامعه غربی و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است؛ از این رو باید دقت داشت که؛

اولاً، کشورهای غربی به ویژه آمریکا به هیچ وجه نگران دستیابی به سلاح هسته‌ای از سوی کشورهای مختلف نیست؛ چون خود و هم‌پیمانانش بیشتر زرادخانه‌های هسته‌ای را در اختیار دارند و اولین کشور مورد استفاده از سلاح هسته‌ای هم آمریکا بوده است. تنها نگرانی آنها شکستن انحصار دستیابی به علم هسته‌ای است. دستیابی ایران به دانش هسته‌ای به معنای پایان انحصارگری در دنیای پیشرفته امروزی است.

ثانیاً، محدودسازی صنعت هسته‌ای در داخل کشورمان به دلیل کاستن از دشمنی غرب، گزاره‌ای اشتباه و خیانت به آیندگان خواهد بود. صنعت هسته‌ای به معنای فائق آمدن بر بحران‌های آینده از جنبه‌های مختلف تلقی می‌شود. بنابراین برجام یا طرح‌های مشابه اینچنینی تنها به معنای محدودسازی خود از قدرت هسته‌ای که به صورت صلح‌آمیز است، تلقی می‌شود.

جمهوری اسلامی باید در اولویت‌های خود، صنعت هسته‌ای را به صورت شتاب‌روزی گسترش دهد تا مشکلات بی‌آبی، درمان برخی از بیماران ناعلاج دیروزی، کمبود برق و... را مرتفع کند. ثالثاً، از آنجایی که ماهیت هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است، لذا باید با دیپلماسی فعال ایران را به عنوان یک الگو و نماد حقوق بشری در جامعه معرفی کرد و انحصار تبلیغاتی دشمن را برای همیشه شکست. غرب با تبلیغات گسترده رسانه‌ای رفتار ایران را وارونه معرفی کرده است که این باید تغییر کند.

گروه پرونده

صبح صادق

در ابتدا بفرمایید دلیل رفت و آمدهای اخیر گروسی مدیر کل آژانس انرژی اتمی به ایران چیست؟ اینکه رئیس سازمان انرژی اتمی عنوان می‌کند موضوعات مطرح شده پیرو مسائل فنی بوده یا مذاکراتی را در جهت اعتمادسازی خواهیم داشت را چطور ارزیابی می‌کنید؟

آقای گروسی قبل از سفر به دنبال درخواست‌های سیاسی و زیاده‌خواهانه‌ای بود و سعی داشت ایران را تحت فشار وادار کند تعهدات برجامی خود را به شکل یکسویه مجدد انجام دهد؛ این در شرایطی است که طرف غربی از انجام تعهداتش همچنان سر باز می‌زند.

در مقابل این رویکرد زیاده‌خواهانه، جمهوری اسلامی ایران فشار متقابلی را وارد کرد تا به آژانس این هشدار را بدهد که در صورت ادامه این روند جواب ایران همانسی خواهد بود که پیش از این به قدرت‌های جهانی داده است؛ یعنی کاهش همکاری.

در حقیقت این رویکرد سبب خواهد شد که جمهوری اسلامی ایران نگاهش به آژانس به عنوان یکی از طرف‌های غربی باشد و سعی کند سطح روابط را پایین بیاورد؛ اما آقای گروسی که سعی می‌کند خودش را به طرف‌های غربی و آمریکایی بیشتر ثابت کند، پیام را دریافت کرد و در یک تغییر موضع ۱۸۰ درجه‌ای از موضع و رویکرد حداکثری خود دست برداشت و با یک تقاضای حداقلی به تهران آمد که کارت‌های حافظه جایه‌جا شود.

پس از خروج از ایران هم با وجود اینکه قبل از سفر در فشار به جمهوری اسلامی تهدید می‌کرد که احتمال تصویب قطعنامه شورای حکام وجود دارد تا ایران را زیر بار فشار بیشتر مجبور به تمکین کند؛ اما

در زمان خروج اعلام کرد با وجود اینکه هیچ قول و وعده‌ای از ایران نگرفته، تصویب قطعنامه در شورای حکام غیر محتمل خواهد بود.

این نشان می‌دهد، فشارهایی که آقای گروسی می‌آورده نخست برای آزمایش کردن و محک زدن دولت جدید ایران در قبال رویکرد زیاده‌خواهانه طرف غربی بوده و دوم اینکه آژانس اصولاً بخشی از فشارهای غربی بر روی دولت جدید را در کنار تحریم‌های جدید آمریکا و تهدیدهای نظامی روزافزون رژیم صهیونیستی همگی در مجموع فشارهایی را تشکیل می‌دهند که دولت آقای رئیسی را مجبور کنند هر چه سریع‌تر پای مذاکرات وین برگردد و اجازه ندهند که دولت جدید راهبرد جدید مذاکراتی را پی‌ریزی کند و تیم جدیدی را تشکیل دهد.

به نظر می‌رسد آقای گروسی در اعمال فشارها بر ایران در راستای این دو هدف، یعنی آزمودن دولت جدید و همچنین وادار کردن جمهوری اسلامی به بازگشت سریع به مذاکرات وین شکست خورده و به هیچ یک از این دو هدف دست پیدا نکرده است؛ چراکه پیام‌های جمهوری اسلامی را به وضوح دریافت کرده است.

وی همانند زمان دولت قبل خواهان ملاقات با رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و دیگر مقامات جمهوری اسلامی بود، اما به هیچ عنوان این اجازه به ایشان داده نشد و فقط ملاقات با آقای اسلامی در راستای وظایفش هماهنگ شد تا به ایشان این پیام داده شود که رویکرد ایران به آژانس مصراانه حقوقی و فنی است و جایگاه آژانس هم یک جایگاه حقوقی و فنی است، نه یک جایگاه سیاسی.

نگاهی به سفر مدیر کل آژانس انرژی اتمی به تهران در گفت‌وگوی صبح صادق با مصطفی خوش چشم

باخت - باخت برای آقای گروسی

در پی بدعهدی‌های طرف‌های غربی، ایران در پاسخ متقابل گام‌هایی در جهت کاهش تعهدات خود برداشت؛ اما باز هم غربی‌ها که از ابتدا به دنبال کارشکنی در مفاد برجام بودند، راهی جدید برای فشار بر ایران شروع کردند. «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۲۱ شهریور در رأس گروهی به ایران آمد. برای ارزیابی و تحلیل این حضور با دکتر «مصطفی خوش چشم» تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو نشستیم.

آیا آنچه مد نظر مسئولان سازمان انرژی اتمی است و اینکه می‌گویند ما در راستای اعتمادسازی مذاکره می‌کنیم، با توجه به سابقه تاریخی مذاکرات و اهداف غرب از این مذاکرات، میسر خواهد شد؟

پر واضح است که جمهوری اسلامی ایران همواره اصرار داشته است که آماده همکاری فنی و حقوقی است؛ اما طرف غربی هیچ‌گاه اجازه نداده پرونده ایران به یک پرونده فنی و حقوقی تبدیل شود و آن را به یک پرونده سیاسی تبدیل کرده است. آژانس به ویژه این رئیس آژانس، یعنی آقای رافائل گروسی در راستای اهداف غرب به پرونده ایران به شکل یک پرونده سیاسی نگاه می‌کند. مدیر قبلی آژانس آقای آمانو در زمان عقد برجام اعلام کرد او حتی اگر به آژانس ثابت شود که فعالیت‌های ایران تمام و کمال صلح‌آمیز است، هیچ‌گاه اعلام نخواهد کرد که فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است؛ چرا که این را وظیفه شورای امنیت سازمان ملل می‌داند؛ به دلیل اینکه پرونده ایران یک پرونده سیاسی است. این اعتراف واضح مدیر قبلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (که هیچ‌گاه اعلام نخواهد کرد فعالیت‌های ایران صلح‌آمیز است و این یک پرونده سیاسی و در وظایف شورای امنیت است) به وضوح نشان می‌دهد سطح همکاری ایران تأثیر زیادی بر نگاه آژانس ندارد و آژانس بیشتر متأثر از نگاه سیاسی غرب است؛ به این معنا که اگر برجام وجود داشته باشد، آژانس سعی خواهد کرد تهدیدها و فشارهایش را کمتر کند. در صورت نبود توافق و با رویکرد تهاجمی‌تر طرف غربی آژانس هم به عنوان یک ابزار در خدمت این نگاه سیاسی طرف غربی است؛ بنابراین گمان می‌شود که اگرچه ایران آماده همکاری به منظور ثابت کردن صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ایش است؛ اما آژانس کماکان به عنوان یک ابزار از سوی غربی‌ها استفاده خواهد شد.



محدودیت‌های ابدی

غرب به دنبال چگونه برجامی است؟

ایدئولوژی‌سازی

در واقع غربی‌ها می‌خواهند در حوزه سیاست خارجی ایران یک ایدئولوژی‌سازی شود و این را از طریق فشار و مذاکره با تهدید و تسلیم و برجام ۲ و ۳ تحمیل کنند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب این تنها یک بهانه است و آنها به دنبال برجام ۴ هم هستند؛ چنانچه آنها بعدها شرط و شروطهایی در خصوص بحث‌های حقوق بشری در داخل ایران هم مدنظرشان است؛ اما چون اکنون قدرت و امکانات تحمیل این موضوعات را ندارند، فعلاً نفس موضوع هسته‌ای را می‌خواهند محدودسازی کنند. غربی‌ها می‌خواهند در درجه اول جمهوری اسلامی ایران همه گام‌های ۵ و ۶ گانه‌ای که برداشته است، دوباره به نقطه صفر در سال ۱۳۹۴ برگرداند و در گام بعدی بتوانند بحث موشکی را که در سال ۲۰۲۳ براساس برجام باید کلاً محدودیت‌هایش برداشته شود، تغییر دهند. آنها به شدت به دنبال ابدی شدن محدودیت‌ها هستند. در مقطع بعدی، چون ۱۰ سال بعد از زمانبندی برجام جمهوری اسلامی می‌تواند وارد مرحله صنعتی و نیمه صنعتی شود، آن‌را هم کلاً محدودسازی کنند و ایران برنامه‌ای که بخواهد در خصوص غنی‌سازی و برنامه هسته‌ای به سمت صنعتی شدن برود، نداشته و گامی در این خصوص برندارد. غربی‌ها در عین حال فرا برجامی را هم بعداً به همین نحو دنبال می‌کنند.

دنبال کردند، این بوده است که بتوانند جمهوری اسلامی ایران را مجاب کنند برجام دومی با ماهیت خود موضوع هسته‌ای نبیند؛ به این معنا که جمهوری اسلامی در خصوص برنامه‌های موشکی، غنی‌سازی و برنامه‌های صنعتی شدن در این حوزه مجدد وارد مذاکره شود. باید عنوان کرد این بخشی از ماهیت اصلی برجامی است که اروپا و آمریکا دنبال می‌کنند؛ اما یک ماهیت فرا برجامی هم وجود دارد و آن، اینکه بندی در مذاکرات‌شان به تصویب برسانند که بلافاصله مذاکراتی تحت عنوان برجام پلاس یا برجام‌های ۱، ۲ و ۳ با جمهوری اسلامی ایران منعقد کنند. یکی از این برجام‌ها برنامه موشکی است و باید این برنامه موشکی محدود شود، چنانچه سابقاً مطرح می‌شد بُرد موشک‌های ایران نباید از ۶۰۰ کیلومتر بیشتر باشد.

برجام ۲ در واقع مربوط به موضوع موشکی است که غرب روی آن بسیار حساس بوده و تلاش‌های بسیاری دارند که برنامه موشکی ما را امنیت‌سازی کنند. غربی‌ها می‌خواهند ایران در فرآیندی وادار به محدود کردن برنامه‌های موشکی خود شود. برجام سوم را هم در همین راستا می‌خواهند تحمیل کنند و تلاش دارند حتماً ایران آن را بپذیرد و آن برجام منطقه‌ای است؛ یعنی جمهوری اسلامی موضوع رژیم صهیونیستی و حمایت از جبهه مقاومت در منطقه را از دستور کار سیاست خارجی خود خارج کند.

مذاکره جدیدی نشود تا آنها این بندهای غروب آفتاب را ابدی کنند. آمریکا در حقیقت قصد داشت، اهدافی که در فواصل زمانی خاص باید برداشته می‌شدند، ابدی شود؛ از جمله موضوع تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران و برنامه موشکی ایران و اینکه جمهوری اسلامی به هیچ وجه برنامه صنعتی در حوزه هسته‌ای نداشته باشد و تنها در حد آزمایشی باشد، سانترفیوژهای جمهوری اسلامی ایران فراتر از محدودیتی که ایجاد کرده‌اند نرود و حتی سانترفیوژها به سمت سانترفیوژهای پیشرفته‌تر نرود. اگرچه این موارد در برجام آمده بود، ولی غربی‌ها در آن زمان به ناچار آن را پذیرفته بودند و می‌گفتند در فرآیند زمانی خاصی آن را از ایران دریغ خواهیم کرد؛ نشانه این اهداف این بود که به بهانه‌های مختلف همه تحریم‌ها را لغو نکردند! چنانچه برای بخشی از تحریم‌ها گفتند باید فرآیندش را در کنگره آمریکا طی کند که نمی‌شود بخشی را گفتند تحریم‌های هسته‌ای نیستند و تحریم‌های اولیه هستند و... در هر صورت یکسری از تحریم‌ها را برای همین روزهای مبدا نگه داشتند تا بتوانند سایر موضوعاتی که حتی در برجام هم بود، بر جمهوری اسلامی تحمیل کنند.

برجام پشت برجام!

آنچه اکنون غربی‌ها به دنبال آن هستند و همه هم و غم‌شان در این شش مذاکره‌ای که در سال جدید

سیامک باقری

عضو شورای سیاست‌گذاری صبح صادق



آنچه غرب و به طور مشخص خود آمریکا در قالب برنامه هسته‌ای ایران دنبال می‌کند، دو بخش دارد: یک بخش معطوف به خود موضوع هسته‌ای است و بخش دوم فراهسته‌ای است؛ یعنی در واقع به بهانه هسته‌ای و با تمسک به موضوع هسته‌ای و به عبارتی فراتر از آن دنبال می‌کند.

غرب برای آنچه ماهیت هسته‌ای دارد، در گام اول در سال ۱۳۹۲ وارد مذاکره شد و در سال ۱۳۹۴ به برجام رسید. در آن زمان نگاه‌شان به این معنا بود که ما باید به تقاضای برجام برسیم که بتوانیم برای برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران یک محدودیت نسبی اعمال کنیم و بعدها گام به گام هدف‌های بعدی خود را برداریم؛ در واقع غربی‌ها می‌خواستند هدف‌هایی را که حتی در خود توافق‌نامه برجام هم نوشته شده بود، طی فرآیندی در آینده کوتاه‌مدت بر ایران اعمال کنند.

غروب بی پایان

این همان چیزی بود که پس از اوپاما، ترامپ با عنوان بندهای «غروب آفتاب» مطرح کرد و برای همین اصرار داشت جمهوری اسلامی ایران وارد

انحصارطلبی کشورهای دارای صنعت هسته‌ای سبب شده است اهمیت انرژی هسته‌ای به خوبی قابل درک شود. رویکرد برخی از کشورهای غربی در صنعت هسته‌ای نشان می‌دهد مسیر استکباری آنها در آینده از طریق علم که نمود آن علم هسته‌ای است، خواهد گذشت. بی‌جهت نیست که حدود بیست سال است که انواع تهدید، تطمیع و... را در قبال جمهوری اسلامی به‌کار گرفته‌اند تا اجازه هسته‌ای شدن را به ایران ندهند. حال که کشورهای صاحب صنعت هسته‌ای از تعداد انگشتان دست بالاتر نیست، و دستیابی به آن نیازمند دانش بالا و وجود دانشمندان متخصص در این حوزه است، بدیهی است که هر کشوری که به آن علم دسترسی پیدا کند، جزء کشورهای بسیار توسعه یافته و قدرتمند به شمار می‌آید. یکی از حامیان اصلی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی رهبر معظم انقلاب است. ایشان درباره اهمیت و ضرورت دستیابی به این علم می‌فرمایند: «دشمنان سعی می‌کردند مسئله هسته‌ای را در کشور ما از چشم مردم بیندازند. یک عده هم شروع کردن به اینها کمک کردن. همین آدم‌های کوتاه‌فکر و سطحی‌نگر، احیانا هم بعضی‌شان دلدا ده به آن سوی مرزها، می‌گویند: انرژی هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم؟... مسئله هسته‌ای مسئله امروز کشور ما نیست مسئله فرادهای کشور و آینده کشور است. مسئله سرنوشت کشور ماست. مسئله سرنوشت کشور است. این حق مسلم خیلی از کشورها و ملت‌هاست، اما مثل شما نمی‌آیند توی میدان تا این حق را مطالبه کنند. نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه این می‌شود که آن کسانی که توانسته‌اند انرژی هسته‌ای را به دست بیاورند، در آینده نه‌چندان دوری خواهند توانست سرنوشت انرژی دنیا را در دست داشته باشند.» حمایت‌های چندین باره رهبر معظم انقلاب سبب شده است که امروز جمهوری اسلامی با وجود همه فشارهای غرب، به صنعت بومی هسته‌ای دست پیدا کند و انحصار را در این حوزه بشکند. اهمیت استراتژیکی انرژی هسته‌ای در قدرت‌دهی به کشورها سبب شده است امروز بسیاری از کشورها به فکر رفتن به سمت علم هسته‌ای باشند. اگرچه غرب به‌ویژه آمریکا علم هسته‌ای را به انحراف کشاند و از آن برای ساخت سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کرد و در وضعیت فعلی نیز کشوری همچون جمهوری اسلامی را که به دنبال صنعت هسته‌ای است، به رویکرد نظامی‌گری علم هسته‌ای متهم می‌کند، اما این علم فواید بسیاری دارد که به برخی اشاره می‌شود:

۱ تولید برق: طبق گزارش وزارت صنایع فرانسه، هزینه یک نیروگاه هسته‌ای ۱۴۰۰ مگاواتی معادل ۱۵/۴ میلیارد فرانک، یک نیروگاه گازسوز با همین ظرفیت ۴/۳ میلیارد فرانک و یک نیروگاه زغال سنگ یوز با ظرفیت مشابه ۹ میلیارد فرانک ارزش دارد. در مقابل، این امتیاز برای گاز ارمغانی به همراه ندارد؛ زیرا هزینه تولید هر کیلووات ساعت برق تا ۷۰ درصد به قیمت سوخت بستگی دارد. (منبع: سایت ایران سرای من) نیروگاه هسته‌ای (Nuclear Power Station) یک نیروگاه الکتریکی است که از انرژی تولیدی شکست هسته اتم اورانیوم یا پلوتونیوم استفاده می‌کند؛ چون شکست سوخت هسته‌ای اساساً گرما تولید می‌کند، از گرمای تولید شده رآکتورهای هسته‌ای برای تولید بخار استفاده می‌شود، از بخار تولید شده برای به حرکت در آوردن توربین‌ها و ژنراتورها و در نهایت برای تولید برق استفاده می‌شود.

۲ از نظر محیط زیستی: یک نیروگاه هسته‌ای صد مگاواتی سالانه بانصد تن زباله با درجه رادیواکتیو ضعیف، دوست تن زباله با درجه رادیواکتیو متوسط و ۲۵ تن زباله با درجه رادیواکتیو شدید تولید می‌کند. در مقایسه، یک نیروگاه برق زغال سنگ سوز ۳۵۰ هزار تن زباله سخت (زباله‌های معدنی، خاکستر و تقاله آهن) تولید می‌کند که صدها کیلو فلز سنگین نیز در میان آنها وجود دارد. (منبع: رشد: ضرورت دستیابی به فناوری هسته‌ای) البته پیشرفت‌های فنی باید اجازه دهد که از این میزان زباله کاسته شود. با وجود این سوخت فسیلی از نظر تولید زباله پر بار هستند؛ اما گاز به جز گاز کربنیک، تقریباً زباله یا تولید جانبی خطرناکی ندارد. رادیو اکتیویته نامرئی است، اما حتی ضعیف‌ترین درجه رادیو اکتیویته که ممکن است برای محیط زیست مضر باشد، قابل ردیابی است. در نتیجه نیروگاه‌های هسته‌ای را می‌توان به خوبی کنترل کرد و در واقع کشف خطر آنها راحت‌تر از نیروگاه‌های گرمایی کلاسیک است.

۳ گازهای گلخانه‌ای: نیروی هسته‌ای با وجود خطر ها و محدودیت‌ها، به دلیل تولید نکردن گاز گلخانه‌ای، بر انرژی‌های فسیلی برتری دارد. سوخت‌های فسیلی با تولید گازهای گلخانه‌ای در افزایش تعداد طوفان‌ها و تغییرات آب و هوایی شدید خیلی مؤثر است. امتیاز و برتری انرژی هسته‌ای در این است که حتی یک مولکول گاز کربنیک از رآکتور هسته‌ای به هوانمی رود. در عوض اورانیوم مورد نیاز این رآکتور باید با کامیون‌هایی که سوخت فسیلی (نفت) می‌سوزانند، حمل و نقل شود.

۴ کاربردهای پزشکی: یکی از مهم‌ترین کاربردها صنعت هسته‌ای، کاربرد آن در صنعت پزشکی است و بسیاری از بیمارهای صعب‌العلاج دیروزی، امروزه از طریق تکنیک‌های هسته‌ای قابل درمان است. به طور کلی می‌توان برخی از عنوان مصادیق کاربرد تکنیک‌های هسته‌ای در حوزه پزشکی نام برد: تهیه و تولید رادیو داروی پلد ۱۳۱ برای تشخیص بیماری‌های تیروئید و درمان آنها، تهیه و تولید کیت‌های رادیو دارویی برای مراکز پزشکی هسته‌ای، کنترل کیفی رادیو داروهای خوراکی و تزریقی برای تشخیص و درمان بیماری‌ها. (منبع: سازمان بهداشت جهانی)، تهیه و تولید کیت‌های هورمونی، تشخیص و درمان سرطان پروستات، تشخیص سرطان کولون، روده کوچک و برخی سرطان‌های سینه، تشخیص تومورهای سرطانی و بررسی تومورهای مغزی، سینه و ناراحتی وریدی، تصویربرداری بیماری‌های قلبی، تشخیص عفونت‌ها و التهاب مفصلی، آمبولی و لخته‌های وریدی.

۵ دسترسی به منابع آب: تکنیک‌های هسته‌ای برای شناسایی حوزه‌های آب زیرزمینی، هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی، کشف و کنترل نشت و ایمنی سدها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه در شیرین کردن آب‌های شور نیز انرژی هسته‌ای نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. با بررسی این مسائل، صرف‌نظر کردن از فناوری هسته‌ای و فواید گسترده آن اعم از تولید برق، رادیوداروها و صنعت کشاورزی، چشم‌پوشی از این انرژی، خطایی راهبردی برای کشورها به حساب می‌آید و کشورها را در آینده به سوی وابستگی انرژی سوق خواهد داد. با علم به اهمیت انرژی هسته‌ای در قرن ۲۱ و با در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه کنونی ایران، عقب‌نشینی در صنعت هسته‌ای تحت عنوان برجام و گره زدن صنعت هسته‌ای به دنیای سیاست به هیچ وجه توجیه عقلانی ندارد. پایداری به خواست و اراده به داشتن صنعت هسته‌ای سبب خواهد شد در نهایت قدرت‌های استکباری مجبور شوند جمهوری اسلامی ایران را به منزله یکی از قدرت‌های هسته‌ای قبول کنند. از سوی دیگر، تأکید ایران بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، سبب شده است که ایران به منزله الگویی در جهان معرفی شود. کشوری که به هیچ وجه نگاه نظامی را در این موضوع نداد و صرفاً کارکردهای غیر نظامی را در صنعت هسته‌ای پیگیری می‌کند.

صنعت هسته‌ای نیاز امروز و فردا



فناوری هسته‌ای و مسئله نفوذ

تقلای رژی‌م صهیونیستی علیه ایران

هر حال شیطان در حوزه صهیونیست دخالت دارد و همانطور که امام راحل فرمودند آمریکا شیطان بزرگ است؛ یعنی شیاطین کوچک هم وجود دارند. یک کشور به نام اسرائیل که ما به او رژیم غاصب صهیونیستی می‌گوییم، در یک نقطه کوچک از کره زمین واقع شده که تفکر صهیونیستی دارد. این تفکر یک تفکر گسترده است و می‌تواند در خیلی از کشورها وجود داشته باشد که در سران و احزاب و اقتصاد آنها تأثیرگذار است، بنابراین همه مسائل از جمله سلاح هسته‌ای می‌تواند تحت کنترل آنها قرار گیرد. لذا از طریق مسئولان کشورها، احزاب و اقتصاد می‌توانند در کشورها نفوذ کنند و روی تصمیماتی که گرفته می‌شود، تأثیرگذار باشند. ما سمت حق هستیم و دشمن سمت باطل و دشمن در جامعه ما نفوذ دارد.

در واقع تفکر رژیم صهیونیستی می‌تواند از مخالفان جمهوری اسلامی ایران سرباز بگیرد؛ چرا که به دنبال ضربه زدن به ما و نابودی جمهوری اسلامی ایران هستند، بنابراین در کشور ما نفوذ می‌کنند.

امام خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب نیز بارها به پدیده نفوذ اشاره و تأکید داشته‌اند که باید نسبت به آن دقت شود، لذا ما نباید پدیده نفوذ را نادیده بگیریم. آنها اطلاعات از کشور ما را از طریق نفوذ کسب می‌کنند و ما هم کشور ضعیفی نیستیم بلکه در بسیاری از حوزه‌ها قدرتمند و پیشران دانش‌های نوین هستیم.

علماء، استادان دانشگاه‌ها و حوزوی‌های ما در مباحث نظری قوی هستند که افراد نفوذی از این طریق کسب اطلاع می‌کنند، به همین دلیل یکی از نقاط مورد نظر آنها، مراکز آموزش-تحقیقاتی ما هستند و فرقی هم نمی‌کند که در حوزه علوم انسانی، پزشکی یا صنعتی باشند.

هر جا که مظهر قدرت ماست به خصوص در مسائل نظری، دشمنان حتما در آن نفوذ می‌کنند و برای آن برنامه دارند. دستاوردهایی را که در جامعه مشهود است، از طریق اطلاع‌رسانی رسانه‌ها می‌توانند کسب کنند، اما آن دسته از توانمندی‌های ما را که پنهان هستند، از طریق نفوذ اطلاعات کسب می‌کنند؛ اما این اخبار پنهانی را به شکل نادرست هم به دیگران جلوه می‌دهند.

در واقع توانمندی‌های ما را در جهت ترساندن کشورهای دیگر، چه همسایگان ما و چه کشورهای غربی به کار می‌برند، بنابراین از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران، داده‌های غلط تولید می‌کنند.

در واقع دشمنان ما توانمندی‌های ما را که می‌خواهیم از آنها در جهت صلح‌آمیز و برطرف کردن مشکلات جامعه و همسایگان و جامعه بشری استفاده کنیم و از این طریق زکات علم خود را نیز بپردازیم، در دیگر کشورها بد جلوه می‌دهند و طوری تبلیغ می‌کنند که گویا ما خطری برای جامعه بشری هستیم و به همین طریق خود را تطهیر می‌کنند.

آنها با توجه به اینکه رسانه‌های قوی دارند

و امپراتوری رسانه‌ای را به راه انداخته و جنگ اطلاعات را هدایت می‌کنند و همچنین در دولت‌ها نیز نفوذ دارند، می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های دولت‌های دیگر دخالت کنند و با بد جلوه دادن، داده‌های کسب کرده آشکار و پنهان از کشور ما، ضد ملت ایران استفاده کنند

ما در دنیای واقعی زندگی می‌کنیم و باید قبول کنیم که دشمنان داخل کشور ما نفوذ دارند، لذا باید راه نفوذ را ببندیم؛ رسانه‌های ما نیز در آگهی بخشی به دنیا باید تلاش کنند. دعوی دنیای امروز، بیشتر درباره فضاست، چون کشورهایی قدرت دارند که در فضا قدرت داشته باشند، ماهواره داشته باشند و بتوانند سفینه به فضا بفرستند و ایستگاه فضایی داشته باشند، به همین دلیل رژیم صهیونیستی نمی‌خواهد ایران ماهواره و موشک داشته باشد.

اگر ما موشک فارهیم‌انداز داشته باشیم، نمی‌توانیم در فضا قدم بگذاریم؛ فضا مرکز کنترل داده‌ها و مرکز کنترل زمین و داده‌برداری از زمین و تحلیل آن است؛ درست است که فیبرهای نوری گسترش پیدا می‌کنند و امواج به طریقی در فیبرهای نوری وارد می‌شود و ارتباطات اینترنتی شکل می‌گیرد؛

اما داده‌برداری از طریق فضا، صورت می‌گیرد و دشمنان نمی‌خواهند که جمهوری اسلامی ایران در فضا قدرت داشته باشد.

همچنین با فعالیت‌های هسته‌ای ما مخالفت می‌کنند؛ چون اگر ما بخواهیم موجودی را در فضا قرار دهیم، باید برای آن، بحث مقاوم‌سازی پرتویی را انجام دهیم، یعنی الکترونیکی که می‌خواهیم در فضا بفرستیم و مکانیکی که در آنجا داریم، تجهیزات مکانیکی و موادی که می‌خواهیم در ماهواره‌ها و ایستگاه‌های فضایی استفاده کنیم، همگی باید روی زمین در مقابل پرتوهای گامما، ایکس، نوترون و پروتون مقاوم شوند؛ از همین رو با فعالیت‌های هسته‌ای ما مخالفت می‌کنند.

اما الحمدلله ما از این مرزها رد شده‌ایم و سال‌هاست که به دانش و فناوری هسته‌ای دست پیدا کرده‌ایم و به شکل آزمایشی ماهواره به فضا فرستاده‌ایم و اگر برای هر یک باشگاه مختلفی در نظر بگیریم، ما وارد باشگاه هسته‌ای، فضایی و موشکی دنیا شده‌ایم.

این فناوری‌های هسته‌ای و توانمندی‌ها برای آینده، ثبات و دفاع از کشور و رفاه مردم نیاز است. این در حالی است که دشمنان ما با این توانمندی‌ها مخالف هستند و عده‌ای در داخل کشور که حتی از افراد رده بالای کشوری هستند نیز با این توانمندی‌های هسته‌ای و رفتن به فضا مخالفت می‌کنند که اینها مصداق پدیده نفوذ است.



فریدون عباسی

عضو کمیسیون انرژی مجلس

درباره نقش رژیم غاصب صهیونیستی در رفتار هسته‌ای غرب اینطور می‌توان گفت، باید به دنبال نفوذ صهیونیسم در جوامع غربی بود. البته نفوذ رژیم صهیونیستی به کشورهای غربی محدود نمی‌شود؛ سران تال اوپو نه فقط در کشورهای اروپایی، آمریکا، کانادا و استرالیا نفوذ دارد؛ بلکه در کشورهای دیگر به ویژه دیکتاتوری‌های حاشیه خلیج فارس هم نفوذ دارد که آنها را نیز باید به رژیم صهیونیستی لحاظ کرد.

صهیونیست‌ها یا سرمایه‌ای که دارند، بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ این کشورها را در اختیار دارند، همچنین افراد مد نظر را در حکومت‌ها تعیین می‌کنند، یعنی بسیاری از رؤسای جمهور و وزرای که در جامعه غرب بر سر کار می‌آیند و احزابی که آنجا فعالیت می‌کنند، تحت نفوذ صهیونیست‌ها هستند، علاوه بر آن در مطبوعات، سایت‌ها و رسانه‌ها که قدرتمند هستند نیز نفوذ دارند.

سلاح هسته‌ای می‌تواند یک ابزار قدرتمند صهیونیست‌ها در جهان به شمار آید. در اینجا جنگ حق و باطل خود را نشان می‌دهد؛ به

یادداشت

تکمیل پازل
نگاه به شرق

اکبر معصومی

کارشناس بین الملل

پس از پانزده سال انتظار و همکاری جمهوری اسلامی ایران با اعضای سازمان شانگهای، ایران به عنوان نهمین کشور عضو دائم این سازمان شد. سازمان همکاری شانگهای که در سال ۲۰۰۱ میلادی از سوی کشورهای چین و روسیه و چهار کشور قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان پایه‌گذاری شد، اکنون در سال ۲۰۲۱ با نهایی شدن مراحل عضویت هندوستان، پاکستان و ایران و سه عضو ناظر مغولستان، افغانستان و بلاروس گستره جغرافیایی بسیار وسیع‌تری به خود گرفته است. مساحت کل سرزمین‌های تحت حاکمیت کشورهای عضو و ناظران بیش از ۳۵ میلیون کیلومتر مربع و با جمعیتی بیش از سه میلیارد یا حدود بیش از ۴۰ درصد جمعیت دنیا را در بر می‌گیرد.

عضویت ایران در این سازمان که تکمیل‌کننده سیاست نگاه به شرق به شمار می‌آید، در حالی اتفاق افتاد که غرب با نهایت دشمنی، تمام تلاش خود را برای منزوی کردن جمهوری اسلامی به کار برده است. تحریم و انحصار کشی اطراف کشورمان تا بکارگیری عملیات خرابکاری در داخل و امتیازگیری از دل مذاکرات از جمله رفتارهای ضد بشری غرب به ویژه آمریکا علیه ایران بوده است. حال ورود ایران به کشورهای عضو شانگهای می‌تواند خط بطلانی بر تمامی سیاست‌های مخرب غرب علیه ایران باشد. اگرچه پیمان شانگهای در ابتدا بیشتر رویکرد امنیتی داشت، اما سال‌هاست که با تمرکز بر حوزه اقتصادی عملاً همه نگاه‌ها در سراسر دنیا را به ویژه در حوزه رشد سرانه اقتصادی به خود معطوف کرده است و یک بلوک قدرت جدید شکل گرفته است که نظام تک‌قطبی غرب را به چالش کشانده است.

کارکرد دوگانه سازمان همکاری‌های شانگهای در زمینه اقتصادی و امنیتی- نظامی نشان‌دهنده به‌کارگیری ظرفیت‌های توسعه‌درونی کشورهای عضو این سازمان برای توسعه با نگاه بر بستر کشورهای مستقل از هژمونی غرب است که این رویکرد، نویدبخش فصل جدیدی از توسعه و پیشرفت اقتصادی برای ایران خواهد بود. تنها عضویت در این پیمان برای جهش اقتصادی کشور کافی نیست و برای ایجاد فرصت‌های بزرگ اقتصادی لازم است که با هر یک از کشورهای عضو نیز روابط دوجانبه قوی برقرار شود.

از سوی دیگر، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز، قدرت این سازمان را در حوزه‌های مختلف امنیتی و اقتصادی ارتقا خواهد داد؛ موضوعی که رؤسای جمهور کشورهای چین و روسیه نیز بر آن صحه گذاشتند. تجربه جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم در سوریه و عراق و... می‌تواند در ارتقای بخشی مبارزه با کارکردهای ضد امنیتی غرب در کشورهای عضو کمک شایانی بکند. از سویی با توجه به جایگاه ژئوپلیتیکی ایران، تبادل انرژی کشورهای عضو از طریق ایران با جامعه بین‌المللی به آسانی صورت گیرد. وجود بندر چابهار و جاده ابریشم تنها نمونه کوچکی است که در پویاسازی اقتصاد کشورهای عضو نقش بی‌بدیلی را ایفا خواهد کرد. بنابراین عضویت ایران کارکرد دوگانه‌ای داشته است که یک بازی برد برای اعضا تلقی می‌شود و هم یک بازی برد برای جمهوری اسلامی است.

میراث اشغالگری

نگاهی به معضلات اقتصادی پیش روی افغانستان



مصطفی منصوروی

کارشناس بین الملل

هزینه‌های ادعایی آمریکا پس از ۲۰ سال هرگز سبب رشد و توسعه زیرساخت‌ها نشده و اکنون این کشور پس از فرار مفتضحانه، افغانستان را با معضلات فراوانی رها کرده که به اجمال اشاره می‌شود:

۱- کمبود نقدینگی: با توجه به قطع کمک کشورهای غربی به افغانستان که سالیانه حدود ۶ میلیارد دلار برآورد می‌شد و از طرفی بلوکه کردن حدود ۹/۵ میلیارد دلار از پول‌های این کشور در آمریکا به بهانه تحریم، وضعیت آینده اقتصادی افغانستان خطرناک بوده و در صورت مشارکت نکردن کشورهای منطقه، دچار فروپاشی مطلق می‌شود.

۲- نیاز به سوخت و مواد غذایی: مردم افغانستان به شدت نیازمند تأمین مواد غذایی و سوخت هستند. این مهم با توجه به اتفاقات چند ماه گذشته و استفاده شدن ذخایر استراتژیک این نوع اقلام، ملموس بوده و طالبان نیز با علم بر مهم بودن همین نکته، تسهیلاتی را مد نظر قرار داده است؛ برای نمونه عوارض گمرکی فرآورده‌های نفتی را تا ۷۰ درصد کاهش داده است.

۳- فقر زیرساخت: افغانستان منابع طبیعی و معادن فراوانی دارد که ارزش آنها حدود ۳ هزار میلیارد دلار برآورد می‌شود. وجود منابع عظیم مس، کبالت و بزرگترین منبع لیتیوم در جهان، به‌عنوان عنصری حیاتی و غیرقابل جایگزین برای ساخت باتری خودروهای برقی و رایانه و... این کشور را به بهشت معادن دنیا معروف کرده است، اما زیرساخت‌های لازم برای بهره‌وری از این مواهب وجود ندارد.

۴- مواد مخدر و برخوردهای دوگانه: موضوع اقتصاد بدون مواد مخدر در افغانستان در اولویت طالبان قرار گرفته است. این گروه خاتمه دادن به اتکای افغان‌ها بر درآمد حاصل از مواد مخدر را جزء سیاست‌های اعلامی خود قرار داده‌اند. متأسفانه با اجرای سیاست‌های منفعت‌طلبانه دولت‌های غربی، کشت خشخاش در بسیاری

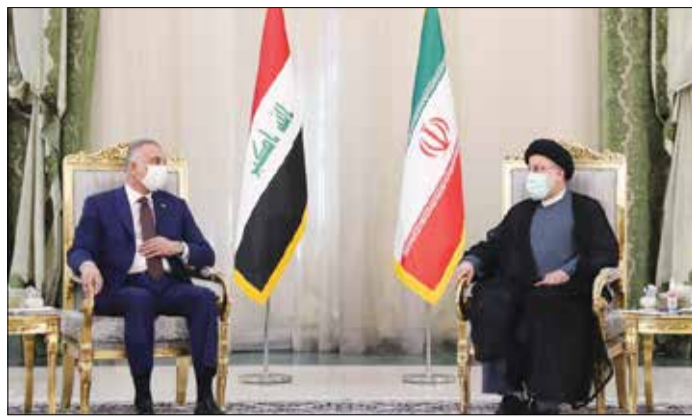
از ولایات افغانستان عامل تأمین‌کننده زندگی و معیشت مردم شده است و بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی آن کشور از تجارت تریاک به‌دست می‌آید؛ در حالی که آخرین برآوردها، میزان تولید تریاک در این کشور را در سطح بی‌سابقه‌ای بالا نشان داده و بین ۶۳۰۰ تا ۱۰ هزار تن برآورد شده است که ۸۰ درصد تریاک و هروئین جهان را شامل می‌شود. با اجرای سیاست‌های درست اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های بالقوه این کشور، همچون خاک حاصلخیز و منابع غنی آب و... و ایجاد زیرساخت‌های وسیع و گسترده که البته به منابع مالی و سرمایه‌گذاری دیگر کشورها نیاز دارد، می‌توان افغانستان را به جمع کشورهای تولیدکننده گندم و پنبه و دیگر کالاهای راهبردی کشاورزی وارد کرد.

۵- فقدان انسجام ملی: با توجه به معرفی نفرت دولت موقت از سوی طالبان که سبب ناامیدی از شکل‌گیری دولت همه‌شمول و فراگیر از همه اقوام و مذاهب شد، قطعاً مردم در مواجهه با مشکلات و معضلات اقتصادی، فرهنگی و... همراهی نخواهند کرد و از تاب‌آوری لازم برخوردار نخواهند بود. راهکار آن نیز بازنگری در کابینه معرفی شده و استفاده از ظرفیت همه اقوام و گروه‌ها و مذاهب در اداره دولت آینده و قابل شدن نقش برای مردم و در نهایت رسیدن به نقطه مطلوب، یعنی مراجعه به صندوق رأی است. وجود ثبات و امنیت در افغانستان با آن همه استعداد آثار باستانی زیبا موجب جذب توریسم از اقصی نقاط جهان و سبب بهره‌مندی مردم از عواید آن خواهد شد که در سایه امنیتی فراگیر شکل خواهد گرفت که با مشارکت همگانی مردم در حکومت‌داری همراه خواهد بود.

نتیجه اینکه کشورهای همسایه افغانستان نقش بزرگی در جلوگیری از اجرای نقشه‌های شوم آمریکا و تلاش این کشور برای بازگشت به افغانستان دارند. این کشورها باید با سلسله نشست‌های هدفمند باعث شکل‌گیری حکومتی فراگیر با مشارکت همه اقوام شوند و مانع حاکمیت یک قوم خاص شده و در کنار نگاه به منافع خود، منفعت مردم افغانستان را نیز مد نظر قرار دهند.

پیام به واشنگتن

اهداف و پیام‌های سفر نخست‌وزیر عراق به ایران



فرزان شهیدی

کارشناس ارشد بین‌الملل

اجتماعی، به ویژه در آستانه انتخابات این کشور دامن بزند. موضوع خشکسالی و کمبود آب در عراق از دیگر مسائلی است که مقامات عراقی معمولاً سعی دارند در رایزنی‌های دیپلماتیک با تهران، از فشار آن بکاهند. هر چند مشکل اصلی آب عراق مربوط به ترکیه است، اما به تلاقی عراقی‌ها نسبت به عملکرد ایران در تأمین حقیقه برخی رودخانه‌های مرزی، مانند سیروان، کارون و کرخه اعتراض‌هایی مطرح کرده‌اند. در پرونده امنیت، افزون بر توسعه همکاری‌های امنیتی و تأکید ایران بر مهار گروه‌های تروریستی در اقلیم کردستان، یکی از پرونده‌های مهمی که الکاظمی در سفر به تهران در باره آن گزارشی ارائه کرد، مسئله خروج نظامیان آمریکایی از عراق در پایان سال جاری میلادی است. اهمیت این موضوع برای ایران از آن جا ناشی می‌شود که «انتقام‌سخت» از خون سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و همراهانش، در اخراج آمریکا از عراق و منطقه تحقق خواهد یافت. در موضوع همکاری منطقه‌ای، نخست‌وزیر عراق اقداماتی را برای وساطت میان تهران و ریاض و کاهش تنش میان این دو قدرت منطقه‌ای سامان داده و تاکنون سه دور مذاکره میان مقامات ایرانی و سعودی برگزار شده است، اما هنوز به نتیجه روشنی نرسیده است. در اجلاس اخیر بغداد نیز گفته شد، دولت عراق سعی دارد از طریق این اجلاس تنش بین تهران و ریاض را کاهش دهد. اما ضمن آنکه مشارکت ایران و عربستان در سطح وزیر خارجه بود، تأکید شد که هدف اصلی اجلاس مسائل عراق است. در مجموع باید گفت، ایران و عراق به عنوان دو همسایه و شریک راهبردی، در ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی مناسبات خوبی با یکدیگر دارند، اما با توجه به برخی مشکلات از جمله سنگ‌اندازی‌های آمریکا، تلاش دارند این روابط را توسعه داده و بر مشکلات و موانع موجود غلبه کنند. سفر اخیر مصطفی الکاظمی به تهران، این پیام را به کشورها، به ویژه آمریکایی‌ها مخابره کرد که سیاست تحریم و منزوی‌سازی ایران در منطقه، یک سیاست ناکام بوده است.

سفر هفته گذشته نخست‌وزیر عراق در صدر یک هیئت عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی به ایران، توجه محافل مختلف را به خود جلب کرده و درباره اهداف و پیام‌های این سفر گمانه‌زنی‌های گوناگونی صورت گرفته است. مصطفی الکاظمی، دو هفته پس از برگزاری نشست بغداد و یک ماه پیش از برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی در این کشور، راهی تهران شد. از این رو هدف عمده او تحکیم مناسبات منطقه‌ای، به ویژه با ایران به منزله بزرگ‌ترین همسایه عراق است. این در حالی است که وی ۱۳ ماه پیش، نخستین سفر خارجی خود را به ایران انجام داد و اکنون نخستین مقام خارجی است که برای دیدار با رئیس‌جمهور جدید ایران، سید ابراهیم رئیسی به تهران سفر کرده است. از طرفی، با توجه به نزدیکی بودن انتخابات پارلمانی در عراق، الکاظمی سعی دارد با توجه به نفوذ ایران بر برخی از جریان‌های این کشور، زمینه برگزاری موفق انتخابات را فراهم کند. طبق اعلام رسمی، هدف سفر الکاظمی بحث و تبادل نظر پیرامون همکاری‌های اقتصادی، انرژی، امنیت و نیز پرونده روابط میان ایران و عربستان بوده است. از موضوعات مهم در عرصه اقتصادی، تأکید دو طرف بر افزایش سطح مبادلات تجاری از ۱۳ میلیارد به ۳۰ میلیارد دلار در سال و نیز توافق برای لغو روادید و تسریع در احداث خط راه‌آهن بین دو کشور است. در حوزه انرژی، عراق برای تأمین حداقل یک سوم گاز و برق خود به ایران نیاز دارد؛ اما به دلایلی همچون مشکلات فنی و پرداخت نشدن بدهی‌های عراق، صادرات انرژی به این کشور دچار نوسان شده است. الکاظمی سعی دارد این مسئله را با ایران حل و فصل کند، زیرا نگران است که کاهش صادرات در فصل گرما به ناآرامی‌های

ایران بزرگ‌ترین قدرت موشکی منطقه

ارتباط تل آویو و ریاض!
رادیو اسرائیل: «کلباد اردان» نماینده اسرائیل در سازمان ملل متحد که جشنی در نیویورک به مناسبت نخستین سالگرد اعضای توافق سازش تل آویو با امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مغرب برگزار کرده بود، از تلاش اسرائیل برای برقراری روابط با عربستان سعودی و چند کشور آفریقایی خبر داد. وی همچنین تأکید کرد: «اسرائیل بسیار علاقه‌مند به عادی‌سازی روابط با عربستان است.»

برنده تحولات سوریه
روزنامه جرزالم پست: با آزادسازی کامل شهر درعا، نیروهای حامی ایران در نزدیکی مرز سرزمین‌های اشغالی جای محکمی پیدا خواهند کرد و روسیه بر خلاف میل اسرائیل از بازیگران اصلی این صحنه خواهد بود.

ترکیه در مسیر روسیه
آمریکن اینترپرایز: پایگاه اینجریلیک که زمانی سرمایه مهمی علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق و میزبان ۵۰ سلاح اتمی بود، اما اکنون تنها یک مسنولیت راهبردی را برعهده دارد. با وجود عضویت ترکیه در ناتو، «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور این کشور به طور فزاینده‌ای به سمت روسیه متمایل می‌شود. ترکیه به همان اندازه که متحد است، دشمن نیز محسوب می‌شود. اگر ایالات متحده از اینجریلیک خارج شود، تنها بازنده اقتصاد ترکیه خواهد بود، زیرا واشنگتن اکنون می‌تواند از پایگاه‌های هوایی در یونان و رومانی به عنوان جایگزین‌هایی استفاده کند که در گذشته وجود نداشت.

پایان دوران برتری آمریکا
نشریه واشنگتن پست: رفتار ایالات متحده آمریکا در قبال داستان افغانستان نشان داد، دوران برتری کاخ سفید به پایان رسیده است. برای موفقیت یک حکومت باید منافع در کنار شرایط و بر اساس ظرفیت‌ها تعریف شود. تاکنون سیاستمداران آمریکایی بدون در نظر داشتن شرایط و ظرفیت‌ها فقط به جایگاه آمریکا و برتری این کشور نسبت به سایر اعضای جامعه بین‌الملل فکر می‌کرده‌اند.

بازنده تحولات لبنان
پایگاه خبری-تحلیلی «النشره» لبنان: شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی کنونی در موفقیت مأموریت میقاتی شریک بود به ویژه پس از تحولاتی که در سطح مناقشه آمریکایی-ایرانی در صحنه لبنان رخ داد. مشخص بود که پس از اعلام آغاز خرید سوخت از ایران از طریق حزب‌الله، واشنگتن در حال عقب‌نشینی است؛ بر اساس این قاعده ادامه سیاست اعمال فشار منجر به افزایش ورود ایران به خط اقتصاد در لبنان خواهد شد.

حتی فکرش را هم نکنید
تلویزیون اسرائیل: رئیس پیشین موساد گفت حمله نظامی به ایران را از فکر خود بیرون کنید. با کشور بسیار بزرگی ظرفیت که به اندازه نیمی از اروپاست. ایرانی‌ها ظرفیت یگان‌های به اسم حزب‌الله دارند و از این راه با ما هم مرز شده‌اند. مقدار سلاخی که ایران در لبنان ذخیره کرده، دیوانه‌کننده است!

فروش ۷ تریلیون دلار سلاح
ویگه آمریکایی «دیفنس نیوز»: حملات ۱۱ سپتامبر بیش از ۷ تریلیون دلار به جیب صنایع نظامی آمریکا ریخت؛ تا نظریه‌ای که حملات ۱۱ سپتامبر را «مشکوک» می‌دانند، بیش از پیش تقویت شود.

نقطه عطف افول آمریکا
نشریه اکونومیست انگلیس: فرانسویس فوکویاما، فیلسوف آمریکایی: «خروج آمریکا از افغانستان نقطه عطف تاریخی است که نشان‌دهنده افول آمریکاست.»

اذعان به توانمندی‌های نظامی
جامعه اطلاعاتی آمریکا در گزارش سال ۲۰۲۱ خود درباره تهدیدهایی که مدعی است امنیت ملی ایالات متحده را تهدید می‌کند، با اذعان به توانمندی‌های ایران نوشت: «جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌ترین قدرت موشکی بالستیک در منطقه را دارد، همچنین تهران با وجود چالش‌های اقتصادی، به دنبال بهبود دستیابی به تسلیحات متعارف جدید خواهد بود.»

بازی طبق کودتای مخملی

انتخابات ریاست جمهوری دهم و صف آرایی جریان های سیاسی- ۱

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در ۱۲ شماره گذشته فرآیند انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و روی کار آمدن دولت نهم را بررسی کردیم و در ادامه چگونگی مواجهه جریان اصلاح طلب با دولت نهم را بررسی کردیم. مواجهه اصلاح طلبان با دولت نهم به گونه ای بود که با همه توان برای بر زمین کوبیدن آن صفا آری کرده بودند و بعد از گذشت چهار سال، دیگر تداوم آن برای اصلاح طلبان تحمل پذیر نبود. به همین دلیل با همه توان به میدان آمدند تا در انتخابات خردادماه ۱۳۸۸، دیگر اجازه تکرار دولت نهم را ندهند که برای این کار چاره ای جز تمسک به الگوی انقلاب های رنگین یا مخملین نداشتند!

انقلاب رنگی یا انقلاب مخملی از شیوه های براندازی نرم و نوعی سرنگون کردن حاکمیت و جابه جایی قدرت به وسیله تحولات سیاسی است که به شیوه های آرام و مسالمت آمیز جلوه می شود و از روش مبارزه منفی و نافرمانی مدنی نیز بهره می گیرد. بررسی های صورت گرفته درباره انقلاب های رنگی نشان می دهد، در وقوع چنین حرکت هایی، عوامل متعدد داخلی و خارجی نقش دارند و از پیامدهای چنین انقلاب هایی تأثیر پذیرفته و منتفع یا متضرر می شوند. انگیزه آنها نیز تغییر رژیم و نتیجه آن، به قدرت رسیدن احزاب و شخصیت های به ظاهر دموکراتیک و غرب گراست.

اما در کنار اصطلاحی، چون «انقلاب مخملی» می توان از اصطلاح «کودتای مخملی» نیز یاد کرد که از یک سو «شباهت های ظاهری» و از سوی دیگر «تفاوت های ماهوی» با «انقلاب مخملی» دارد. کودتای مخملی همچون انقلاب مخملی، اقدامی اعتراضی، مسالمت آمیز و بدون خشونت با محوریت بخشی از توده های مردم است که به منظور تغییر یک حکومت یا نظام سیاسی از طریق گروه های سیاسی قدرت طلب، طراحی و اجرا می شود.

کودتای مخملی برخلاف کودتای نظامی که به پشتوانه قدرت نظامیان و از طریق خشونت و سلاح شکل می گیرد، با پشتوانه حضور توده های مردم و از طریق نافرمانی مدنی و روش های بدون خشونت محقق می شود؛ اما تفاوت ماهوی آنجاست که

کودتای مخملی برخلاف انقلاب های توده ای که بر حضور حداکثری و بخش عمده طبقات مختلف اجتماعی متکی هستند، با حضور حداقلی مردم شکل می گیرد؛ از این رو، به کارگیری لفظ «کودتا» به جای «انقلاب» به حداقل بودن توده های به صحنه آمده اشاره دارد. به عبارت بهتر، کودتای مخملی یکی از شیوه های رسیدن «اقلیت» به قدرت است؛ هر چند عوامل و طراحان این اقدام، از آن جهت که قصد دارند خود را اکثریت نشان دهند، آن را «انقلاب» می خوانند.

تفاوت اساسی دیگر کودتای مخملی با جنبش های اجتماعی (که منشأ انقلاب ها هستند) نیز در این است که جنبش اجتماعی نوعی حرکت طبیعی است که مبتنی بر نیازهای اجتماعی- اقتصادی شکل می گیرد و در آن، حرکت از پایین به بالا، یعنی از توده های آغاز می شود و به تدریج با انسجام یابی حرکت و مشخص شدن رهبر و شعارهای جنبش، شکل جدی به خود می گیرد؛ اما کودتای مخملی، حرکتی مصنوعی و مهندسی شده از بالا به پایین است که احزاب و گروه های سیاسی یا کشورهای بیگانه طراحی می کنند و برای تحقق اهدافی مشخص که اغلب کسب قدرت است،

به بسیج توده ها دست می زنند و آنها را از طریق فریب و اغواگری با ابزارهای رسانه ای به خیابان ها می کشانند.

به واقع، کودتای مخملی، سناریوی طرح ریزی شده غرب برای براندازی نظام های مردم سالاری است که در آن، هواداران غرب در اقلیت قرار دارند. در این نظام ها از آنجا که کودتاگران در اقلیتند و امکان رسیدن آنها به قدرت از طریق رای حداکثری وجود ندارد، نسخه کودتای مخملی در دستور کار قرار می گیرد.

بهرترین سرآغاز برای سناریوی کودتای مخملین نیز همچون انقلاب های مخملی، بزرگراه های انتخاباتی است. در این مقطع، قدرت طلبان در اولین گام تلاش دارند تا این گونه جلوه دهند که اکثریت هستند و در صورت سلامت انتخابات، پیروز قطعی خواهند بود. در این میان، قدرت تمام عیار رسانه های غربی به کمک آنها می آید و این ادعای دروغین پیروزی در صورت سلامت انتخابات را تکرار می کنند و از سویی دیگر با تردیفاکتی و شایعه پراکنی شائبه تقلب در انتخابات را تبلیغ می کنند.

بازوی دوم سناریوی کودتای مخملین، تلاش



برای بسیج هواداران اقلیتی است که با کمک رسانه، ایجاد شبکه های اجتماعی زنجیره ای، تجمعات و اردو کشی های انتخاباتی، انتخاب رنگ ها و نمادها، و... برای تأثیر گذاری بر نتیجه انتخابات آماده می شوند.

با اعلام نتایج انتخابات و در حالی که از پیش معلوم است این جریان اقلیت، از کسب رای اکثریت ناتوان است، رهبر جریان، مدعی تقلب در انتخابات می شود و هواداران از پیش انسجام یافته و بسیج شده را به خیابان ها می کشانند. اردو کشی های خیابانی و ایجاد بلوا و ناامنی، سلاح رهبران کودتا برای تحت فشار قراردادن نظام سیاسی برای پذیرش خواسته نامشروع کودتاگران و ابطال انتخابات است. در صورت ناتوانی نظام و پذیرش خواست کودتاگران، جریان اقلیت در موقعیت برتر قرار می گیرد و با فریب افکار عمومی مبنی بر ناپاکی جریان رقیب در موقعیت حداکثری جلوه می کند و از سویی دیگر، پای اربابان بیگانه برای نظارت بر برگزاری انتخابات مجدد در حالی که جریان رقیب متهم به تقلب شده و انتخابات از سوی بیگانگان در حال برگزاری است، متضمن پیروزی کودتاگران خواهد بود.

سناریوی کودتای مخملی سبب سال ۱۳۸۸ را می توان یکی از مهم ترین توطئه های استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی پس از توطئه جنگ تحمیلی دانست که دستگاه های امنیتی غرب طرح ریزی کردند و بازی خوردگان سیاسی داخل کشور آن را به اجرا درآوردند. حجت بی نظیر اقدامات و سرمایه گذاری های سیاسی، امنیتی و مالی نشان می دهد بیگانگان و دشمنان انقلاب اسلامی تا چه اندازه به موفقیت کودتای سبب دل خوش کرده و به پیروزی ایادی داخلی شان امیدوار بودند. این اقدام بعد از ناکامی در کسب کرسی ریاست جمهوری در قالب فتنه گری حدود دو سال به حرکت خود ادامه داد و بخشی از توان کشور را به خود مشغول کرد. اصلاح طلبان خواسته یسا ناخواسته از یک سو در تقابل با جریان اصولگرا و از دیگر سو در تقابل با رئیس جمهور دولت نهم، در جور چینی سازی کردند که بیگانگان برای آنها طرح ریزی کرده بودند!

تاریخ

شماره ۱۰۱۶ | دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰

صداقت

تقویم انقلاب

واکنش امام به طرح انحلال

سیدمهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



مبحث قبلی تقویم انقلاب به موضوع طرح انحلال مجلس خبرگان اختصاص داده شد، بحث به آنجا رسید که طراحان انحلال جرئت نمی کردند به اطلاع امام برسانند، آمدند با ترفندی دیگر نامه ای تنظیم کردند و حدود ۱۵ نفر امضا کردند تا آن را به اطلاع امام برسانند و از ایشان بخواهند که مجلس خبرگان را منحل کند. آنها به نتیجه رسیده بودند که در غیر این صورت همه وزرا استعفا می دهند.

البته برخی از وزرای شجاع و با شهامت مانند دکتر مصطفی چمران در برابر توطئه ایستادگی کردند، اما چون اقلیت بودند، نتیجه نداد. در نهایت متن کامل اعلامیه که به حضور امام برای تأیید فرستاده شد که در آن آمده بود:

«... دولت ظرف یک ماه از این تاریخ برای تصویب پیش نویس قانون اساسی که از طرف دولت، تنظیم و با تأیید مقام رهبری و به تصویب شورور رسیده بود (با اصلاحاتی که مورد تصویب شورورای انقلاب و تأیید مقام رهبری است) به آرای عمومی مراجعه خواهند کرد.»

در عالم واقع منشأ طرح انحلال مجلس خبرگان که از جانب امیران نظام و همکارانش دنبال می کردند در راستای همان مخالفت هایی بود که با اصل «ولایت فقیه» صورت گرفته بود که مورد بحث نمایندگان مجلس خبرگان بود.

چون حضرت امام خمینی (ره) هم به صراحت به این موضوع اشاره کردند و فرمودند: «در مجلس خبرگان به مجرد اینکه صحبت «ولایت فقیه» شد، شروع کردند به مخالفت و... این منحران، اینهایی که از اسلام هیچ اطلاعی ندارند، اینهایی که مخالف با اسلام هستند، در مجالس شان گفتند که این مجلس خبرگان باید منحل شود و دیگران هم دست زدند و برای آنها تظاهر کردند.»

اینها از مجلس خبرگان می ترسند برای اینکه مجلس خبرگان می خواهد ولایت فقیه را تصویب کند. آن چیزی که خدای تبارک و تعالی فرموده است، اگر فهمیده هستند و از روی فهم می کنند، خائن هستند و اگر چنانچه از روی بی اطلاعی و جهالت هستند، جاهل هستند.»

امام خمینی در دیدار دولت موقت در رابطه با طرح انحلال به طور قاطع مخالفت کردند و اجازه انتشار آن را نیز ندادند و طی بیاناتی در این رابطه فرمودند: «قضیه طرح آنکه مجلس خبرگان منحل بشود که در آن زمان دولت موقت این طرح شد، بعد هم معلوم شد که اساسش از امیر انتظام بود آن مسائل آن وقت آمدند آقایان پیش ما، همین آقایان، آقایان بازرگان و رفقاییش و گفتند که ما خیال داریم این مجلس را منحلش کنیم.»

من گفتم شما چه کاره هستید که می خواهید این کار را بکنید. شما چه ستمی دارید که بتوانید مجلس را منحل کنید؟ پاشید بروید سراغ کارتان. وقتی دیدند محکم است مسئله، کنار رفتند. به نظر می آید پس از این ناکامی دنبال استعفا بودند که چندی بعد قضایای دیگری مثل تصرف لانه جاسوسی پیش آمد استعفا دادند و روند انقلاب به دست شورورای انقلاب اداره شد.»

حافظه

تحریم بزرگ

سیاست در المپیک مسکو ۱۹۸۰

بود. رایزنی هایی را با ریاست جمهوری وقت ابوالحسن بنی صدر- و شورورای انقلاب آغاز کرد تا شاید بتواند تعدادی از ورزشکاران مدال آور المپیک کشور را به مسکو اعزام کند.

پس از آن رایزنی ها بنی صدر در مصاحبه ای اعلام کرد: «اگر شورورای از خاک افغانستان برود، تحریم را لغو می کنیم!»، اما شورورای انقلاب همچنان معتقد بود، چون شورورای اشغالگر است، پس باید تحریم المپیک مسکو پابرجا باشد و هیچ ورزشکاری به آن اعزام نشود!

در داخل کشور جریان های سیاسی چپ که تعلقات آنها به اردوگاه بلوک شرق و شورورای آشکار بود در صف منتقدان قرار گرفتند. برای نمونه، روزنامه «مردم»- ارگان حزب توده ایران- پس از پایان بازی ها در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۹. ش. در مطلبی با عنوان «صلح، دوستی و تفاهم میان ملت ها فاتح گردید» نوشت: «آمریکا با سوء استفاده از رویدادهای افغانستان کوشید تا توطئه ننگین خود را علیه این جشن برادری و دوستی ملت ها که چون خاری هر چهار سال، بیش از گذشته در چشمان جنایتکار او فرو می رود، عملی کند و با تحریم بازی های المپیک، خود را از ضربه شکست در افغانستان رنگ تجدید بزند...، اما نظام سوسیالیستی برتری عظیم خود را بر نظام سرمایه داری نمایند و صلح و دوستی میان ملت ها، تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز در المپیک مسکو پیروز شد!»

یکی از جنجالی ترین ادوار المپیک به سال ۱۹۸۰ بر می گردد که مسکو میزبان مسابقات شده بود. این اولین باری بود که پس از جنگ جهانی دوم شورورای از بلوک شرق میزبان بود. مسابقاتی که با تحریم گسترده نیمی از کشورها همراه بود!

ماجرای آغاز اشغال افغانستان به دست شورورای در دسامبر ۱۹۷۹ آغاز شد. در واکنش به این ماجرا، آمریکا نامه ای به کمیته بین المللی المپیک (IOC) ارسال و تأکید کرد که باید بازی های تابستان بعد مسکو به تعویق بیفتد یا اینکه به محل دیگری منتقل شود. کمیته بین المللی المپیک درخواست رئیس جمهوری جیمی کارتر را نپذیرفت و آمریکا تصمیم به تحریم مسابقات گرفت. به تبع این تقابل قدرت های بزرگ بود که حدود ۶۵ کشور (حدود نیمی از کشورها) در مسابقات شرکت نکردند و تعداد حاضران به ۸۰ کشور کاهش یافت که کمترین میزان از سال ۱۹۵۶ بود.

جمهوری اسلامی ایران که چند ماهی از شکل گیری آن نمی گذشت، از جمله کشورهایی بود که با وجود تقابل جدی با آمریکا و بلوک غرب، تصمیم به تحریم المپیک مسکو گرفت. تصمیمی سیاسی که البته پذیرش آن در داخل کشور با مخالفت هایی همراه بود.

با اعلام رسمی خبر تحریم المپیک مسکو از سوی شورورای انقلاب اسلامی، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک که ریاست هر دوی آن بر عهده «حسین شاه حسینی»

دهلیز

احضار روح

مروری بر انحرافات فکری شاه پهلوی

خود، فقط شاهد بر باد رفتن سلطنت پهلوی نبود؛ او شاهد دود شدن شمع وجود خود نیز بود. شب ها به طور مرتب جلسات جن گیری و احضار ارواح در نیوران برگزار می شد و محمدرضا با استفاده از چند حاضرکننده ارواح و مدیوم های نیرومند، تلاش می کرد روح پدرش را احضار و از او کسب راهنمایی کند.

یکی از این احضارکنندگان ارواح که تبصر زیادی در این کار داشت، استوار بازنشسته ارتش شاه و دیگری یک نویسنده کهنسال روزنامه اطلاعات بود که دومی به علت پیری، قادر به احضار روح نبود و فقط در جلسات شرکت می کرد تا صحت عمل احضار کننده اولی را به عینه معاینه نماید. فرح که یک بار در این جلسات شرکت کرده بود، می گفت: محمدرضا توانست با ارواح چند تن از نخست وزیران سابق هم ارتباط بگیرد.»



خاندان پهلوی، خاندان بی بنیه و بی ریشه ای بودند که در فضای نابسامان پایانی حکومت قاجار و در حالی که انگلیسی ها نیازمند حفظ ایران بودند، مورد توجه دستگاه اطلاعاتی و امنیتی بریتانیا قرار گرفته و با حمایت آنان به قدرت رسیدند. این بی سواد و بی مایگی را می توان در رفتار این خاندان به کرات در عرصه های مختلف مشاهده کرد. همین ضعف های هویتی کافی بود که رشد خرافه در خاندان پهلوی فراگیر باشد و توسل جستن به ابزارهای خرافی نیز به کار منسوبان این خاندان آید!

در روزهای رو به زوال رفتن این خاندان طبیعتاً پناه بردن به خرافات، و استفاده از رمال ها و کف بین ها بیش از پیش به کار آنان می آمد! در همین دوران است که نمونه های متعددی از چنین ارتباطاتی در خاطرات مرتبطان با دربار ثبت شده است. برای نمونه، می توان به خاطرات «فریده دیبا»، مادر فرح اشاره کرد که در کتاب خود موسوم به «دخترم فرح» خاطراتی را نقل کرده است. در بخشی از این کتاب که نشر «به آفرین» در سال ۱۳۷۹ آن را منتشر کرده است، می خوانیم:

«محمدرضا در دو سال آخر حکومت، به هیچ چیز علاقه و توجه نشان نمی داد. تعیین دخترم فرح به عنوان نایب السلطنه و بعداً تعیین شورورای سلطنت، فقط به این خاطر بود که پزشکان فرانسوی و اسرائیلی به محمدرضا گفته بودند او مدت زیادی زنده نخواهد ماند. محمدرضا در روزهای پایان عمر سلطنت

یادداشت

مشکل بزرگ صندوق‌های بازنشستگی

فرهاد بذر افکن

عضو سابق هیئت مدیره انجمن علمی رفاه اجتماعی ایران

ترجمه عبارت بحران در صندوق‌های بازنشستگی را می‌توان به هم خوردن تعادل مالی این صندوق‌ها دانست؛ چرا که اگر این صندوق‌ها می‌توانستند ورودی‌ها و خروجی‌های خود را تراز کنند، طبیعتاً مشکلی در این حوزه نداشتیم. این نبود تعادل لازمه بازنشستگی در صندوق‌های نظام بازنشستگی است. مسئله‌ای که در سال‌های اخیر اتفاق افتاده، این است که ورودی صندوق‌ها رفته رفته در حال کم شدن است. به واسطه مقررات و قوانین استخدام، ورودی این صندوق مطلقاً بسته شده و امروز بخش زیادی از کارمندان دولت، بیمه‌پرداز سازمان تأمین اجتماعی هستند. از آنجا که دولت نمی‌تواند تعهدات خود به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت کند، گویی ناگفته و ناوشسته امتیازی به این سازمان می‌دهد تا به واسطه قوانین و مقررات استخدام، فعلاً ورودی به صندوق را ببندد. در حال حاضر حدود سه میلیون شاغل در دولت داریم، اما کسورپردازان صندوق بازنشستگی، از یک میلیون نفر هم کمتر هستند، در حالی که اگر آن دو میلیون نفر را نیز به صندوق بازنشستگی کشوری وارد کنید، قطعاً وضعیت بسیار بهتر می‌شود. در واقع می‌توان گفت در نهایت بحران صندوق‌ها، وجود همین نبود تعادل‌ها بوده و هیچ مشکل دیگری وجود ندارد. با توجه به وضعیت موجود، به نظر می‌رسد وضعیتی که هم اکنون در صندوق‌های بازنشستگی وجود دارد و بر کشور تحمیل شده است، در چهار سال آینده نیز ادامه خواهد داشت. ظرفیت اشتغال‌زایی باید در آن حدی باشد که افراد بتوانند وارد بازار کار رسمی و صندوق تأمین اجتماعی بشوند؛ در حالی که الآن تقریباً صندوق بازنشستگی کشوری، ماهیت بیمه‌ای به معنای اجتماعی‌اش را ندارد و بیشتر نقش یک اپراتور را ایفا می‌کند. بودجه‌ای از دولت می‌گیرد و این بودجه را میان بازنشستگان توزیع می‌کند. مسئله همسان‌سازی حقوق‌ها، به طور مشخص از صندوق بازنشستگی کشوری آغاز شد و سپس به سایر صندوق‌ها نیز سرایت کرد. وقتی می‌گویم صندوق کشوری، قطعاً صندوق لشکری نیز پشت سر آن می‌آید؛ چرا که پشتیبانی و دیگر موضوعات این دو صندوق مانند یکدیگر است و این موضوع به سازمان تأمین اجتماعی هم سرایت پیدا کرده است. می‌توان این طور گفت که همسان‌سازی حقوق‌ها در چارچوب همان تورم افسارگسیخته‌ای است که متأسفانه در کشور وجود دارد؛ یعنی این تورم است که ارزش دستمزدها و حقوق را از بین می‌برد و کفایت مزایا را به حداقل می‌رساند. از طرفی دولت دائماً قصد دارد در قبال این کاهش ارزش پول ملی، دستمزدها را به‌مستمری به‌تعبیر خودش متناسب یا همسان کند؛ در حالی که منابع پایدار و مشخصی برای این کار دیده نشده است. در این شرایط برای اینکه در چهار سال آینده موضوع صندوق‌ها به یک بحران تبدیل نشود، باید سعی شود که به تأمین اجتماعی و دو سه صندوق دیگر به یک چشم نگاه کنیم. نمی‌شود که چون دولت آنجا کارفرماست درصد بالایی از حق بیمه را خود دولت متقبل شود و از آن سمت به کسورپردازان تأمین اجتماعی حق کارفرمایی ندهد. باید پذیرفت با کسری فاجعه‌باری که در بودجه امسال وجود دارد، قطعاً همسان‌سازی بدون تورم نخواهد بود.

میلا شکر

خبرنگار



در سال‌های اخیر ضریب جینی به عنوان نمادی که نشان‌دهنده شکاف طبقاتی در جامعه است، روند افزایشی داشته است. به نظر تان دلیل افزایش ضریب جینی طی سال‌های اخیر چیست؟

وجود فقر یا نابرابری را نمی‌توان صرفاً از رقم ضریب جینی متوجه شد. به نظر من آمارهایی که در دولت‌های قبل در این زمینه منتشر می‌شد، واقعی نبود. همان زمان در دولت‌های گذشته نیز معتقد بودم کاهش ضریب جینی که اعلام می‌شود، رقم واقعی نیست. علت کاهش ضریب جینی در دولت دهم پرداخت یارانه نقدی در سال ۱۳۸۹ مطرح می‌شد که توانست مقدار اندکی نابرابری در نقاط روستایی و شهرهای دور دست را کاهش دهد، اما خود این اقدام، یعنی تزریق میلیاردها تومان یارانه در سال به اقتصاد کشور تورم‌زا بود. تورم ایجاد شده از این ناحیه، از قدرت خرید مردم به شدت کاست. تورم یکی از اصلی‌ترین عوامل نابرابری است و افزایش نابرابری فقط مربوط به این دوره هشت ساله اخیر نیست. اگر بررسی کنیم می‌بینیم که از سال ۱۳۸۴ به این طرف هم فقر و هم نابرابری در کشور افزایش پیدا کرده است. نکته جالب این است که اتفاقاً بالاترین درآمدهای ارزی را نیز در همین ۱۶ سال گذشته داشته‌ایم. در واقع برای فهمیدن افزایش نابرابری در کشور نیازی نیست که به ضریب جینی توجه کنیم، پراکندگی این همه کارتن خواب در همه جای شهر، افزایش قیمت‌هایی که در بازار مشاهده می‌شود و... نشان‌دهنده افزایش نابرابری است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر بخش قابل توجهی از مردم قادر به تأمین نیازهای اساسی خود نیستند.

خب به نظر تان چرا مردم در سال‌های اخیر فقیرتر شدند؟

در سه دهه گذشته سیاست‌ها به نفع گروه‌های خاصی بوده که این افراد سرمایه‌های کشور را از مرزها خارج کردند. از این رو دولت جدید در اولین اقدام خود باید با فساد مبارزه کند و افرادی که سرمایه‌های کشور را به تاراج بردند، محاکمه شوند، مادامی که این افراد محاکمه نشوند مردم به‌عزم نظام برای مبارزه با فساد پی نمی‌برند. از سویی یکی از مسائل و مشکلات راهبردی ما نظام دستمزدی است، بیش از یکصد سال است که همه نخبگان به دلیل همین نظام دستمزدی به خارج از کشور می‌روند. در حال حاضر ما به فارغ‌التحصیلان بهترین رشته‌ها، مانند کامپیوتر در بهترین شرایط ۷۰۰ تا ۸۰۰ دلار حقوق پرداخت کنیم؛ در حالی که هم اکنون به چنین متخصصی در کشوری، مانند ترکیه ۴۵۰۰ دلار و

دکتر حسین راغفر اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س) در گفت‌وگو با صبح صادق

پرداخت یارانه نقدی بدترین شیوه است

مبارزه با فقر و کاهش آن را می‌توان یکی از نمادهای وجود عدالت اقتصادی در یک جامعه دانست؛ به گونه‌ای که هر چقدر فقر در جامعه‌ای افزایش یابد، می‌توان گفت آن جامعه از مبانی عدالت عدول کرده و هر چقدر عدالت در جامعه‌ای بیشتر رعایت شود، فقر در آن جامعه نیز کاهش خواهد یافت. کاهش فقر را می‌توان از شعارهایی دانست که همواره تمام دولت‌های حاکم در جمهوری اسلامی در راستای تحقق آن تلاش کرده و اقداماتی را انجام داده‌اند. با این حال برخی از آمارها طی سال‌های اخیر از افزایش فقر و نابرابری در کشور حکایت دارد. صبح صادق در گفت‌وگویی با دکتر حسین راغفر، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س) این موضوع را بررسی کرده است.

می‌کنند که سه برابر مصرف جهانی بنزین مصرف می‌کنند و مردم هم گزینه‌ای برای جایگزینی ندارند یا مادامی که مردم گزینه‌ای برای حمل و نقل عمومی ندارند، نمی‌توان به اجرای طرح‌هایی درباره یارانه انرژی دست زد. در حال حاضر دولتمردان افتخار می‌کنند که برای نمونه ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌اند؛ در حالی که بیشترین شغل ناشی از کار کردن این افراد در تاکسی‌های اینترنتی است. اینگونه شغل ایجاد کردن نه تنها خوب نیست، بلکه فاجعه است؛ زیرا افراد یا حقوق ناچیزی دارند و مجبورند در این تاکسی‌ها کار کنند یا کار خود را از دست داده‌اند و به تاکسی‌های اینترنتی پناه آورده‌اند که اینها توفیق نیست، بلکه فاجعه است.

فکر می‌کنید یارانه کالایی چه میزان می‌تواند در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر مؤثر باشد؟

در نظم موجود و حاکم بر اقتصاد کشور امکان هیچ اصلاحی وجود ندارد؛ چرا که هر اقدامی مانند پخش پول یا اعطای یارانه‌ها و... وضعیت کنونی را بدتر می‌کند. از همان ابتدا که دولت‌های گذشته قصد اعطای یارانه‌های نقدی به مردم را داشتند، مرتب متذکر شدیم که هزینه انجام این کار برای کشور بسیار بالاست. بیش از ۱۱ سال است که از پرداخت این یارانه‌ها می‌گذرد و خیلی‌ها استحقاق دریافت این یارانه‌ها را نداشتند؛ اما این یارانه را دریافت کرده و می‌کنند. البته ناگزیر هستیم به گروه‌هایی کوبین بدهیم یا از آنها حمایت غذایی انجام دهیم. وقتی بیکاری وجود دارد و بسیاری از خانواده‌ها درآمد ندارند، باید در این شرایط به آنها کمک کرد به جای اینکه با پول نقد از خانوارها حمایت کنیم، باید به آنها کالا بدهیم و منابع را سهمیه‌بندی کنیم. البته این وضعیت باید به طور موقت ایجاد شود و البته روش‌های خودش را دارد.

در شرایط امروز اقتصاد ایران با پرداخت ماهیانه چه میزانی پول می‌شود مدعی محوق فقر مطلق در کشور شد؟

اولاً باید دانست برای ریشه کن کردن فقر مطلق راه حل وجود دارد. فقر مطلق یعنی حداقل‌های یک زندگی که از بیمار شدن افراد جلوگیری کند، تأمین شود. بنابراین، سبب حداقلی از کالاها نیاز است که افراد بتوانند سلامت و عزت نفس‌شان را حفظ کنند. ایجاد چنین شرایط حداقلی کاملاً در جامعه ما امکان‌پذیر است، ولی برای اجرایی شدن آن نیاز به برنامه وجود دارد. ابتدا باید یک بازنگاری در نظام حمایتی کشور صورت بگیرد و سازماندهی جدید ایجاد شود.

صورت فساد و رشوه‌خواری به وجود می‌آید.

نظر تان درباره پرداخت یارانه‌های نقدی و سازوکار در راستای کاهش یا محو فقر چیست؟

یارانه نقدی بدترین شیوه پرداخت یارانه است و در همه جای دنیا شکست خورده است. دولت سیزدهم در ابتدای کار باید اقداماتی انجام دهد تا برای سال‌های بعدی زیرساخت مناسب ایجاد کند. در دنیا یارانه دائمی داده نمی‌شود؛ بلکه هر کسی که یارانه می‌خواهد سال به سال باید فرم مشخصی را پر کند و اطلاعاتش را به دولت بدهد؛ چرا که این اطلاعات ممکن است هر سال تغییر کند، حتی ممکن است وضع اقتصادی فرد یارانه‌گیرنده بدتر شده باشد و وی مستحق دریافت یارانه بیشتری شود؛ همانطور که ممکن است شرایط اقتصادی فردی بهتر شده باشد و از فهرست یارانه‌گیران خارج شود. بنابراین پرداخت یارانه اقدامی موقت است. در این فاصله دولت‌ها باید شغل ایجاد کنند تا افراد از سیستم حمایتی به سیستم بیمه‌ای منتقل شوند. هر شخص باید شغل داشته باشد، حق بیمه پرداخت کند و از مواهب آن هم استفاده کند. این راه حلی برای کوتاه‌مدت است؛ ولی در بلندمدت دولت باید برای انجام هر کاری به درستی مطالعه کند و از شعارهای فوری برای پرداخت یارانه خودداری کند. برای نمونه، دولت برای حذف یارانه انرژی باید برای مردم گزینه معرفی کند؛ در غیر این صورت مادامی که خودروسازان خودروهایی تولید



شاخص

کودتای آلومینیوم!

به گزارش «اسپوتنیک»، به دلیل وقوع کودتا در کشور گینه، قیمت آلومینیوم در بازار جهانی به بالاترین میزان در ۱۰ سال گذشته رسید. دلیل این افزایش قیمت این است که وقوع این کودتا سبب شده است تا بازار نگران کمبود بوکسیت شود. به نحوی که قیمت آلومینیوم برای تحویل در ماه اکتبر در معاملات بورس شانگهای ۳/۴ درصد رشد کرده و به ۳۴۰۶ دلار به ازای هر تن رسیده است. گفتنی است، این رقم از سال ۲۰۰۶ تاکنون بی‌سابقه بوده است. در بورس فلزات لندن هم شاهد اتفاقات مشابه بوده‌ایم؛ به گونه‌ای که از سال ۲۰۱۱ تاکنون بی‌سابقه بوده است.



افزوده

صندوق سرمایه‌گذاری

یکی از عباراتی که افراد حاضر در بورس با آن آشنا هستند، «صندوق‌های سرمایه‌گذاری» است. افراد حقیقی و حقوقی فعال در بورس می‌توانند به جای خرید سهم، مستقل در این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری کنند. انواع متعددی از این صندوق‌ها بر اساس نوع اوراق بهاداری که در آن سرمایه‌گذاری می‌شود و اهدافی که دنبال می‌کنند، در دنیا وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به صندوق سرمایه‌گذاری بازار پول، صندوق سرمایه‌گذاری سهام، صندوق سرمایه‌گذاری اوراق با درآمد ثابت، صندوق سرمایه‌گذاری بخشی و... اشاره کرد. این صندوق‌ها در بازار بورس ایران در دو گروه صندوق درآمد ثابت و صندوق سهام در حال فعالیت هستند.



منهای نفت

واردات تابع صادرات

از اقدامات مهم برای ایجاد استقلال اقتصادی از درآمدهای نفتی، ایجاد تعادل در تراز تجاری است؛ به گونه‌ای که منابع مورد نیاز برای تأمین نیازهای ضروری بدون فروش نفت قابل تحقق باشد. از شروط تحقق این موضوع این است که کشور به اندازه صادرات غیرنفتی خود واردات داشته باشد؛ در واقع میزان واردات تابعی از میزان صادرات غیر نفتی باشد. در این صورت نه تنها افزایش رقم واردات بالا ایراد نیست، بلکه می‌تواند محرکی برای افزایش تولید باشد، لذا این موضوع که ما به ازای صادرات غیر نفتی می‌توانیم واردات داشته باشیم، باید به یک باور عمومی تبدیل شود.





حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه

تبیین نظام ولایاتی کارویژه هدایت سیاسی است

همایش هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح به میزبانی سازمان بسیج مستضعفین در مجموعه فرهنگی ۵ آذر برگزار شد. نماینده ولی فقیه در سپاه در این همایش گفت: «یکی از مهم‌ترین رسالت‌های روشنگری و هدایت سیاسی باید تبیین درست نظام ولایاتی برای مردم باشد که اگر این تبیین درست انجام نشود، انگار به جای ماهی به مردم ماهیگیری یاد داده‌ایم.»

به گزارش صبح صادق، حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی با اشاره به میزبانی سازمان بسیج، گزیری به موضوع بسیج زد و اظهار داشت: «همه ما، همه نیروهای مسلح، مدیران، نهادها، حوزه و دانشگاه و... به فرهنگ بسیجی و بسیجی بودن افتخار می‌کنند؛ چرا که این فرهنگ منبعث از عاشورا است.»

وی با اشاره به وقایع پس از عاشورای سال ۶۱ هجری و ماجرای اسارت اهل بیت پیامبر اسلام (ص) بعد از شهادت امام حسین (ع) افزود: «همه این ماجراها برای ما درس است، نکته اول این است که بصیرت‌افزایی را در مکتب زینب کبری (س) و امام سجاد (ع) و اهل بیت باید یاد بگیریم، چرا که اگر بصیرت‌افزایی آنها نبود، کربلا در کربا می‌ماند.»

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی افزود: «یکی از نکات مهمی که بصیرت‌افزایی حضرت زینب کبری (س) و امام زین العابدین (ع) در این ماجرا داشت، استناداتی بود که این حضرات به آیات قرآن داشتند و این آیات برای امروز ما هم قابل استفاده و استناد است.»

وی افزود: «بصیرت‌افزایی و روشنگری حضرت زینب (س) سه نکته دارد؛ اول اینکه بصیرت‌افزایی تعطیلی بردار نیست، همیشگی و همه جایی است، دوم اینکه برای هدایت سیاسی بصیرت کافی نیست و شجاعت، صراحت و ایستادگی هم می‌خواهد و سوم اینکه یکی از مهم‌ترین ابعاد بصیرت‌افزایی مبارزه با تحریف است و باید پیرایه‌ها را زدود و با تحریف‌ها مقابله کرد.»

محور دومی که در این همایش مورد بحث نماینده ولی فقیه در سپاه قرار گرفت، در خصوص الزامات هدایتگری سیاسی و هادی بودن بود، وی افزود: «یکی از الزامات هدایت سیاسی و هادی بودن برای دیگران درک درست، به موقع و جامع از موقعیت‌هاست، در واقع اگر طیب بدون معاینه نسخه بدهد خطاست، لذا باید موقعیت را شناخت.»

وی در توضیح این بخش گفت: «الآن که نظام اسلامی می‌رود تا دولتی در تراز انقلاب اسلامی (دولت به مفهوم همه ابعاد حکمرانی نه فقط قوه مجریه) تشکیل دهد و در مسیر نظام ولایاتی و سرریزی ولایت حرکت کند، بعد از اینکه بارها سرمان به سنگ خورده امروز هدایت سیاسی باید چگونه باشد؟»

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی در پاسخ به این پرسش که یک هادی سیاسی در این فضا چگونه باید عمل کند، افزود: «الآن دیگر دوران استراحت نیست، یا این دوره کار ما مطالبه‌گری محض نیست که فقط نقد کنیم یا اینکه

صرفاً حمایت مطلق از دولتمردان داشته باشیم؛ بلکه هر سه روش غلط است و ما در وضعیت فعلی باید فرصت را غنیمت بشماریم برای یک هدایت واقع‌بینانه و مناسب.»

وی بر اساس همین نکات در ادامه پیشنهادهایی برای این موضوع ارائه داد و گفت: «جبهه استیکار می‌داند که به جز مهار انقلاب چاره‌ای ندارد، چرا که اگر غیر این بشود نابودی‌اش قطعی است، لذا به دنبال فتنه‌های جدید هستند و الآن مهم این است که رصد جبهه استیکار چه فتنه‌هایی را دنبال می‌کند، برای نمونه جنگ نیابتی به شکل جدید در افغانستان.»

نماینده ولی فقیه در سپاه در همین موضوع افغانستان در توضیح گفت: «کارگردان بیرونی در افغانستان استیکار است و دنبال این است که جنگ نیابتی انجام دهد؛ اما در کشور ما جور دیگر است، سر نخ‌هایی است که اگر جلوی آن را با بصیرت‌بخشی بگیریم، مشکل‌ساز می‌شوند.»

وی افزود: «کار دیگر دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی این است که نقادان مهم دولت انقلابی نیروهای عدالت‌خواه و حزب‌اللهی باشند و انشقاق شدید میان جریان‌های انقلابی ایجاد کنند و همگی هم منتقد مخرب دولت باشند. سر نخ‌هایی از این فتنه مشاهده می‌شود که مقابله با آن هوشیاری می‌طلبد.»

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی ادامه داد: «در موضوع افغانستان دشمن اصلی را نباید فراموش کرد، هنر پیشه نباید ما را از کارگردان غافل کند، کارگردان اصلی نباید پادمان برود، ما به طالبان مشکوک هستیم، اما کارگردان اصلی پادمان نرود؛ همانی که امروز افغانستان را به این روز انداخت، خط تبلیغی را دنبال می‌کند که علاوه بر جریان مقابل انقلاب، نیروهای انقلابی را در مقابل دولت انقلابی، آن هم با تحریف و وارونه جلوه دادن ماجرای افغانستان قرار دهد.»

وی افزود: «آن کسی که سال‌ها تلاش کرد پیوند امت را با حاکمیت تضعیف کند، الان هم خاموش نیست و باید مواظب باشیم انسجام جبهه انقلاب شکسته نشود.»

نماینده ولی فقیه در سپاه در ادامه توضیحات خود گفت: «هادیان سیاسی باید مراقب دو اصل باشند؛ یک، حفظ تقویت و تحکیم هر چه بیشتر جبهه انقلاب؛ کدام جبهه؟ آن جبهه‌ای که آقا گفتند تنوع انگیزه و برنامه هدایت شده لازم دارد و دوم رصد و هوشیاری در برابر فتنه‌ها.»

وی در خصوص موضوع رصد افزود: «یکی از مسائلی که با یک رصد عمومی در جامعه به آن می‌رسیم، این است که یکی از بیماری‌هایی که تا حدودی به آن مبتلا هستیم، پایین آمدن سطح اعتماد و باور مردم نسبت

به مسئولان یا حتی در برخی موارد نسبت به نظام به وجود آمده که عامل مهم آن به جز تبلیغات دشمن عملکرد بد دولتمردان قبلی بوده است.»

نماینده ولی فقیه در سپاه در ادامه افزود: «بدترین کاری که می‌شود کرد، این است که بزرگ‌ترین پشتیبان انقلاب و عقبه حفظ نظام را که مردم هستند، بی‌اعتماد کنند و متأسفانه در دولت با وعده‌هایی که به عمل منجر نشد باعث بی‌اعتمادی مردم شد و آنقدر وعده دروغ دادند که مردم وعده صادق را نپذیرند و موج ناامیدی در میان مردم به راه افتاد.»

وی گفت: «امروز یکی از محورهای مهم هدایت سیاسی امید دادن به مردم است؛ یعنی نباید فقط مشکلات بیان شود، بلکه از پیروزی‌ها و ظرفیت‌هایی که فعال شده هم باید گفت، مردم باید بفهمند که این سختی و رنجی که با مقاومت کشیده‌اند، بی‌ثمر نبوده و ثمره‌اش شکست‌های یکی پس از دیگری دشمن است و صد البته که سوء مدیریت وجود داشته است.»

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی تأکید کرد: «هادی سیاسی باید به جامعه، نشاط و قدرت، حرکت و توانمندی و جهت بدهد که این خود دو بخش دارد؛ بخش اساسی خدمت صادقانه به مردم است؛ مثل همین که نیروهای مسلح وارد میدان خدمت شده‌اند و توصیه می‌کنم هر چه می‌توانید در این زمینه فعالیت کنید، خدمت‌رسانی صادقانه به مردم برای جذب و جلب اعتماد مردم لازم است و مردم باید باور قلبی داشته باشند که ما خدمتگزار آنها هستیم، تأثیرش را هم می‌توانیم در تشییع پیکر مطهر و چاک چاک شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی ببینیم.»

محور دومی که نماینده ولی فقیه در سپاه در این حوزه به آن تأکید داشت، تحلیل و تبیین صحیح وضعیت انقلاب اسلامی بود، وی گفت:

«تبیین رابطه امت با دولت و مسئولان و بیان ویژگی‌های دولت اسلامی و رابطه امت و امام در این حکومت انگیزه و اعتماد را به مردم برای حضور در صحنه فراهم می‌کند.»

اما یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان نماینده ولی فقیه در سپاه پرداختن به محور سوم همین موضوع بود، وی گفت: «فرصتی فراهم شده که یکی از مهم‌ترین و مبنایی‌ترین رفتار و فعالیت سیاسی را انجام دهیم و آن تقویت و استحکام بیشتر آرمان انقلاب اسلامی است؛ امروز فرصت فراهم شده که در کنار کارهای شعاری و حماسی تلاش‌های تبیین برای اینکه ارکان انقلاب و عوامل محدثه و مبقیه انقلاب را با بیان عقلانی و قرآنی برای مردم بیان کنیم تا قدرت تحلیل مردم بالا برود و در انتخابات نیاز نباشد یک کار ویژه کرد و با روشنگری در طول این دوره خود مردم بتوانند به تحلیل برسند و ماهیگیری بلد باشند.»

وی در ادامه با بیان اینکه دشمن چهار ستون انقلاب را مورد تعرض قرار داده، افزود: «ما باید برای تقویت آن کار کنیم و هم خودمان قوی شویم و تأکید می‌کنم هم برای تقویت مجموعه نیروهای مسلح در این چهار رکن و هم مجموعه جامعه در این ارکان کار کنیم.»

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی چهار رکن انقلاب را چنین برشمرد: «یک موتور حرکت انقلاب که همان دین اسلام و قرآن است و برجسته‌ترین ویژگی انقلاب هم ماهیت دینی آن است و دشمن می‌خواهد این موتور خاموش شود و تهاجم به شیوه‌های مختلف را به این رکن برنامه ریزی کرده است، باید روحیه دین‌داری و اسلام واقعی آتظور که هست خوب تبیین شود ما اسلام متحجر و اسلام سکولار را قبول نداریم و انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام ناب محمدی تشکیل شده و این نوع اسلام باید برای مردم تبیین شود.»

وی دومین رکن انقلاب را راننده و جهت‌دهنده انقلاب اسلامی در مسیر صراط مستقیم بیان کرد و افزود: «امام فرمود ولایت فقیه یک هدیه الهی است. امروز داریم به این حقیقت بیشتر پی می‌بریم و می‌بینیم که شخص ولی فقیه واقعا بزرگ‌ترین هدیه الهی برای ماست، نگذاریم تنها بماند.»

نماینده ولی فقیه در همین زمینه به وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی اشاره کرد و گفت: «این شهید بزرگوار در بخشی از وصیت‌نامه خود می‌گوید هر مظلومی که مظلوم می‌شود گناهش به گردن کسانی است که می‌توانند از او دفاع کنند؛ اما از او دفاع نمی‌کنند و واقعاً چقدر بی‌انصافند کسانی که بیش از سی سال است که بعد از حضرت امام راحل می‌بینند که این ولی نگذاشته در این میدان نه انقلاب از صراط مستقیم خارج شود و نه صدمه‌ای ببیند و خاک بر دهان‌هایی که امروز نمی‌خواهند بفهمند یا خود را به نا فهمی زده‌اند یا عناد دارند که نسبت به ولایت آن جور سخن و تحلیل می‌کنند.»

وی ادامه داد: «در ولایت باید تبری و تولی را باید هم تحلیل کنیم و از طرفی از همه مهم‌تر چپستی، چرایی و چگونگی ولایتمداری مهم‌ترین بحث است که اول برای خودمان آگاه شود و بعد دیگران را تبیین کنیم.»

سومین رکن انقلاب از دیدگاه نماینده ولی فقیه سوخت‌رسان انقلاب است، وی در توضیح این مسئله گفت: «راننده تازمانی می‌تواند رانندگی کند که سوخت داشته باشد و پشتیبان انقلاب هم حضور مردم است، به تعبیر قرآن ليقوم الناس بالقسط، دشمن می‌خواهد این را بزند و مردم را از انقلاب بگیرد، لذا باید تقویت‌کننده حضور مردم باشیم.» وی رکن چهارم انقلاب را بعد سلبی انقلاب دانست و افزود: «در اسلام تولی و تبری را باید با هم داشته باشیم و این برائت جستن از دشمنان در کنار ولایتمداری خود یک رکن مهم است و روحیه جهاد و مبارزه را ایجاد می‌کند.»

حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی با تأکید بر اینکه در زمینه همه این چهار رکن می‌توان استنادات بسیاری به آیات قرآن داشت، افزود: «سیاست ما سیاست خدایی است که در نسخه خدایی نازل شده و لذا برای تبیین آن باید به آیات قرآن مسلط شویم.»

محور دیگر سخنان نماینده ولی فقیه خطاب به هادیان سیاسی نیروهای مسلح مانع شدن از فراموشی ناکامی‌ها و شکست‌های جبهه استیکار بود، وی افزود: «تلاش دشمن فراموشی است و چیز است؛ یکی شکست‌های خود و دیگری موفقیت‌های ما؛ لذا باید موفقیت خود را به دید عالم برسانیم و بر شکست ابرقدرتی آمریکا در این سال‌ها مرحله به مرحله تأکید کنیم، حتی باید روی ناتوانی آمریکا در اداره مردم کشور خود هم تأکید کنیم.» وی در ادامه گفت: «قوی شدن و قدرت جز در پرتو جهاد معنا ندارد، در پرتو جهاد استعدادهای شکوفا می‌شود و پیروزی‌ها پدید می‌آید و هدایت و نصرت الهی در پرتو جهاد جلب می‌شود؛ از این رو نباید گذاشت روحیه انقلابی و جهادی به روحیه راحت‌طلبی تبدیل شود، البته امروز میدان جهاد اصغر خیلی تنگ شده؛ اما میدان جهاد اکبر گسترده است و از سویی ما در امر هدایت سیاسی در میدان جهاد کبیر کارهای بسیاری داریم.»

نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «نسخه قرآن در برابر تک فرهنگی دشمن جهاد کبیر است. جنگ با فتنه‌ها در برابر دشمنی که می‌خواهد اراده خود را تحمیل کند، همین جهاد کبیر است؛ اما ما هنوز نتوانسته‌ایم شکست‌های بزرگ جبهه استیکار را به رخ او بکشیم و برای مردم این را تبیین کنیم.»

وی در ادامه افزود: «امروز که دشمن تضعیف شده، ممکن است به هرکاری دست بزند. دشمن کارش دشمنی است و لذا مهم این است که ما در برابر این دشمنی چه واکنشی داریم.»

توصیه آخر نماینده ولی فقیه در سپاه به هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح بالا بردن سطح اخلاقی، فکری و تحلیلی و تغذیه فکری مناسب بود. وی در همین زمینه گفت: «شهید میثقی تعبری داشت و می‌گفت باید پارچ معارف داشته باشیم تا بتوانیم یک استکان آن را به دیگران بدهیم.» تأکید نهایی وی بر روی کار در رابطه با سبک زندگی اسلامی-ایرانی و مواجهه با تهاجم دشمن در این زمینه بود.



سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین در همایش سراسری هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح: «تحقق بیانیه گام دوم انقلاب با دولت‌سازی، جامعه‌سازی و نیل به تمدن نوین اسلامی تنها از مسیر بسط و گسترش مردم‌سالاری اسلامی ممکن است و سازوکار این امر تنها در بسیج وجود دارد؛ لذا بر این اساس سند راهبردی ده ساله بسیج تدوین شده و به تصویب رهبر معظم انقلاب رسیده است.»

به گزارش صبح صادق، سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین در همایش سراسری هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح که به صورت وینپار در مجموعه فرهنگي ۵ آذر سازمان بسیج برگزار شد، ضمن خوش آمدگویی به شرکت‌کنندگان گفت: «رهبر معظم انقلاب حرکت انقلاب اسلامی را به گام اول و دوم تقسیم فرمودند که این تقسیم از ۲۳ بهمن ۱۳۹۷ با صدور بیانیه گام دوم بعد از چله افتخار اول انقلاب اسلامی صورت گرفت.»

وی افزود: «چله دوم انقلاب و به تعبیر ایشان گام دوم انقلاب سرآغاز پیروزی‌های بزرگ است و نتایج راهبردی مقاومت ملت ایران در گام اول انقلاب در گام دوم به ثمر خواهد رسید، چرا که در گام اول انقلاب هم در مسئله دفاعی مؤلفه‌های قدرت را پشت سر گذاشتیم و هم به بازدارندگی رسیدیم.»

سردار سلیمانی ادامه داد: «بیانیه در واقع مشخص می‌کند که مؤلفه‌های اصلی حرکت انقلاب به چه سمتی و چگونه خواهد بود. در گام اول پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مردم‌سالاری اسلامی، این نظام مقدس علوی و عاشورایی جمهوری اسلامی اتفاق افتاد و جمهوری اسلامی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب یک الگوی دریافت شده از غرب یا از سایر اقصی نقاط دنیا نیست؛ بلکه یک الگوی برآمده از اسلام ناب و از مسیر اندیشه‌های امام

راحل است و ملت ایران هم این الگورا پذیرفت و سر دست گرفت و برای آن جانفشانی کرد و استقرار پیدا کرد.»
 وی با اشاره به مرحله سوم مراحل پنج‌گانه انقلاب گفت: «تحقق دولت اسلامی و تحقق همه‌جانبه مردم‌سالاری اسلامی و بساز مرحله جامعه‌پردازی و مرحله تمدن نوین اسلامی بعد از این مراحل است و آقا فرمودند اگر دولت اسلامی محقق نشود، شکل‌گیری جامعه اسلامی دور از ذهن خواهد بود و این سه مرحله‌ای که باقی مانده باید در گام دوم به نتیجه برسد و حرکت ملت ایران در آن مسیر برنامه‌ریزی شود.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: «تحقق مردم‌سالاری اسلامی در اولویت قرار دارد و بسیج به عنوان تشکیلات انقلاب اسلامی و تشکیلاتی که تحت فرمان امام‌المسلمین است، رسالت خود را اینگونه تشخیص داد که بر اساس فعالیت‌های اندیشه‌ورزی روی بیانیه گام دوم مطالعه داشته باشد؛ چراکه تحقق بیانیه گام دوم یکی از رسالت‌های اصلی بسیج است و این اولویت‌بندی‌هایی است که در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب قرار دارد.» وی به تهیه و تنظیم سند راهبردی ۱۰ ساله بسیج با تکیه بر اندیشه‌ورزی اشاره کرد و افزود: «این سند به رهبر معظم انقلاب پیشنهاد داده شد و یک سال بررسی آن زمان برد تا در ۲۷ بهمن سال ۱۳۹۹ رهبر معظم انقلاب این سند را برای بسیج به عنوان تشکیلات مردمی انقلاب اسلامی تصویب فرمودند.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: رهبر معظم انقلاب در تصویب سند فرمودند که «این مسیر مبارک را با دقت و توکل به خداوند متعال و پرهیز از بی عملی و باور می‌توانیم ادامه بدهیم و به پیش برویم.»

سردار سلیمانی با بیان اینکه این سند در سال ۱۴۰۰ به عنوان سال آزمون گفت: در سراسر کشور برنامه‌ریزی و در حال پیگیری است و خطاها را امسال بر

سردار غلامرضا سلیمانی رئیس سازمان بسیج مستضعفین

بسیج بهترین بستر تحقق مردم‌سالاری اسلامی است

اساس آزمون‌های که اجرا می‌شود شناسایی می‌کنیم، آسیب‌ها را فهرست می‌کنیم و سپس اولویت‌ها را با سند مرور می‌کنیم و متناسب با برنامه هفتم نیروهای مسلح، بسیج هم برنامه هفتم خود و دو برنامه پنج ساله از سال ۱۴۰۱ تا سال ۱۴۱۰ را خواهد داشت.»
 وی به ضرورت تشکیل بسیج نوین انقلاب اسلامی تأکید کرد و توضیح داد: «به فرموده رهبر معظم انقلاب مردم‌سالاری اسلامی فقط شرکت در انتخابات نیست و مردم باید در همه امور سالار خودشان باشند. ایشان در جاهای دیگر به مردمی کردن اقتصاد مقاومتی، سیاست و فرهنگ و دفاع تأکید داشتند که در همه این عرصه‌ها بسیج می‌تواند مظهر تحقق مردم‌سالاری اسلامی باشد و منظور از بسیج فقط سازمان بسیج نیست.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: «این تصور اشتباه است که گاهی وقت‌ها ما بسیج را بر اساس ادراکات ناقص و ساده‌خود تعریف می‌کنیم؛ در حالی که بسیج یک تعریف گسترده و عمیق بر اساس اندیشه امامین انقلاب اسلامی است. بسیج، یعنی مردم در همه صحنه‌ها حضور موثر داشته باشند.»



وی خطاب به هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح گفت: «برای تحقق این هدف مهم و والا که سازمان بسیج به دنبال آن است، همه شما عزیزان می‌توانید در گفتمان‌سازی و هم‌رسانسازی هم در کسوت هادی سیاسی و هم در کسوت شخصیت پر خیر و برکت بسیج خودتان به ما کمک کنید و در محلات و مساجد پیاده‌سازی الگوی حضرت آقا را برای بسیج، به عنوان چتری که بر همه سلاطین و گرایش‌ها و ظرفیت‌های درون انقلاب اسلامی گسترده شده که نه با کسی رقابت می‌کند و نه دنبال نام و نشان است، بلکه به دنبال تحقق همه جنبه‌های مردم‌سالاری اسلامی و فراهم کردن بستر حضور مردم در صحنه حل مشکلات کشور است، فعال شوید.» وی در بخش دیگر سخنان خود رویکرد تحول در بسیج را همزمان با تحول در همه بخش‌های کشور مهم دانست و افزود: «ما در سازمان بسیج یکی از مجموعه‌هایی هستیم که باید مسیر تحولی بسیار هوشمندانه را در پیش بگیریم و بتوانیم حرکت عمومی منضبطی داشته باشیم که حضرت آقا برای حل مسائل نظام و اتخاذ رویکردهای تحولی مطالبه کردند که همان ایجاد حرکت‌های منضبط تحولی هدفمند برای ایجاد احساس تغییر از وضع موجود به سمت وضع مطلوب است.»

سردار سلیمانی افزود: «رضایت حضرت آقا از نهضت کمک مؤمنانه و تعبیر ایشان در این خصوص که این امر یکی از نرم‌افزارهای نظامی اسلامی بوده که پیاده شد و بسیج پرچمدار این عمل بود و این مسئله یک سنت جاری و حسنه شد، به ما نشان داد که این تحول دست‌یافتنی است.» وی با اشاره به طرح مبارزه با کرونا که طرح شهید بزرگوار سپهبد حاج قاسم سلیمانی است افزود: ما در بسیج اثبات کردیم که با به میدان آوردن ظرفیت مردم امروز بیش از نیمی از ظرفیت تزریق واکسن را در کنار سایر خدماتی که بسیج انجام می‌دهد در کشور سازماندهی و اجرا

کردیم و بناست این توانایی و ظرفیت را طی هفته آینده به دو برابر برسانیم. این در حالی است که ما در مراجعات و بازدیدهای میدانی مردمی را می‌بینیم که بدون چشمداشت مادی مشارکت کرده اند و یا از محل کارشان مرخصی بدون حقوق گرفته‌اند و در این مراکز مشغول خدمت هستند.» وی گفت: «من این را عرض کنم که در طول این ۱۹ ماه ما به هیچ یک از این دوستان یک ریال هم پرداخت نکردیم و توانستیم این عزیزان را تشویق کنیم. با وجود این همه پای کار هستند و این ویژگی حرکت مردمی است که بدون اینکه هزینه زیادی شود، این همه خدمات ارائه شده است. این همان تکرار مدل دفاع مقدس است.»
 سردار سلیمانی افزود: «مبتنی بر همه این تجربیات برای همه این موضوعات نقشه راه تهیه کردیم و نقشه راه پنج ساله در محوریت‌زدایی در حال اجراست و در حال تعامل با دولت و سایر نهادهای مربوطه هستیم که در کنار آنها این خدمات را انجام دهیم.» وی با اشاره به نقشه راه فضای مجازی بسیج هم گفت: «امروز دوره بزین و در رو در فضای مجازی تمام شده و ما می‌توانیم علاوه بر مقابله با عملیات روانی دشمن، برای همه موضوعات اجرایی در کشور پیوست فضای مجازی تهیه کنیم و با پوشش رسانه‌ای و گفتگویی مردم را برای آن موضوعات آماده کنیم. همین امر در عرصه علوم دانش، دفاع امنیت، فرهنگ، مسائل اجتماعی و تولید قدرت نرم وجود دارد.» سردار سلیمانی افزود: «به نظر می‌رسد اولویت برای ما برای تحول و نقش آفرینی در عرصه‌های مورد نظر تربیت جوانان مؤمن و انقلابی حاضر و پای کار است که دو قرارگاه تعلیم و تربیت و روشنگری و هدایت سیاسی این راهبردار دنبال می‌کنند.»

وی در پایان گفت: «بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت جوانان امید به آینده و باور ما می‌توانیم و جهش در پیشرفت و روحیه جهادی تبیین شده است و بسیج به دنبال تحقق این راهبردر رهبر معظم انقلاب است.»

سردار محمد بابایی رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا

دشمن بر روی گسل‌های اجتماعی حساب ویژه باز کرده است

طراحی شده از سوی دشمنان از جمله مواردی که در دیدار نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با آمریکایی‌ها مطرح شد، افزود: «یک راهبرد مهم دشمن سوار شدن بر موج ناامیدی‌ها و بی‌تدبیری‌هایی بود که اغلب ناشی از سوء مدیریت و نفوذ ایجاد شده بود و می‌خواست پازل فشار با تحریر را تکمیل کند.»

رئیس پلیس امنیت ناجا با اشاره به برخی از موارد بی‌تدبیری‌ها در گذشته افزود: «دیدیم که با یک مدیریت خوب بحث برق تا حدودی مدیریت شده، بحران و تنش آبی تا حدودی حل شد، در موضوع کرونا هم که به تازگی حضرت آقا روی هوشمندسازی محدودیت‌ها تأکید کردند و مباحثی که در رابطه با واکسن بود، تقریباً حل شده است که اینها عمدتاً بیشتر ناشی از تغییر مدیریت در کشور بود.»

وی با اشاره به پدیده کرونا و عوارض مختلف آن در جامعه گفت: «در بحث جنگ بیولوژیک برآورد جامعه اطلاعاتی کشور این است که ما تا بیست، سی سال آینده با این تهدید دست و پنجه نرم خواهیم کرد؛ چرا که غربی‌ها به‌ویژه آمریکایی‌ها که در حال افول هستند و با ظرفیت‌های تجمعی و جمعیتی که رقیب آمریکا از جمله چین و کشورهای شرق آسیا دارند، جنگ بیولوژیک خواهند کرد چرا که این کشورها و جمعیت آنها را مانع بزرگی برای خود می‌بینند.» وی

سردار محمد بابایی، رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا در همایش سراسری هادیان سیاسی نیروهای مسلح: «دشمنان انقلاب اسلامی و ملت ایران همواره برای ایجاد ناامنی در کشور برنامه داشته‌اند و حساب ویژه دشمن روی گسل‌های اجتماعی، اخلاقی، قومی، مذهبی، اقتصادی و... باز کرده‌اند.»

به گزارش صبح صادق، سردار محمد بابایی، رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا در جمع مسئولان و هادیان سیاسی نیروهای مسلح در مجموعه ۵ آذر سازمان بسیج با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب معتقدند تهدیدات علیه انقلاب اسلامی بیش از تهدیدات سخت و تهدیدات اقتصادی در حوزه تهدیدات نرم و تبلیغات علیه انقلاب است و این موضوع خط عملیاتی جبهه دشمن است، اظهار داشت: «دشمن برای سده جدید شمسوی طراحی‌های جدیدی دارد؛ چه در منطقه و چه در داخل کشور که با تغییر فضای کشور و منطقه به لطف خدا مسیر روشنی آغاز شده است.»

وی افزود: «همچنانکه رهبر معظم انقلاب فرمودند من به آینده نگاه روشن و امیدوارانه‌ای دارم، دیدیم که این نگاه بسیار حکیمانه بوده و بارقه‌هایی از امید در مردم ایجاد شد.»

سردار بابایی با اشاره به راهبردهای

لذا از هیچ کس دیگر پذیرفته نیست که بگوید دولت قبل فلان کرده و... مردم منتظر کار و دیدن نتایج کارها هستند.»

وی با اشاره به برخی راهبردهای دشمنان در خصوص ایران اسلامی گفت: «یکی از راهبردهای دشمن درگیر کردن کشور در چند جبهه و تمرکززدایی از یک یا دو جبهه است، چون خودشان می‌گویند که وقتی ایران



روی یک حوزه متمرکز می‌شود با قوت عمل می‌کند و موفق است و لذا باید این تمرکز را از ایران بگیریم، بر این اساس می‌خواهند در جبهه‌های نظامی، اطلاعاتی، دیپلماتیک، اقتصاد و معیشت و حقوق بشر ما را درگیر کنند و به اصطلاح خود با تاکتیک کنونی زنبور عسل اقدام کنند.»

رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا افزود: «بر اثر بمباران رسانه‌ای دشمنان و عملکرد ضعیف برخی دولتمردان، برخی از افسراد در جامعه بین خود و حاکمیت احساس فاصله می‌کنند که این هم ناشی از سوءمدیریت و هم ناشی از جنگ تبلیغاتی دشمن است و چاره‌اش تقویت اعتماد در مردم است، یک کار خوب نیروهای مسلح عملیات امداد و کمک در زلزله و سیل و کمک به مردم در شرایط کرونایی بود. هم در درمان بیماران هم واکسیناسیون و هم کمک های مومنانه و مردمیاری که بازخورد بسیار خوبی داشت و اعتمادسازی کرد، این کار باید در دولت جدید علاوه بر نیروهای مسلح از سوسی بدنه دولت دنبال شود و حضور بی‌واسطه مسئولان کشور در میان مردم خنثی‌کننده است. فقط در چند مورد حضور رؤسای قوا در میان مردم را دیدید که چقدر تأثیرگذار بود.»

وی با اشاره به وضعیت امنیت اخلاقی در فضای مجازی گفت: «رصدهای پلیس امنیت اخلاقی وضعیت خوبی را نشان

نمی‌دهد که به نظر می‌رسد با ساماندهی فضای مجازی هم جرایم سایبری و هم جرایم اخلاقی در فضای مجازی قابل کاهش است، باید توجه داشت که در این فضای بی‌بند و بار، بسیاری از معضلات اجتماعی رخ می‌دهد که آثار بسیار بدی بر روی جوانان دارد.»

سردار بابایی گفت: «در حوزه آسیب های اجتماعی ما در رصدها و اطلس‌هایی که از ۱۷ آسیب اجتماعی داریم، می‌بینیم که یک اقدام برنامه‌ریزی شده بلندمدت وجود داشته که از دیدگاه ما با نفوذ و استحاله رخ داده است. خنثی کردن این برنامه‌ها هم با اقدامات امنیتی و انتظامی کامل نمی‌شود بلکه باید در حوزه‌های نرم فرهنگی هم به این مهم توجه لازم صورت گیرد.»

سردار بابایی با بیان اینکه دشمن مترصد هر فرصتی است که ظرفیت‌های ناامن ساز خود را آزاد کند و بتواند با به هم ریختن ثبات کشور مانع پیشبرد بخشی از اهداف ما بشود، افزود: «این مسئله که دشمنان ما روی هر نوع کار تحریک‌کننده بر روی گسل‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی، معیشتی، فرهنگی و اجتماعی حساب باز کرده باعث می‌شود که ما هوشیاری خود را برای مدیریت کردن جامعه به سمت آرامش بالا ببریم و علاوه بر امنیت بالایی که در کشور داریم، احساس امنیت را هم در مردم بالا ببریم که این منافع اقتصادی و اجتماعی فراوانی دارد.»

هدایت سیاسی باید امیدبخش و تقویت کننده سرمایه اجتماعی نظام باشد

سردار رسول سنایی را، معاون سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح در همایش سراسری هادیان سیاسی نیروهای مسلح: «کشور در بعد داخلی پس از یک دوره ناکارآمدی و ناامیدی آفرینی وارد صحنه جدید امید و انقلابی گری عاقلانه شده است و همه ما باید به هر نحوی که می توانیم به دولت کمک کنیم.»

به گزارش صبح صادق، سردار رسول سنایی را، معاون سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح در همایش سراسری هادیان سیاسی نیروهای مسلح با بیان اینکه سالهاست دشمنان، معاندان و مخالفان ما به دنبال پشیمان کردن مردم از گفتمان انقلاب و ادامه انقلاب گری بودند، اظهار داشت: «حضور نظامی آمریکا و ائتلاف همسراه در منطقه برای ایجاد یک سایه هراس و بر سر ما بوده که در افغانستان و عراق و یکی دو کشور دیگر این اشغال یا حضور ویژه نظامی را صورت داد.»

وی افزود: «البته تحریم های ظالمانه دشمن و نفوذ در کشور برای ایجاد فشار بر ملت ایران یکی از عوامل ناکارآمدی ها بود؛ دشمن این ها را برای تقویت فشار در دستور کار قرار داده که یک هدف خبیثانه را تعقیب کند و آن، تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی بوده و هست.»

سردار سنایی همچنین اضافه کرد: «به لطف خدا امروز شاهد آن هستیم که مردم به گفتمان انقلاب اسلامی اعتماد کردند و دشمنان ما در پیشبرد اهدافشان شکست خوردند، چراکه در انتخابات اخیر به دنبال این بودند که به شکل حداقلی انتخابات برگزار شود و تأخیر داشته باشد، یا جریانی که مدعی حاکمیت شبه لیبرالی است دوباره رأی بیاورد. اما مردم هم رأی دادند، هم در آراش رأی دادند و هم به گفتمان انقلاب رأی دادند.»

معاون سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه دولتی که امروز با این انتخابات بر سر کار آمد، دولتی است که گفتمان انقلاب را پیش می برد،

افزود: «البته حضرت آقا هم توصیه شان به این دولت این است که بازسازی انقلابی را عاقلانه و فکورانه انجام بدهند و لذا کار سختی در پیش دارد و وظیفه ما هم در این شرایط این است که به پیشبرد گفتمان انقلاب اسلامی کمک کنیم.»

سردار سنایی پیشبرد گفتمان انقلاب اسلامی را در گرو کارآمدی بیشتر دولت برآمده از رأی مردم دانست و افزود: «این به معنای این نیست که ما برخی از اقتضانات سازمانی را کنار بگذاریم، ما همچنان سرباز ولایت هستیم، اما باید به دولت کمک کرد. البته اصلاح طلبان از امروز روزشمار گذاشته اند برای اقدامات دولت که البته با وجود ناکارآمدی شدید دولت برآمده از اصلاحات در هشت سال گذشته به دنبال یک مطالبه گری شدید هستند.»

معاون سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح در ادامه سخنانش خود تصریح کرد: «باید حواس مان جمع باشد که در کنار مردم و دولت هستیم و لازم است که توقعات و مطالبات مردم را هم منطقی بیان کنیم و به عبارتی جاهایی هم لازم است توقعات و مطالبات منطقی سازی شود.»

سردار سنایی یکی از کارکردهای هدایت سیاسی مردم را همین منطقی سازی توقعات دانست و افزود: «در کنار این موضوعات باید به مردم نقش

بدهیم تا ایفای نقش کنند و همه با هم کمک کنیم تا با امید دادن به جامعه و اصلاح خیلی از امور، تقویت سرمایه اجتماعی نظام را هم داشته باشیم.» وی به ویژگی های دولت جدید و رئیس جمهوری اشاره کرد و گفت: «دولت جدید یک سری ویژگی هایی دارد که فرصت ساز است، مثلاً مورد وثوق رهبری است و این اعتماد رهبری در عرصه هایی مانند سیاست خارجی کمک خواهد کرد، همان گونه که این دولت توانسته امید برانگیزد و اعتماد مردم را جلب کند، چیزی که در تنش آبی خوزستان دیدیم قرار بود به کل کشور تسری دهند؛ اما این ماجرا با تدبیر رئیس جمهور منتخب در شرایطی که هنوز رسماً فعالیتش را آغاز نکرده بود، عملاً از بین رفت.»

سردار سنایی افزود: «این دولت شانس و بستر و ظرفیت استفاده از همه جریان های سیاسی معقول را دارد؛ این ناشی از ویژگی خود آقای رئیسی است که با خصلت ها و ادبیات تواضع و اصولی که دارند هم در میان مردم و هم در میان نخبگان واکنش مثبتی برانگیخته و بازتاب مثبتی دارد.»



دکتر محمد خوش چهره استاد دانشگاه و اقتصاددان

عقلانیت و دقت در تصمیم راه برون رفت از مشکلات است

دکتر محمد خوش چهره در همایش سراسری هادیان سیاسی نیروهای مسلح: «تأکید رهبر معظم انقلاب بر روی عقلانیت در تصمیم ها یک تدبیر مهم و اساسی است؛ چراکه امروز دیگر فرصت آزمون و خطا وجود ندارد و در زمانی که مدیران جهادی و انقلابی در صحنه هستند، اتخاذ یک تصمیم درست و عقلانی بهترین راه برون رفت از مشکلات است.»

به گزارش صبح صادق، دکتر محمد خوش چهره، استاد دانشگاه و اقتصاددان در همایش سراسری مسئولان و هادیان سیاسی نیروهای مسلح که به میزبانی سازمان بسیج مستضعفین در مجموعه ۵ آذر برگزار شد، با بیان اینکه امروز بیش از هر زمان دیگری در تصمیمات به عقلانیت و کار کارشناسی نیاز داریم، اظهار داشت: «یک زمانی یک دولت بر اساس اینکه تمام نگاهش تعامل با آمریکاست و موفقیت برجام همه تصمیم گیری ها را به این امر منوط می کند، در حالی که عقلانیت در تصمیم، یعنی تصمیمات باید از بدنه کارشناسی و نخبه بیرون بیاید، نمونه های دیگری هم مثل اینکه دولست نهم و دهم برای آنکه دو هزار میلیارد در آمریکا کسب شود، سرمایه گذاری می کنند که همان پول از طریق آمریکایی ها بلوکه می شود.»

خوش چهره ادامه داد: «عقلانیت در

تصمیم گیری از آنجایی اهمیت پیدا می کند که تصمیمات مستقیماً در سرنوشت مردم و کشور مؤثر است.»

وی نمونه تصمیم گیری عقلانی و کارشناسی را حوزه دفاعی و امنیتی کشور دانست و افزود: «این حوزه تحت هدایت و راهبری شخص حضرت آقا است و لذا شما می بینید که هم تصمیمات راهبردی و مهم این حوزه مبتنی بر عقلانیت و کار کارشناسی بوده که البته ما حکمت رهبر معظم انقلاب را هم باید در این امر دخیل بدانیم و نشانه این عقلانیت موفقیت های بزرگ این حوزه است.»

خوش چهره افزود: «در حوزه دفاعی عقلانیت در تصمیم سبب شده است تا نتایج مهمی مانند انتقام از عملیات های تروریستی، بازدارندگی امنیتی، امنیت در تجارت دریایی و بسیاری از موارد دیگر خارج از حوزه دفاعی به خصوص در حوزه اقتصادی داشته باشیم.» وی به مقابله با دزدی دریایی انگلیسی ها، انتقال سوخت از ایران به ونزوئلا و لبنان و... اشاره کرد و افزود: «اینها همه در اثر یک تدبیر، تصمیم عقلانی و حکیمانه بوده که پشت ماجرا هدایت و رهبری کار را برعهده داشته است.»

خوش چهره با اشاره به وضعیت امروز کشور گفت: «در چند دهه گذشته متأسفانه ما از همین عدم عقلانیت در تصمیمات در برخی بخش ها ضربه خوردیم، حتی اگر

بدنه نخبه و عقلای کشور در این مسیر باید فعال باشند.»

دکتر خوش چهره با اشاره به ضرورت تبدیل تهدیدها به فرصت ها، افزود: «یک تهدید ابتدا به شناخت درست نیاز دارد و سپس کنترل و مهار آنکه اگر این مهار و کنترل درست صورت بگیرد، در دل خود ایجاد فرصت می کند.»



وی یکپارچگی قوا را دیگر فرصت برآمده در این برهه دانست و افزود: «همراه با این یکپارچگی تجربه حضور در ریاست دستگاه قضا و تجربه حضور در آستان قدس و ارتباط نزدیک و لمس وضعیت واقعی مردم خیلی به ایشان کمک کرده که مسائل اساسی کشور را خوب بشناسند، صد البته در رابطه با مبارزه با مفاسد بر اساس تجربه قوه قضائیه سر منشاها و گلوگاه های فساد در دستگاه اجرایی را شناخته و با این اطلاع وارد کارزار مبارزه با فساد شده اند.»

سردار سنایی ادامه داد: «اینکه اولویت برای مبارزه با فساد خرجی ندارد و می تواند بازتاب مثبت داشته باشد، برآمده از این تجربه ایشان است و همانطور که در استفاده از نیروها، نیروهای خود را موظف به همکاری با ایشان می دانند که خود را مدیون انقلاب می دانند و شائبه فساد یا تخلف ندارند. در گزینش این نیروها باید افرادی انتخاب شوند که با اقتضانات این مرحله پیچیده از انقلاب هماهنگ هم باشند.»

وی ادامه داد: «مثلاً فردی میزان ثروت اعلامی اش کمتر از مقدار واقعی بود یا فردی در زیر مجموعه خود در زمان مدیریت فساد و تخلف گزارش شده اما خودش دخیل نبوده که اینها باعث شد آقای رئیسی در ترکیب وزرا در آخرین دقیق تغییر بدهد که این یک ویژگی مثبت است.»

معاون سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح در ادامه با اشاره به مباحث منطقه ای هم گفت: «در این حوزه میحث افغانستان برای ما اهمیت بیشتری دارد. اما واقعیت این است که طالبان امروز تغییرات اساسی نسبت به گذشته داشته اند.»

معاون سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح همچنین افزود: «در واقع طالب ها در این اتفاقات بیست ساله از وقایع درس گرفته اند و با توجه به اینکه پاکستان در خصوص حمله آمریکا به افغانستان چراغ سبز نشان داد، مایلند از نفوذ

پاکستان در خود کم کنند، و جالب این است که امروز طالبان در هیچ مذاکره ای و سر هیچ میزی زیر هیچ سند و وعده خود را امضا نکرد؛ الا در مذاکرات در ایران؛ چون به ایران و صداقت ایران اطمینان دارند و جالب اینکه حتی در دوحه هم به قطری ها امضا ندادند و این اعتماد حتماً مبنای اقداماتی بوده که ما داشتیم.»

سردار سنایی با اشاره به تحولات همسایه شرقی گفت: «وجه اشتراک مهم ما و طالبان اخراج ارتش تروریستی ایالات متحده آمریکا از منطقه بوده و الان این شکست ایالات متحده آمریکا در منطقه اتفاق افتاده است؛ به صورتی که تونی بلر می گوید از این به بعد غرب دیگر ادعایی که می کند، نمی تواند پیش برود و ما دیگر نمی توانیم ادعای دولت سازی و ملت سازی داشته باشیم. همه اینها مفهومش این است که هم در منطقه و هم در داخل به نفع ماست، چرا که جریان خودفروخته ای در داخل بود که بعد از حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان، افغانستان را سرزمین رویایی آینده معرفی می کرد که با لیبرال دموکراسی آباد خواهد شد که نه تنها محقق نشد بلکه شرایط امروز در همه ابعاد به مراتب بدتر از گذشته است.»

سردار سنایی، معاون سیاسی ستاد کل نیروهای مسلح در پایان سخنانش نیز گفت: «با همین اوصاف است که می بینید هیچ اعتمادی از سوی مردم افغانستان به دولتمردان و سیاستمداران کاخ سفید و هم پیمانان غربی و منطقه ای شان وجود ندارد و از طرفی می بینیم که مخالفت جدی در مقابل طالبان وجود نداشت و مردم طالبان را به آمریکایی ها ترجیح دادند. البته در داخل ایران هم جریانی وجود دارد که قبل از اینکه مشخص شود چه سرابی از بیست سال اشغالگری آمریکا در افغانستان می دیده که امروز پس از به جای ماندن ویرانه های این اشغالگری بیست ساله به دنبال سرپوش گذاشتن روی موضوع و واقعیت های افغانستان به انحراف مختلف هستند.»

وی افزود: «امروز که بخشی از اعتماد مردم به نظام در اثر کارشکنی، سوء مدیریت و سوء تدبیر دستخوش تضعیف شده، باز هم لطف خدا وجود دارد و صحنه کشور به صورتی که حتی کسی هم تصور آن را نمی کرد تغییر کرده و مردم کورسوی امیدی به آینده پیدا کرده اند و لذا خطا در تصمیم گیری بزرگ ترین خطر پیش رو است، از همین رو تأکید اخیر رهبری روی عقلانیت در کنار کار جهادی و انقلابی زیاد شده است.»

دکتر خوش چهره ادامه داد: «امروز که قوای سه گانه یک آهنگ شده اند و شهرداری تهران به سبب تأثیر تهران روی بسیاری از شاخصه های اقتصادی بسیار همسو با دولت شده است، در حوزه مسکن باید تصمیم درست را گرفت.»

وی افزود: «دشمن معیشت را هدف گرفته و لذا در بحث هزینه ها می بینیم که هزینه کالای اساسی در کشور که مربوط به غذاست، بسیار بالا رفته است؛ از طرفی در یک امر بی سابقه در فضایی که مسکن دچار رکود شدید است، بخش هایی از سرمایه داران در سه چهار نقطه تهران بسا ایجاد حباب و دستکاری در بازار قیمت مسکن را سر به فلک کشیده اند.»

خوش چهره ادامه داد: «در عمده دنیا نسبت درآمد به هزینه مسکن عمدتاً بین بیست تا سی درصد است؛ اما در ایران این نسبت بالای هفتاد تا هشتاد درصد است و ما می بینیم

که فرد گاهی همه درآمد یک شیفت شغل خود را هزینه اسکان می کند که به راحتی با اقدامات شهرداری و دولت می توان این حباب را شکست.»

وی افزود: «در این حوزه برای اینکه مردم امیدشان را به دست بیاورند و به عنوان سرمایه اصلی نظام پای کار بیایند، لازم است چهار مرحله کار انجام شود. ابتدا کار آبی، سپس کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت که به نظر می رسد اقدام برای اسکان جوانان تازه از دواج کرده در فضاهای خالی مجموعه های مرتبط با دولت، نهادها، دانشگاه ها و... می تواند اولین قدم آبی باشد که البته این طرح به صورت کارشناسی شده به دوستان دولت ارائه شده است.»

دکتر خوش چهره با بیان اینکه با وجود همه مشکلات و وضعیتی که امروز شاهد هستیم، به آینده بسیار خوش بین هستیم، گفت: «سه دلیل وجود دارد که من به آینده اینچنین خوش بین باشم، اول اینکه ما خدا را داریم و خدا هم همیشه اثبات کرده در همه بزنگاه ها هوای ما را دارد، البته شرط نصرت الهی مشخص است، دوم اینکه ما کشوری سرشار از ظرفیت های عظیم انسانی، طبیعی، دانشی و... هستیم و سوم اینکه امروز با استقرار یک دولت مردمی امید مردم برقرار شده و از طرفی قوای کشور در مسیر رشد و تعالی هم راستا و یکدست شده اند و دیگر بهانه گیری و تبلی و عدم کار کردن توجیهی ندارد.»

افغانستان با دولت فراگیر ملی به ثبات می‌رسد

دکتر سعدالله زارعی، کارشناس ارشد بین الملل در همایش سراسری هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح: «طالبان افغانستان که جمعیتی بالغ بر چهل و چند درصدی افغانستان، از جمله قوم پشتون را شامل می‌شود، نمی‌تواند به تنهایی دولت مطلوب را در افغانستان شکل دهد و تأکید جمهوری اسلامی و سایر همسایگان این است که باید دولتی شامل همه طیف‌های افغانی شکل بگیرد.»

به گزارش صبح صادق، دکتر سعدالله زارعی در جمع هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح پیرامون سابقه و مسائل افغانستان با بیان اینکه در مسئله اتفاقات اخیر افغانستان چند نکته اساسی وجود دارد، اظهار داشت: «اولین نکته این است که افغانستان امروز بزرگترین صحنه شکست سیاسی آمریکا از آغاز گام نهادن در مسیر ابرقدرتی به حساب می‌آید.»

وی مسیر ابرقدرتی آمریکا را از زمان فروپاشی بلوک شرق بیان کرد و افزود: «آمریکایی‌ها یک پروژه‌ای را در سال ۱۳۶۹ که قرن بیست و یکم آغاز شد کلید زدند تا یک قرن آمریکایی با مختصات آمریکایی و متناسب با این داعیه آمریکایی‌ها شروع شود که برای آن نظریه‌سازی و ادبیات‌سازی و برنامه‌ریزی کردند و سرویس‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی بر محور پنتاگون این طرح را با یک تیم هفت نفره با مسئولیت معاون وزیر دفاع «ایال ولفویتر» شروع کردند. ولفویتر از سال ۱۳۷۳ به صورت رسمی کار خود را شروع کرد و تا سال ۱۳۷۸ آنجا یکسری موانع راه‌شناسایی کرد و قرار شد برای این موانع برنامه‌ریزی کنند.»

زارعی افزود: «مهم‌ترین مانعی که برای این پروژه مطرح شد، این بود که چند قدرت در حال شکل‌گیری آسیایی بودند که چین، روسیه، هند و ایران بودند و در همین چارچوب نظریات زیادی مطرح کردند.»

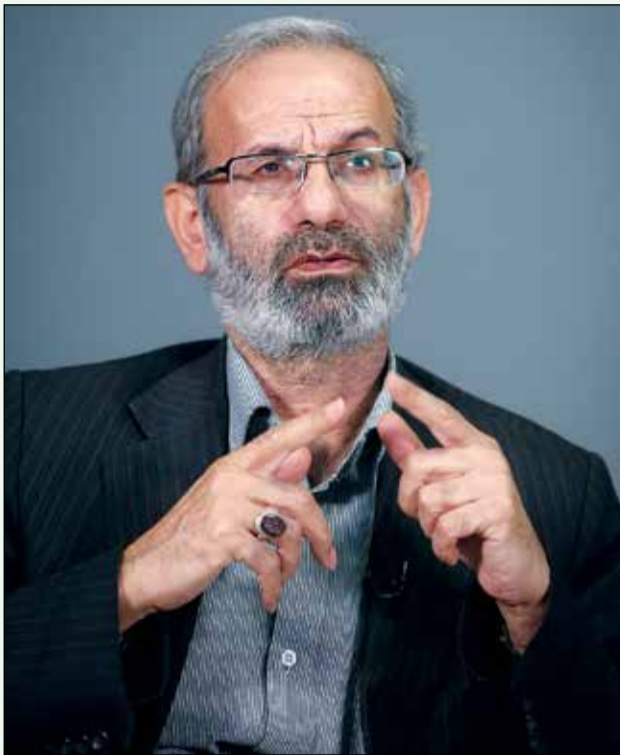
وی افزود: «راه حل‌های همه کارشناسان از همه طیف‌های حاکمیت

آمریکا به آشوب کشاندن و درگیر کردن این قدرت‌ها ختم می‌شد؛ یک نیروهای در این جغرافیا پدید بیایند و با آنها درگیر شوند و این آشوب استمرار پیدا کند و سبب شود که این دولت‌ها ناتوان شوند و از سر ناتوانی پای یک قدرت حل‌کننده وسط بیاید که آن هم آمریکا است و آمریکا بتواند در این منطقه ورود نظامی کند؛ همانند جنگ خلیج فارس که اجازه داد صدام به کویت حمله کند و بعد با همین حربه به خلیج فارس ورود علنی و نظامی کرد و انبوهی از نیروهای نظامی و لجستیکی و انواع ناوها، هواپیماها و سامانه‌های جاسوسی به سمت این منطقه سرازیر شد و پایگاه‌های جدید تأسیس کرد. گفتنی است، همین حضور را سال ۱۳۷۳ در بوسنی و شبه جزیره بالکان داشت.»

زارعی افزود: «ریشه هزینه ۳ تریلیون دلاری که برخی آن را تا ۷ تریلیون اعلام کرده‌اند، در تداوم همین سیاست بود تا حجم عظیمی از تجهیزات ویژه، مانند هواپیماهای غول پیکر بی ۵۲ در اینجا وارد شد و همه چیز از یک حضور و نفوذ دراز مدت حداقل ۷۰ تا ۸۰ ساله حکایت داشت؛ آن هم به اسم مبارزه با طالبان و القاعده و مشروعیت‌بخشی به همین عنوان.»

وی ادامه داد: «از آغاز ورود به افغانستان بحث قرن آمریکایی بوده و آنچه امروز شکست خورده است، بزرگ‌ترین پروژه آمریکا بوده است. این شکست به گونه‌ای است که سرنوشت آمریکا را در دنیا و در آینده رقم خواهد زد. این یک موضوع فوق راهبردی است که کارشناسان و صاحب‌نظران پهلوی آمریکا، مانند کیسینجر و دیگران به آن اعتراف کرده‌اند که آمریکایی‌ها به هیچ وجه نتوانستند این شکست را جبران کنند و راهی برای جبران این شکست وجود ندارد.»

زارعی افزود: «مسئله اصلی طالبان نیست. مسئله اساسی شکست آمریکا و نزدیک شدن زوال ابرقدرتی آمریکا است. یک اتفاق بزرگ رخ داده که می‌خواهند



روی آن سرپوش بگذارند و این موضوع دقیقاً به جمهوری اسلامی مربوط می‌شود.»

وی ادامه داد: «این پیروزی طالبان نیست؛ بلکه پیروزی مردم افغانستان است. یکی از فرماندهان سابق آمریکایی در کتابش می‌نویسد آمریکا از مردم با برهنه حاشیه شهرهای افغانستان شکست خورده و طالبان اصولاً تا سال‌ها بعد از شکست توان و قدرت چنین کاری را نداشتند، البته از دیدگاه ما طالبان محور اصلی این ماجرا بود؛ ولی در اصل تمام مردم افغانستان این اراده را کردند و محقق شد.»

دکتر زارعی ادامه داد: «در واقع طالبان از یک قدرت منطقه‌ای بهره‌برده و با تجربیات گذشته تعامل خوبی با برخی همسایگان افغانستان پیدا کرده است. همسایگی و حضور یک ملت مقاوم در کنار مرزهای افغانستان بسیار الهام‌بخش بوده است؛ یک ملت مقاوم تحت زعامت

حکومت تشکیل دهد؛ چراکه یک امارت اسلامی طالبانی مورد پذیرش دنیا نیست، اما طالبان نیاز دارد دنیا او را در افغانستان بپذیرد.»

وی با بیان اینکه طالبان یک طایفه پشتونی هستند که فقه خاص و اعتقادات خاص خود را دارند، افزود: «حکومت امارت اسلامی طالبان تا قبل از حمله آمریکایی‌ها یک حکومت پشتونی بود، در واقع شاید طالبان حنفی باشند، اما برخی عقاید پشتونی آنها هم در فقه خودشان وارد شده و یک فقه جدید را ایجاد کرده و اتفاقاً در عین اینکه صوفیانه نیست، تصوف هم در آن رسوخ دارد.»

دکتر زارعی افزود: «برخی قواعد مثل ارث نبردن زن و بسویاری دیگر از قواعد شرعی از فرهنگ پشتونی است و جالب اینکه آنها با عقاید شیعه مخالفی ندارند، توسل به انمه، زیارت اهل قبور، مزار فرزندان پیامبر... همه را قبول دارند و سلفی، تکفیری یا حتی وهابی نیستند، بلکه یک نوع مذهبی بر پایه عقاید قومی و قبیله‌ای هستند و اصولاً خشونت درون اینها ناشی از خوی خشونت پشتونی است.»

زارعی در خصوص اینکه جمهوری اسلامی ایران در این ماجرا به دنبال چیست، این چنین توضیح داد: «طالبان به شدت به این احتیاج دارند که یک قدرت اینها را قبول کند و قبول داشته باشد، ایران هم به دنبال این است که طالبان را به نقطه‌ای برساند که حکومت مقبول ایجاد کند با سهم‌بندی برای همه گروه‌های افغانی و همواره هم اعلام می‌شود که مسئله افغانستان راه حل افغانی دارد.»

وی ادامه داد: «افغانستان کشور غنی، اما فاقد زیرساخت است، لذا طالبان برای اداره افغانستان و استفاده از این نعمت خدادادی به فناوری و توانایی ایران نیاز دارند، به خصوص در حوزه معدن، چراکه ارزش معادن و مخازن و کانی‌های آن بالغ بر ۳ تریلیون دلار ارزیابی شده است که ۱۱ معدن از جمله نفت، گاز، اورانیوم و... از جمله این ثروت‌هاست. از

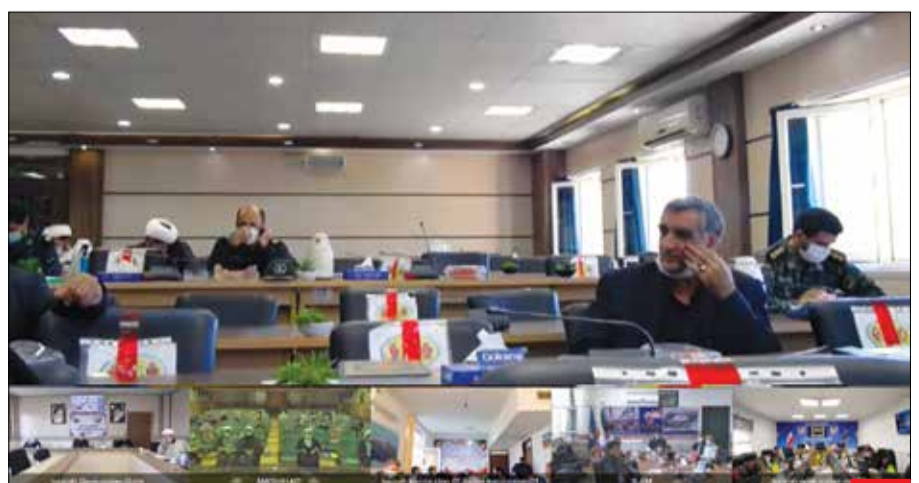
طرفی ایران یک قدرت در منطقه به شمار می‌آید و پذیرش ایران برای طالبان بسیار مهم است.»

دکتر زارعی در خصوص آینده افغانستان چند نکته گفت: «نخست اینکه افغانستان در پنجاه سال اخیر پنج مدل حکومتی متفاوت از امارت اسلامی تا جمهوری اسلامی و کمونیستی را تجربه کرده و سابقه افغانی‌ها نشان می‌دهد، اهل ثبات و عدم درگیری نیستند، اما این ظاهر ماجراست، چرا که در همه این سال‌ها در افغانستان طرف‌های خارجی در درگیری دخیل بوده‌اند و این بار جمهوری اسلامی قصد دارد تنها یک تصمیم افغانی گرفته شود و این خود نقطه امید برای رسیدن افغانستان به آرامش نسبی است. در خصوص افغانستان می‌توانیم امیدوار باشیم که در داخل افغانستان یک گرایش به وحدت شکل بگیرد.»

زارعی رابطه اقتصادی خوب ایران با افغانستان و همچنین این حس اعتماد به ایران، و کسب منافع مخصوصاً در بحث حق آبه ایران را از مهم‌ترین مباحث دانست که مسئله افغانستان را برای ما مهم کرده است و افزود: «در کنار این ایران نمی‌پذیرد یک قانون نا امنی در کنار مرزهای کشور ادامه حیات دهد و حتماً پیگیر استقرار دولت مقتدر در افغانستان خواهد بود.»

وی با گلزه از جریان اصلاح طلب در بزرگ‌نمایی مباحث افغانستان گفت: «نه طالبان آن طالبان قدیم است که به یاد داریم و نه مثلاً درگیری در پنجشیر آن میزانی است که برای آن تبلیغ شده است، تقریباً با کمترین درگیری پنجشیر اشغال شده و مردم افغانستان تقریباً با طالبان کنار آمده و در اثر ناکارآمدی دولت وابسته آمریکایی به راحتی همه افغانستان با کمترین درگیری تحت اشراف طالبان قرار گرفته، اما هنوز خطر رسانه‌ای برای زنده نگه داشتن جریان مخالف طالبان و احمد مسعود وجود دارد. البته جمهوری اسلامی در درگیری‌های داخلی افغانستان به شدت به طالبان تکرر داد که وارد خشونت نشود.»

همایش در قاب



همایش سراسری هادیان و مسئولان سیاسی نیروهای مسلح با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و به صورت ویدئو کنفرانس برگزار شد.

سیاست نامه

اندیشه سیدمحمدکاظم یزدی-۴

قدرت مرجعیت و جهاد در برابر اشغال نظامی!

فتح‌الله پربشان

دبیر گروه اندیشه

در تهران زمانه مشروطه و معاصر مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی، سه گروه به دنبال خواست‌های متفاوت بودند: گروهی حامی استبداد و رژیم سلطنتی بودند، گروهی طرفدار مشروطه و حامی مجلس و گروه سوم طرفدار مشروطه مشروعه و حامی متحصنان به ویژه شیخ فضل‌الله نوری بودند. البته از دید مشروطه‌خواهان، مشروطه‌خواهان نیز حامی استبداد به شمار می‌آمدند؛ چون علیه مشروطه قیام کرده بودند. در واقع انگ استبدادخواهی بهتر می‌توانست مردم را از کنار عالمان مشروطه‌خواه طرد کند. شیخ فضل‌الله با نامه‌هایی به علمای بلاد و انتشار روزنامه‌های از محل تحصن، علل و انگیزه‌های متحصنان را بیسان می‌کرد. در نجف طرفداران مشروطه سید و حامیان را تهدید کردند اما مضای بدون قید و شرط در تأیید مشروطه بگیرند، ولی سید مقاومت کرده و با جواب رد دادن به طور علنی، تصریح کرده بود که از کشته شدن هم باک ندارم! این اوضاع تا تسلط شدن عشایر حامی سید بر اوضاع ادامه داشت. در ایران نیز کم و بیش همین وضعیت حاکم بود؛ مشروطه‌خواهان حاکم شدند و تدریجاً برخی از آنها دست‌نچ علما و دیگر روشنفکران دلسوس را بر باد داد؛ به گونه‌ای که برخی از مشروطه‌خواهان مانند شیخ فضل‌الله در تهران و برخی شهرهای دیگر به قتل رسیدند، مجلس از سوی محمدعلی شاه در ۱۳۲۶ قمری به توپ بسته شد و استبداد صغیر حاکم شد.

به علاوه اشغال ایران به دست روس‌ها علما را از نجف تا کازمین برای آمدن به جهاد علیه کفار به طرف ایران کشاند. البته مرحوم سیدیزدی همانند اسلاف خود، به شدت نسبت به اشغال نظامی کشورهای اسلامی از سوی کفار حساسیت داشت و در عصر مرجعیت‌شان حکم به دفاع همه جانبه مسلمانان و دفع دشمنان کفار از سرزمین‌های دو کشور اسلامی، یعنی ایران و عراق داد. دولت‌های روس و انگلیس در سال ۱۳۲۹ ق به بهانه ارتباط ایران با آمریکا در پی یک اولتیماتومی شمال و جنوب ایران را اشغال کردند. این امر عکس‌العمل فوری علما و مراجع نجف از جمله سید یزدی را در پی داشت. علما بلافاصله حکم جهاد صادر کرده، خود و شاگردان و مریدان به صورت گروهی برای عزیمت به ایران و دفع دشمن متجاوز تا کازمین عزیمت کردند. در مورد اشغال عراق نیز دولت عثمانی با کمک آلمان‌ها علیه انگلیس و فرانسه وارد عرصه جنگ شد، و کشورهای عربی نیز که در قلمرو عثمانی قرار داشتند با این کار به عرصه تجاوز و تاخت و تاز نیروهای بیگانه تبدیل شدند. عراق به دست انگلیسی‌ها اشغال شد، علما از جمله سیدکاظم یزدی که در حوزه و نقاط مختلف عراق از هواداران بسیاری برخوردار بودند، فتوای جهاد صادر کرده و حتی شیعیان عراق را با وجود آزار و اذیت‌های زیادی که از عثمانی‌ها دیده بودند، برای کمک به دولت عثمانی سنی مذهب تشویق کردند و رشادت‌ها نشان دادند؛ اما با اینکه جنگ نتیجه‌ای جز اشغال عراق به دست انگلیسی‌ها نداشت، مانوری از قدرت جهاد و حکم مرجعیت را در برابر اشغالگران به نمایش گذاشت.

منابع:

۱- محمد ترکمان، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰۷.
۲- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، بی‌جا: بنیاد فرهنگی امام رضا(ع)، ج ۱، بی‌تا، ص ۲۰۹.

صورت‌بندی نهایی سیستم مفهومی عدالت با مقایسه آموزه‌های اسلامی و غربی- بخش سوم

آزادی و عدالت توأمان
و پردازش عدالت

حمزه عالمی

دکتر اندیشه سیاسی

در دو نوشتار قبلی مرتبط با این موضوع به اختصار اهمیت آزادی در شکل‌گیری عدالت و رابطه این دو مفهوم از دیدگاه دو فیلسوف معاصر غربی و هندی، یعنی «جان رالز» و «آمارتیا سن» و آثار فقدان آن در جمهوری افلاطون توضیح داده شد. گفتنی است، در دیدگاه اسلام، آزادی نیازمند هدایت است و بدون آن غریز بر عقل چیره شده و معنای اصلی آزادی که راهی از بند غریز است، زیر سؤال می‌رود. هدایت عقلی و دینی نه تنها آزادی را به سوی آنچه شایسته انسان و در جهت حفظ کرامت اوست، پیش می‌برد، بلکه محیط و عرصه اختیار و اراده انسان را نیز تضمین می‌کند.

نگرش حق‌محور و آزادی

از منظر اصولیون شیعه، هدایت به معنای منطبق کردن تمامی رفتارها و تصمیمات فرد مسلمان با شریعت نیست؛ بلکه مخالفت نکردن این تصمیمات و رفتارها با احکام دین ملاک است. به این ترتیب، به تعبیر شهید محمدباقر صدر، فرد مسلمان از منطقه‌الفراغی برخوردار است که موقعیت ظهور اختیار انسان را فراهم می‌کند. مجال یافتن اختیار، خود به معنای ظهور حقی دیگر از حقوق فطری انسان است و طبق آنچه پیشتر گفته شد، احیای حق مساوی با برقراری عدالت است. نتیجه منطقی نگرش حق‌محور به هستی و انسان، آزادی هدایت‌محور است. این سه، رابطه‌ای وجودی با یکدیگر دارند و به عبارتی در ذات حق، نوعی اراده و آزادی نهفته

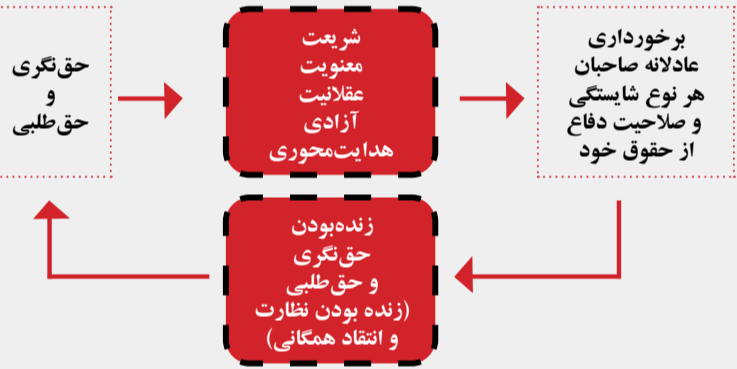
است که رو به سوی باری تعالی دارد. مفهوم حق نزد فلاسفه اسلامی به معنای وجود عینی، دانمی و بالذات معنا شده است که کمال آن در باری تعالی بوده و پرتوهایسی از آن به حکم خدا در هستی نهفته شده است. حق در جهان هستی صفتی برگرفته از اسمای الهی است که خواهان تجلی و ظهور است؛ اما آن را اراده‌ای معنوی باید که موانع پیش رو را برداشته و زمینه ظهور حق را فراهم کند. بر این اساس، روشن است که آزادی هدایت‌محور، بر مبانی شریعت، عقلانیت و معنویت استوار شده است. عقلانیت و معنویت توأمان پروژه فکری برخی از روشنفکران ایرانی، همچون مصطفی ملکیان است که نگاه روشنی به شریعت نداشته است و ضعف یا فقدان شریعت در این طرح، می‌تواند به همان مسیری راه برد که پروتستانتیسم در غرب راه برد و عقل را به محاسبه لذت فروکاست و در نتیجه عدالت قربانی شد. در واقع فقدان شریعت در این طرح به معنای نبود حدود است و جایی که حد نباشد، ارزش به ضد خود تبدیل می‌شود؛ حد و حدود تا آنجا اهمیت دارد که فیثاغورثیان آن را به معنای عقل می‌دانستند و وقتی حدود (شریعت) نادیده گرفته شود، عقل

نیز در محاق قرار می‌گیرد. بنابراین شریعت، عقلانیت و معنویت که مبنای آزادی هدایت‌محور هستند، می‌توانند چارچوب پردازش عدالت تعریف شوند.

پردازش عدالت

حق‌نگری و حق‌طلبی وقتی در محیطی قرار می‌گیرد که عناصر آن را شریعت، معنویت، عقلانیت، آزادی و هدایت‌گری تشکیل می‌دهند، زمینه برقراری عدالت فراهم شده و نتایج ذیل حاصل می‌شود:

- ۱- احیای حق به دغدغه و خواست همگانی تبدیل می‌شود و این امر اساس زندگی و سعادت است؛
- ۲- احیای حق صاحب بصیرت و روشن‌بینی در انجام وظیفه خود خواهند بود؛
- ۳- انصاف و عدم پیش‌داوری در احیای حق اهمیت می‌یابد؛
- ۴- فرصت ظهور شایستگی همه افراد جامعه، از هر قوم و مذهبی فراهم می‌شود؛
- ۵- ظرفیت‌ها و کمبودهای واقعی آشکار می‌شوند؛
- ۶- ترندها و روایت‌های کاذب به حاشیه می‌رود و از سخن حق، اراده باطل صورت نمی‌گیرد و



آفاق

چهره پنهان سیاست - ۱۳

نفوذ در بیوت علما!

انگیزه اینها ممکن است ناشی از عامل خارجی و در چارچوب سناریوهای آنها باشد یا خاستگاه جریانی یا تفکرات انحرافی داشته باشد که در گفتار امام خمینی (ره) از آن به نفوذ افراد منحرف و تبهکار نام برده شده است. (همان، ج ۲۱: ۴۲۵) انگلیسی‌ها در زمینه اخیر ید طولایی داشته‌اند. یکی از نمونه‌های مشهور آن «مستر همفر» است که در یکی از فرازهای خاطرات او آمده است: «از این‌گونه جاسوسان ملیس را باید میان علمای الازهر، آستانه، نجف و کربلا وارد کرد.» (همفر، همان: ۱۰۷) نمونه دیگر نفوذی انگلیسی در لباس نوکر در بیت یکی از علمای نجف بود که رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید، این نفوذی در زمان جنگ عراقی‌ها با انگلیسی‌ها به صورت یک نوکر در بیت یکی از مراجع وقت نفوذ می‌کند و با همه طبله‌ها گرم می‌گرفت و با همه آنها رفیق شده بود. نمونه دیگر، نفوذی‌ها و عوامل انگلیس در نهضت مشروطیت است که باعث دودستگی و انحراف در آن شد و زمینه کودتای دیکتاتوری رضاخان را فراهم کرد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۸) ظهور و بروز فرقه بهائیت در ۱۶۰ سال پیش نیز نتیجه نفوذ انگلستان بوده است. گفته می‌شود بهائیت از بستر نفوذ عنصری امنیتی در بیت یکی از علما در نجف شکل گرفت. حوزه‌های علمیه به ویژه قم امروز نیز در کانون توجه سازمان‌های جاسوسی قرار دارد تا به تعبیر رهبر معظم انقلاب «با یک طراحی پیچیده» آنتی‌تز «انقلاب» را از قم به‌وجود آورند. ماندگاری اسلام، انقلاب و حوزه‌های علمیه نیازمند هوشیاری و بصیرت نسبت به این راهبر دشمن است.

سیامک باقری

دکترای علوم سیاسی



در منطبق نفوذ و نفوذی، هیچ مکان، مرکز و نهادی مصون از آن نیست. هر قدر مکان‌ها از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار باشند، ضریب احتمال نفوذ در آن نیز بالاتر است. یکی از این مراکز، دفاتر افراد و اشخاص متنفذ اعم از دینی و غیر دینی است. خطر این امر بارها از سوی امام خمینی (ره) تذکر داده شده بود. از جمله در منشور روحانیت فرمود که استکبار در مواجهه با روحانیت «دوره‌ها برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارباب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ. وقتی حره ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید.» (موسوی خمینی، ج ۲۱: ۱۳۷۸: ۲۷۸) نگرانی امام (ره) از این موضوع را در وصیت‌نامه الهی-سیاسی ایشان برای نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه شاهد هستیم. این مراکز به شکل‌های مختلفی رخ داده است: ۱- شناسایی افراد مستعد و آموزش‌دیده که پس از رخنه در این نهاد، بسترهای رشد را برای مدارج و سطوح بالاتر حوزوی طی می‌کنند که در ادبیات امام خمینی (ره) با نام تربیت روحانی‌نماها مکرر اشاره شده است. ۲- نفوذ افراد و شخصیت‌های سیاسی و فکری که تلاش می‌کنند به صورت هدفمند به دفاتر و بیوت علما و مراجع رخنه کنند.

ریزش‌ها

فراز و فرود محسن سازگارا - ۵

در حلقه کیان!

همفکرانش مورد حمله و تخطئه قرار داد. وی در مقطع دیگری برای نفوذ در ساختار نظام به شورای شهر روی آورد و از جمله نامزدهای اصلاح‌طلبان برای شهرداری تهران شد؛ اما با پیروزی اصولگرایان در انتخابات شورای شهر اسفندماه سال ۱۳۸۱ حضور وی در فضای سیاسی ایران منتفی شد. محسن سازگارا همچنین پس از حوادث خرداد ماه سال ۱۳۸۲، در کوی دانشگاه تهران بازداشت و به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به هفت‌سال حبس تعزیری محکوم شد. از مهم‌ترین فعالیت‌های فکری سازگارا باید به حضورش در حلقه کیان و نشست پای درس عبدالکریم سروش اشاره کرد. او به همراه اکبر گنجی، آرش نراقی و علی افشاری در حلقه کیان جمع شده و با ایجاد فضایی سکولار، گرد عبدالکریم سروش به آموختن دیدگاه‌ها و ترویج تفکرات او پرداختند. حلقه کیان پایگاه توسعه فعالیت‌های مطبوعاتی بعدی اصلاح‌طلبان شده و ویژه سازگارا با راه انداختن شرکت جامعه روز به طور گسترده از این جریان پشتیبانی کرد. یک نکته جالب توجه آنکه در روزنامه جامعه از اولین روزنامه‌های این جریان علاوه بر انتشار نظریات سروش به بهانه تک صدایی بودن روزنامه به انتشار نظرات حسین باقرزاده نیز رغبت نشان داد. حسین باقرزاده از اعضای مرکزی سازمان منافقین بود، اما این نکته قابل توجه بود که نظریات سروش و باقرزاده تا چه اندازه شبیه و نزدیک به هم بود. از دیگر نزدیکان این حلقه عمادالدین باقی بود که نظرات مشابهی با باقرزاده به ویژه در خصوص موضوع قصاص داشت.

«معرکه روایت‌ها» و «نبرد کلمه‌ها» عنوان مناسبی است که می‌تواند عمق و سطح جبهه‌بندی فکری از سوی افراد و جریان‌های سیاسی را در باره نحوه فهم و چگونگی روایت حوادث مهم دهه ۶۰ انقلاب اسلامی نشان دهد. در این میان، نباید از تلاش جریان تحریف که وقایع و حقایق آن مقطع را در نزد نسل جوان انقلاب وارونه ارائه می‌کند، غافل شد. مصداق این موضوع روایت‌گری امروز سازگارا فراری از وطن و قهرمان‌سازی از خود و همپالگی‌هایش است. در حالی که محسن سازگارا پس از مختومه اعلام شدن پرونده انفجار مقر نخست‌وزیری، به وزارت صنایع که تحت نظر و مدیریت چریک پیرشان، یعنی بهزاد نبوی بود، رفت. سازگارا تا سال ۱۳۸۰ در مشاغل مختلف اجرایی و صنعتی در ایران مشغول به کار بود و عضو هیئت مدیره برخی از شرکت‌های بزرگ کشور، مانند ایران خودرو، تراکتورسازی و داده‌پرداز بود. محسن سازگارا مانند سایر همفکرانش که بعداً مدعی اصلاح‌طلبی شدند، در همین سال‌ها توانستند توان مالی خوبی برای خود رقم بزنند. آنها ابتدا بر منابع مالی مطمئن به خصوص در صنعت و ساختمان مسلط شده و سپس برنامه‌های خود را در چارچوب اصلاحات و روشنفکری دینی پیگیری کردند. محسن سازگارا در سال ۱۳۸۰ در انتخابات هشتم ریاست‌جمهوری برای شرکت در انتخابات نام‌نویسی کرد، اما از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شد و همین باعث شد این شورا را هم به منزله یکی از موانع عملی شدن عملیات خود و

نکته گرام

احمد نادری، نماینده مجلس: عضویت دائم ایران در گروه شانگهای، اقدامی در راستای تغییر نظم جهانی و آغاز دوران آسیابایی است. بارها نوشته‌ام که از سال ۲۰۱۱ و با آغاز انقلاب‌های بیداری و سپس به انحراف کشاندن آنها و درگیری‌ها و خونریزی‌های منطقه، تغییر نظم آغاز شده است. ایران یکی از قدرت‌های اصلی در نظم چند قطبی آینده است.

رضا بزدان‌پرست، کاربر فضای مجازی: مزایای اقتصادی و سیاسی عضویت ایران در پیمان شانگهای به جای خود محفوظ، اما این پیمان این پیام را به غرب می‌دهد که برای توافق باید به طور کافی امتیاز نقد بدهید، چون اگر شما نباشید، دیگرانی هستند که بخواهند از مزایای همکاری با ایران استفاده کنند! دورانی که نقد را نسبی می‌برید، گذشت!

مالک شریعتی، نماینده مجلس: عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان شانگهای، اگرچه نتیجه روندی از گذشته است، بدون اهتمام جدی رئیس‌جمهور و دستگاه دیپلماسی جدید، محقق نمی‌شد. این دستاورد مهم، پایان «غربگرایی محض و تکیه بر نقطه‌های خیالی» و آغاز سیاست «نگاه به مشرق و آسیا محوری» و تقویت «دیپلماسی همسایگی» ایران خواهد بود.

عبدالله گنجی، روزنامه‌نگار: عضویت دائم ایران در پیمان شانگهای نقطه عطفی در ایجاد تعادل و توازن در روابط آسیا با غرب است. از ظرفیت‌های به وجود آمده در حوزه اقتصاد و امنیت باید حداکثر استفاده را کرد.

میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی: احیای توافق هسته‌ای، ارتباط جدایی‌ناپذیری با برداشتن تمام تحریم‌های مرتبط با برجام دارد. این مسئله‌ای است که ناگفته نپیداست. برای اینکه این اتفاق بیفتد، لازم است بدون وقفه مذاکرات وین را شروع کرده و آن را با موفقیت تکمیل کنیم. امر دوم کار آسانی نیست، ولی شدنی است.

صفاء درویش، از اصحاب رسانه در لبنان: مردم امروز برای گازونیل جشن نگرفتند. جشن گرفتند چون گروهی که نفس‌شان را بریده بودند، امروز شکست خوردند. آنها که احتکار کردند و پنهان کردند و اتهام سیاسی زدند و در نهایت شکست خوردند. مردم دلیل نیستند آطور که آنها به تصویر می‌کشند، مردم آگاه هستند و می‌دانند مرحله جدیدی در کشور با اعمال زور و قدرت شکل گرفته است.

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان: بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را به تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان موظف می‌کند. ارسال نفتکش ایرانی برای درهم شکستن محاصره آمریکایی لبنان جلوه‌ای روشن از این اصل است.

دانیال معمار، فعال رسانه‌ای: تعریف این است که ایران به خاطر واکنش داخلی از واردات خودداری کرد و باعث مرگ هزاران نفر شد. واقعیت این است که ایران منتظر تولید داخل نماند و تا بهار ۱۴۰۰ قرارداد خرید ۱۱۰ میلیون دوز واکنش خارجی را بیست، یعنی قبل از صدور مجوز تولید برکت، واکنش‌ها به سه دلیل نرسید: تحریم، نیاز خود تولیدکننده‌ها و جهش مکرر کرونا.

شکست انحصار

نگاهی به حذف برنامه‌های ایرانی از فروشگاه گوگل و راه تقابل با آن



محمد صالح نادری
کارشناس فناوری اطلاعات

مدتی است که گوگل به بهانه‌های مختلف اقدام به حذف برنامه‌های ایرانی از فروشگاه نرم‌افزاری خود می‌کند. انحصار با چاشنی زورگویی برای این غول فناوری دنیا اختیاری بی‌حد و مرز ایجاد کرده است که به خود اجازه می‌دهد با کاربران پلتفرم‌هایش هر طور که دلش می‌خواهد رفتار کند. حذف برنامه‌های ایرانی بدون هیچ دلیل واضحی انجام می‌شود و برای گوگل هیچ اهمیتی ندارد که این برنامه‌ها چقدر در کشورمان مخاطب دارند و نیاز مردم را رفع می‌کنند.

طاقچه، رویکا، ذره‌بین، آپارات، فیلمو و بلد از جدیدترین برنامه‌هایی هستند که قربانی گوگل شده‌اند. درآمدهای گوگل از محل فروش‌گشایش شامل منابع حاصل از فروش نرم‌افزار، تبلیغات در فروشگاه برنامه و خریدهای درون برنامه‌ای است و ۳۰ درصد از هر معامله و خرید نرم‌افزاری در فروشگاه را بر می‌دارد و بخش قابل توجهی از سود شرکت‌های نرم‌افزاری را از آن خود می‌کند. گوگل در پاسخ به اعتراض شرکت‌های نرم‌افزاری می‌گوید که این شرکت‌ها می‌توانند از بسترهای جایگزین برای فروش نرم‌افزارهای خود استفاده کنند اما در عمل به دلیل شرایط ایجاد شده، استفاده از بسترهای دیگر برای برنامه‌سازان ممکن نیست، هرچند در کشورمان فروشگاه‌های نرم‌افزاری بسیاری ایجاد شده‌اند، فروشگاه‌هایی مانند بازار، مایکت و...، اما فروشگاه گوگل به دلیل اینکه به صورت پیش‌فرض بر روی سیستم‌عامل نصب است، برای مخاطبان بیشتری در دسترس است. همچنین ممکن است حذف برنامه‌ها از فروشگاه گوگل تنها

اقدام این شرکت علیه برنامه‌نویسان و کاربران ایرانی نباشد و این احتمال وجود دارد که نصب این برنامه‌ها هم با اختلال مواجه شود.

چندی پیش رویسکا و ذره‌بین از گوگل پلی حذف شدند. ظاهر موضوع حذف این برنامه‌ها به علت ارسال گزارش از سوی کاربران بود؛ اما ماجرای برخورد با پلتفرم‌های ایرانی به همین جا ختم نشد و به حذف آپارات، فیلمو و بلد هم رسید. در سه مورد اخیر گوگل از ده روز قبل به توسعه‌دهندگان این اپلیکیشن‌ها اعلام کرده بود که به دلیل قوانین تحریم ایران ناچار به حذف این اپلیکیشن از فروشگاه‌هاست.

اما پس از اینکه خبر حذف چند پلتفرم مانند آپارات، فیلمو و بلد از فروشگاه نرم‌افزاری گوگل به دلیل تحریم‌ها علیه ایران منتشر شد، اسامی برنامه‌های دیگری هم به این فهرست اضافه شدند. خبر حذف پلتفرم دانلود و خرید کتاب طاقچه هم اعلام شد که البته مشخص شد این پلتفرم بیش از یک ماه پیش از این فروشگاه حذف شده است. البته این دلیل تازگی ندارد و حدود سه سال پیش هم اپل در اقدام مشابهی برنامه‌های ایرانی را از فروشگاه خود حذف کرد که این مسئله در زمان خود صاحبان این کسب و کارها را با مشکلات متعددی مواجه کرد و در سرهای آن هنوز هم برای کاربران سیستم عامل IOS در ایران ادامه دارد. اواخر سال ۱۳۹۷ بود که دسترسی به برنامه‌های ایرانی روی سیستم عامل اپل، برای کاربران آن قطع شد که از سوی اپل انجام شده بود. این پایان کار رسمی برنامه‌های ایرانی با آپ استور اپل بود.

اما به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، تقریباً اقدامات مستولان این برنامه‌ها و دیگر مستولان فناوری در کشور، راه به جایی نخواهد برد و گوگل و اپل با توسل به همان اهرم انحصار خود، همچنان به این گونه رفتارها ادامه خواهند داد و اعتراضات طرف‌ها

تغییری در روند کار آنها ایجاد نخواهد کرد. اما چه باید کرد؟ همیشه در مقابل انحصار، بهترین کار شکستن انحصار است. نمونه‌های مشابهی از رفتار گوگل با دیگر کشورها وجود دارد، اما آنها با دیدن چنین رفتارهایی به اعلام بیانیه و اعتراض دل خوش نکردند! یکی از جنجالی‌ترین اقدامات گوگل و دیگر شرکت‌های فناوری در چند سال اخیر، تحریم شرکت هوآوی چین است. گوگل این شرکت را با سخت‌ترین اقدامات خود مواجه کرد و بیشتر دستگاه‌های هوشمند تولید هوآوی قابلیت استفاده از سرویس‌های گوگل را ندارند. به این معنا که حتی مسیریاب گوگل بر روی این دستگاه‌ها قابلیت اجرا نخواهد داشت علاوه بر گوگل، شرکت آمریکایی ساخت سخت‌افزار اسنپدراگون هم که به تولید پردازنده و... برای تلفن‌های همراه مشغول است، هوآوی چین را به دلیل تحریم‌های آمریکا با مجازات عدم فروش قطعه به آن روبه‌رو کرده است.

اما مستولان شرکت هوآوی به اقدامی بزرگ دست زده و به تولید سیستم‌عاملی بومی برای تلفن‌های هوشمند خود روی آوردند؛ سیستم عامل «هارمونی» که به تازگی نسخه‌های اولیه آن برای استفاده عموم منتشر شده است. در واقع چینی‌ها نه تنها فکری به حال قطع خدمات گوگل برای موبایل‌های خود کردند، بلکه به صورت کامل انحصار شرکت آمریکایی گوگل را با تولید سیستم‌عامل بومی خود شکستند. سیستم‌عاملی که به عقیده کارشناسان، می‌تواند رقیب جدی اندروید در آینده باشد و تحسین فناوران در دنیا را هم در پی داشته است. اقدام دیگر شرکت هوآوی افزایش ظرفیت تولید پردازنده‌های بومی خود با نام «کایرین» است. در واقع هوآوی از مدت‌ها قبل چنین روزهایی را که ممکن است در خرید قطعات سخت‌افزاری از آمریکا با مشکل مواجه شود، دیده بوده است و سال‌هاست که بر روی ساخت سخت‌افزارهای

شبه‌های انحصاری متفاوتی را دنبال می‌کنند. این شرکت‌ها با تبلیغ فروشندگان منتخب و انتخابی خود در بسترهای اختصاصی‌شان، قیمت محصولات خود را کنترل می‌کنند و نوعی بازار را در اختیار خود گرفته‌اند و نمی‌گذارند قیمت‌ها پایین بیاید و مشتریان از قیمت‌های دیگر باخبر باشند. سازمان خرده‌فروشان هند، با شکایت به کمیسیون شکایات این کشور شرکت آمازون را متهم کرده است سعی دارد رقابت را از بین ببرد.

مایکروسافت یک نمونه کامل انحصار طلب به شمار می‌آید. شرکتی که با موفقیت سیستم عامل خود بسا نام ویدئوز، به رقبای خود اجازه عرض اندام نمی‌دهد. به طور مشابه اعم از کسب و کار موتورهای جست‌وجو یا رایانش ابری یا

و مرورگرها کمک مالی کرد تا موتورهای جست‌وجو و سایر برنامه‌های خود را به عنوان برنامه‌های پیش‌فرض قرار دهند. این منجر به از رده خارج شدن موتورهای جست‌وجوی دیگر و افزایش شدید مشترکان موتورهای جست‌وجوی گوگل شد. همچنین ادعاهایی مبنی بر همکاری گوگل و اپل در رقابت با نوکیا و بلک بری وجود دارد.

در حال حاضر بیشتر برنامه‌ها از فروشگاه‌های اپل و گوگل نصب می‌شوند، که این دو شرکت تا ۳۰ درصد از سازندگان برنامه‌ها کمیسیون برمی‌دارند و همین امر صدای اعتراض بسیاری از برنامه‌نویسان را بلند کرده است.

شرکت‌های پیش‌رو در زمینه تجارت الکترونیک، مانند آمازون در هندوستان



اختصاصی خود سرمایه‌گذاری کرده است و امروزه تحریم‌های آمریکا خللی در کار این شرکت ایجاد نمی‌کند، حتی اگر تحریم‌ها تأثیری در کار هوآوی داشته باشند، این تأثیرها بلندمدت نبوده و اثر آنها از بین خواهد رفت.

برگردیم به کشور خودمان، مادر تاریخ فناوری مملو از شروع پروژه‌هایی هستیم که با ادعای بومی‌سازی دست به کار شده‌اند، اما در نهایت با شکست مواجه شده‌اند. از لیتوکس ملی گرفته تا یوز ایرانی که قرار بود به عنوان اولین موتور جست‌وجوی ایرانی به کاربران سرویس دهد. حتی در زمینه سخت‌افزار هم اقدام به تولید تلفن‌های همراه ایرانی کرده‌ایم، اما با شکست مواجه شده‌ایم. چیزی که امروزه نیازمند آن در دنیای فناوری در کشورمان هستیم، سرمایه‌گذاری پروژه‌های فناوری که به دنبال سودهای آتی هستند، سرمایه‌گذاران متخصص و کارشناسان زبده‌ای را که می‌دانند پروژه‌های فناوری بسیار هزینه‌بر است و نیازمند متغیرهای بسیاری است، وارد میدان کنیم. متأسفانه افرادی که تا به حال دخیل بوده‌اند، اعتقادی به کارگروهی نداشته‌اند و دارای ذهن چند بعدی نبوده‌اند، این گونه می‌شود که موتور جست‌وجوی بومی ایرانی از نظر نرم‌افزاری بسیار غنی نوشته می‌شود، اما با کمبود منابع سخت‌افزاری مواجه می‌شود. تا زمانی که باور نکنیم پروژه‌های فناوری بسیار هزینه‌بر هستند، اما چندین برابر آن هزینه سوددهی دارند، نباید امید به ساخت سخت‌افزار و نرم‌افزار کاملاً بومی که در لبه فناوری باشد، داشته باشیم. امید است با روی کار آمدن آمدن وزیر جوان ارتباطات و فناوری اطلاعات که بر خلاف پیشینیان متخصص این زمینه است و تخصص رایانه و فناوری دارد، جهشی در فناوری و دنیای صفر و یک کشور شاهد باشیم.

ایستاده در برابر غول‌ها

پر اباهات سین‌ها

کارشناس فناوری اطلاعات

در طول بیماری همه‌گیر کرونا، شرکت‌های بزرگ فناوری اطلاعاتی مانند گوگل، آمازون اپل فیس بوک و مایکروسافت فعالیت‌های خود را در زمینه گسترش تجارت و تسلط بر انحصار تسریع کرده‌اند. در نتیجه دولت‌ها در چندین کشور بزرگ، از جمله ایالات متحده و هند اصلاح قوانین قدیمی و وضع قوانین جدید را برای مهار انحصار این شرکت‌ها آغاز کرده‌اند.

جنگ انحصاری در شرکت‌های فناوری بسیار رایج شده است. گوگل، به اپل و دیگر شرکت‌های تولیدکننده تلفن همراه، اپراتورها

پژواک

وصله امنیتی

جاسوسی صهیونیست‌ها ادامه دارد



«اپل» یک وصله امنیتی برای سیستم عامل خود عرضه کرد تا جلوی جاسوسی «پگاسوس» را از گوشی‌های آیفون بگیرد. به روزرسانی سیستم عامل با هدف برطرف کردن دو آسیب‌پذیری انجام شده که یکی از آنها مربوط به پیام‌سان آی مسیج اپل است و صهیونیست‌ها از آن برای سرقت اطلاعات کاربران آیفون استفاده

می‌کنند. جاسوس‌افزار پگاسوس در ماه‌های اخیر به علت نفوذ به هزاران گوشی آیفون متعلق به فعالان سیاسی، رؤسای جمهوری و مستولان سیاسی کشورهای مختلف جهان رسوایی گسترده‌ای برای رژیم صهیونیستی به بار آورده است.

نرم افزار

جیم شو

رژیم و ورزش در خانه



«جیم شو»، اپلیکیشن تخصصی کالری‌شمار، رژیم و ورزش در خانه است که با استفاده از سال‌ها تجربه متخصصان و همچنین تجزیه و تحلیل دقیق نیازمندی‌های عموم افراد، ورزشکاران و مربیان طراحی شده است. کاهش و افزایش وزن اصولی و صحیح با رژیم کالری‌شمار، یکی از بهترین و استانداردترین رژیم‌های شناخته شده در جهان است. این رژیم بر اساس میزان نیاز بدنی شما به کالری تنظیم می‌شود. در کالری‌شمار جیم شو، می‌توان با تعیین هدف به منظور افزایش و کاهش وزن به وزن ایده‌آل رسید.

خبر خوب

بین جو

بومی‌سازی آموزش برخط



نخستین سامانه مدیریت آموزشی بومی کشور بر پایه مدل یادگیری معکوس با تلاش دانش‌بنیان‌ها طراحی شد. «بین‌جو» نام این سامانه است که فضای نامحدود ابری را در اختیار استادان، دانشگاه‌ها، مدارس، سازمان‌ها و نهادها قرار می‌دهد. آنها با استفاده از این فضا محتواهای ویدئویی و

فایلی خود را به صورت دسته‌بندی شده و به تفکیک به مخاطب ارائه می‌دهند. همچنین امکان اشتراک‌گذاری محتواها به وسیله QR کد چاپی در این سامانه در اختیار کاربران قرار می‌گیرد.

غربت دفاع ماندگار

نقدی بر غفلت رسانه ملی و سینما از یک برهه تاریخی

نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ



بیش از ۷۰ سال از پایان جنگ جهانی دوم می‌گذرد، اما هنوز که هنوز است برای آن جنگ بی‌هدف و پوچ فیلم می‌سازند و کتاب می‌نویسند و مرثیه‌سرایی می‌کنند. آن هم نه هر فیلمی یا هر کتابی! فیلم‌هایی می‌سازند که برایش زحمت می‌کشند، هزینه می‌کنند یا بهتر است بگوییم بسیار هزینه می‌کنند. بهترین کارگردانان و نویسندگان و تجهیز اتشان را هم برای این کار استخدام می‌کنند تا فیلم‌های برتری از نظر داستان و تکنیک، مانند «نجات سرباز رایان» و «فهرست شیندلر» و... را برای شان بسازند و همه این دست و پا زدن‌ها در حالی است که بیش از ۷۰ سال از آن واقعه گذشته است. اما از جنگ تحمیلی یا به تعبیر دقیق‌تر «دفاع مقدس» ما فقط ۳۳ سال گذشته است، آن هم نه جنگی مشابه جنگ‌های معمول در دنیا، بلکه دفاعی نابرابر با دست‌های خالی و با چنگ و دندان و البته با جهان‌بینی توحیدی. بارز ماندگانی که در هیچ جای دنیا و در هیچ جنگی نظیر شان دیده نشده است. اگر در فیلم پرهزینه‌ای، مانند «نجات سرباز رایان»، رایان تنها یک نفر و آن هم زاینده تخیل نویسنده است یا در نهایت آنقدر نمونه واقعی‌اش کم است که شاید به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد، اما در کشور ما صدها خانواده هستند که برای دفاع از اسلام و کشورشان، نه دو یا سه فرزند، بلکه چهار فرزند و بیشتر از آن را نیز تقدیم کرده‌اند. متأسفانه نه برای به تصویر کشیدن شان، عزمی وجود دارد و نه هزینه‌ای برای این کار صرف می‌شود. آنقدر مشکلات رنگارنگ و بهانه‌های گوناگون در برابر سازندگان

آثار دفاع مقدسی-اعم از فیلم کوتاه، فیلم سینمایی، سریال و... وجود دارد که گاهی عظیم‌تر از به لقای آن می‌بخشند و به سراغ ژانرهای دیگر می‌روند. این در حالی است که حمایت از تولید چنین آثاری، حمایت از عزت و شرافت یک ملت است و نباید اینطور مورد بی‌مهری قرار بگیرد.

♦ **بی‌عملی رسانه ملی و یک توجیه عجیب**
در گیر و دار رکود آثار سینمایی، تلویزیون هم چند سالی است که این حوزه را به حال خودش رها کرده است و اگر در این مدت چند اثر انگشت‌شمار نبودند، می‌توان گفت در چند سال اخیر دست رسانه ملی در این حوزه بسیار خالی بوده است و دست سازندگان چنین آثاری هم به همین ترتیب!

موضوع زمانی جالب می‌شود که گاهی هزینه‌های زیادی صرف سریال‌های بی‌محتوا و پوچ می‌شود، یا سریال‌هایی که سراسر غصه و ناامیدی هستند و روح و روان و جامعه را می‌خورند، اما وقتی نوبت به سریال‌های دفاع مقدسی می‌رسد، مدیران ادعای شان این است که الان مردم به سریال‌های

کم‌دیی و طنز نیاز دارند! بله؛ هر کدام سر جای خودش، اما خالی بودن کنداکتور رسانه ملی از کارهای دفاع مقدسی، آن هم در طی چند سال متوالی، چند گام رو به عقب برای آن به شمار می‌آید و توجیحات اینچنینی هم نمی‌تواند آن را بیوشاند.

اگر هم در این چند سال کاری در این حوزه ساخته شده، یا آنقدر ضعیف بوده یا آنقدر غیرمستقیم به موضوع دفاع مقدس پرداخته که نمی‌توان نام کار دفاع مقدسی بر روی آن گذاشت. در حالی که مردم هنوز هم مشتاق شنیدن و دیدن داستان‌هایی از فرزندان دیربوز و پدران امروز خود هستند که با شجاعت راه را بر دشمن بستند.

♦ **گنجینه قصه‌های جذاب**
استقبال مخاطبان از سریال‌های «کیمیا»، «شوق پرواز» و «در چشم باد» در حدود ۱۵ سال گذشته، نشان می‌دهد مردم این گونه سریال‌ها را دوست دارند، اما به شرط آنکه با قصه‌های خوب و فرمی جذاب تولید شده باشد. «قصه خوب» آنقدر در لایه‌های وصیت‌نامه



شهیدان و کتاب‌های خاطرات رزمندگان وجود دارد که حتی نیاز نیست فیلمنامه‌نویس به خودش زحمت این را بدهد که داستانی ویژه و به دور از واقعیت بسازد؛ کافی است به زندگینامه جذاب شهیدان سری بزنیم که هر کدام‌شان می‌توانند اسطوره‌ای برای جوانان امروز باشند، آن زمان می‌توان از زندگی هر یک از آنها بهترین و ماندگارترین سریال‌ها را ساخت. به اعتقاد کارشناسان‌های حوزه، صدا و سیما و مدیران رسانه ملی باید هر سال حداقل یک سریال دفاع مقدسی را در برنامه ساخت و پخش خود داشته باشند.

قطعاً تاریخ دیربوز و امروز هر کشوری، آینده آن کشور را رقم خواهد زد. بنابراین زمانی که یک نوجوان دهه هشتادی که امروز در سنن بلوغ و تحولات عمیق روحی است، جلوی تلویزیون می‌نشاند، اما به دلیل محتوای ضعیف و تولیدات پراکنده، هیچ تصویر ذهنی روشنی از تاریخ پرافتخار و کم‌نظیر کشورش در سه دهه قبل تر ندارد، نمی‌توان در آینده از چنین کسی خواست که دغدغه عزت کشورش را داشته باشد.

۱۳ فرهنگ

شماره ۱۰۱۶ | دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰

صداقت

تاریکخانه

حمایت در پساکرونا

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار



دولت سیزدهم در حالی در اولین ماه فعالیت خود، بسته حمایتی از اهالی فرهنگ و هنر را تصویب کرده که در طول ۱۹ ماه از آغاز بحران کرونا، یکی از اقل‌شاه‌های لطمه شدیدی از این بحران دیده‌اند، اهالی سینما، تئاتر، موسیقی و سایر اقل‌شاه‌های حوزه فرهنگ و هنر بوده‌اند. قشری که در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم از کمترین حمایت‌ها برخوردار بوده‌اند، حالا در آغاز دولت جدید، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سینماها در طول ۱۹ ماه گذشته تعطیل بوده، سالن‌های تئاتر هم همین‌طور. کنسرت‌ها هم از اولین جاهایی بودند که به تعطیلی کشانده شدند. البته رسانه‌ها هم حال و روز خوشی در این ایام نداشته‌اند و تعداد زیادی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران شغل خود را از دست داده‌اند. هنرهای تجسمی هم که به دلیل شرایط کرونا، کسب و کار خود را از دست داده‌اند. شاید تنها صنعت فرهنگی که در این دوران، اندک رقمی به واسطه نشر الکترونیک و آن هم حمایت‌های دولتی برایش باقی مانده، صنعت کتاب است که آن هم با گرانی شدن کاغذ و مشکلات نشر، روزگار چندان خوبی ندارد. همه اینها نشان می‌دهد جان‌چندانی نه برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری و نه برای اهالی آن باقی نمانده است و اگر به سرعت به دادشان نرسند، شاید چیزی از جریان فرهنگی و هنری کشور باقی نماند.

وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تصویب بسته حمایتی از اهالی فرهنگ و هنر، گفته است: «در سال گذشته اقداماتی در راستای ارائه تسهیلات به اصحاب فرهنگ و هنر رقم خورده است، اما به اندازه‌ای نبوده است که بتواند بخش زیادی از نیازهای این قشر از جامعه را پاسخگو باشد؛ در بین اصحاب فرهنگ و هنر اهالی سینما و تئاتر و به ویژه تئاتری‌ها بیشترین آسیب را دیدند؛ اما با این وجود دولت در صدد است تا این آسیب‌ها را جبران کند.» تولید آثار فاخر فرهنگی و هنری به انگیزه، حمایت مالی و شرایط مساعد نیاز دارد؛ واقعیت این است که در طول ۱۹ ماه گذشته، هیچ اثر در خوری در حوزه فرهنگ و هنری کشور خلق نشده است. به جز تولیدات شبکه نمایش خانگی آن هم با حاشیه‌هایش، حوزه سینما و نمایش نتوانسته تولید در خوری داشته باشد. موسیقی که به حاشیه رفته، حوزه چاپ و نشر هم بیش از آنکه تألیف داخلی‌ها باشد، معطوف به آثار ترجمه بوده است. رسانه‌های کاغذی که به واسطه گرانی کاغذ و بی‌ربوبی مردم یا حذف شده یا بسیار ضعیف شده‌اند. رسانه‌های نوین هم به واسطه مشکلات مالی، نتوانسته‌اند به تولیدات تحلیلی و جدی برای جذب مردم بپردازند و بیشتر از پرداختن به اولویت‌های اصلی، درگیر روزمرگی‌ها شده‌اند. حالا، تصویب حمایت‌های جدید در دولت سیزدهم، بارقه‌های امید را ایجاد کرده است تا هم‌زمان با توسعه واکسیناسیون و امیدها برای پایان بحران کرونا، دوباره اهالی فرهنگ و هنر بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند. هر چند این گلابه همچنان وجود دارد که مردم در این دوران سخت، بیشتر به حضور اهالی فرهنگ و هنر در کنار خودشان نیاز داشتند، اما شاید وضعیت سخت اقتصادی، امکان حضور و فعالیت را از این قشر هم گرفته بود.

برداشت

ما و میراث نیاکان

نگاهی به اهمیت زبان مادری به بهانه روز بزرگداشت زبان و ادب فارسی

بین مادران.

نکته جالب در نامگذاری این روز، این است که «شهریار» اصالتاً آذری‌زبان بوده و اشعار ترکی او دست کمی از اشعار فارسی‌اش ندارند، اما با وجود این هویت اصیل آذری، به اهمیت زبان و ادب فارسی به عنوان زبان ملی ایرانیان و دومین زبان جهان اسلام از عمق وجود باور داشته و اشعار فارسی باصلاطت و کم‌نظیر او، از این باور عمیق و میراث‌داری آگاهانه‌اش حکایت دارد. حالا و با این یادآوری، باز هم باید سؤال چند خط قبل‌تر را دوباره با خودمان تکرار و مرور کنیم که نسبت ما فارسی‌زبانان این دوره و زمانه، با «زبان فارسی» به

عنوان «دُر شیرین ذری» و یادگار نیاکان ما که سند روشن هویت ملی امروز ماست، چیست. اگر قرار باشد به این سؤال واقع‌بینانه و بدون تعارف پاسخ بدهیم، باید بگوییم این نسبت اگر «تقریباً هیچ» نباشد، حداقل فرسنگ‌ها دور از انتظار است؛ برای اثبات این ادعا هم کافی است نیم‌نگاهی به اطراف‌مان بیندازیم و فی‌المثل ببینیم، چند نفر از نوجوانان و جوانان این دوره و زمانه با اشعار حافظ و سعدی و مولوی مانوس هستند یا حداقل آشنایی نسبی می‌توانند پیدا کنند، یا بیت از اشعار این قله‌های شعر و ادب فارسی را بدون غلط و از حفظ و البته با توجه به مضامین

آنها بخوانند یا اینکه اصطلاحات بیگانه و وارداتی چقدر سر زبان مردم ملبه‌ویژه جوانان و نوجوانان- افتاده و تأسف‌بارتر اینکه این فرنگی‌مآبی در بیان و گفتار را نشانه تمدن و پیشرفت می‌دانند! از این دست سؤالات زیاد است و البته جواب آن چندان امیدوارکننده نیست و به یک نکته برمی‌گردد که خیلی وقت است، نه ما مردم و نه مسئولان و نخبگان، حواس مان نیست که «زبان» سند هویت ملی ماست و اگر مراقبش نباشیم، در طی چند دهه از بیس می‌رود و زبان که از بین برود، هویت ملی هم کم‌کم به تاراج خواهد رفت.

حسین مهریزی

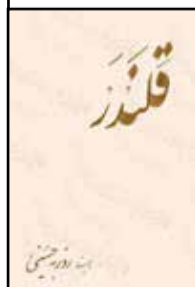
خبرنگار فرهنگی

۲۷ شهریور، سالروز درگذشت شاعر شیرین‌سخن آذری‌زبان، استاد محمدحسین بهجت‌تبریزی یا همان «شهریار» نام‌آور شعر و ادب فارسی، چند سالی است که از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان روز بزرگداشت زبان و ادب فارسی نامگذاری شده است تا بهانه‌ای باشد برای یادآوری هر ساله این نکته که میراث دیرین مادری ما، امروز چه جایگاهی در

کتاب

قلندر

انتشار یک نمایشنامه عاشورایی



نمایشنامه «قلندر» با طرح قصه‌ای در آیین پهلوانی، با مضمونی عاشقانه، آغاز و طی روندی دو ساله به رشته تحریر درآمده است. کتاب‌های عرفانی و تاریخی، ادبیات و سیاست به شکل شعر و نثر، از قرن چهارم هجری تا دوران زندگی، بستر پژوهش این اثر بوده است و جغرافیایی حقیقی در اواخر دوران زندگی در شهر نشانک

کاشان را شکل داده است. این اثر در برهه‌ای از تاریخ است که با قصه‌ای خیال‌انگیز، روایتی دیگر از عاشورایی دیگر، در زمانه‌ای دیگر، با قهرمانانی که نبرد خیر و شر را رقم می‌زنند و روایتی عاشقانه و ایرانی در عشق به راه حسین (ع) را به تصویر می‌کشد.

سریال

تب و تاب

مجموعه جدید شبکه دوم سیما



مهدی شفيعی، تهیه‌کننده سریال «تب و تاب» اعلام کرد: «تصویربرداری سریال «تب و تاب» با موضوع ملودرام اجتماعی از روز ۲۱ شهریورماه با ضبط صحنه‌های خارجی آغاز شد. این سریال با موضوع خانواده ایرانی و توجه به سبک زندگی آماده می‌شود.» وی افزود: «در این مجموعه تلاش شده است تا موضوعاتی را که خانواده با آن درگیر است، در بستر یک ملودرام اجتماعی روایت کنیم.» سریال «تب و تاب» در گروه فیلم و سریال شبکه دو سیما تولید می‌شود. نویسندگی سریال پر مخاطب «اغما» از آثار مهم داریوش مختاری است.

کتاب

اهالی اینجا

روز نوشته‌های یک موبک اربعینی



«اهالی اینجا» روزنوشته‌هایی از بخش بانوان یک موبک اربعینی در کربلاست که انتشارات «شهید کاظمی» آن را روانه بازار کرده است. این اثر روایتی مستند و داستانی از شروع حرکت کاروان خدام موبک حضرت فاطمه معصومه (س) از قم تا کربلاست که تمامی اتفاقات این موبک را به تصویر کشیده است.

موبک حضرت فاطمه معصومه (س) که از سال ۱۳۹۳ تأسیس شده و در کربلائی معنی استقرار پیدا کرده است، هر ساله با خدمات‌رسانی به ده‌ها هزار نفر از زائران سیدالشهدا (ع) توانسته است نقش بسزایی در این راهپیمایی عظیم اربعین حسینی ایفا کند.

یادداشت

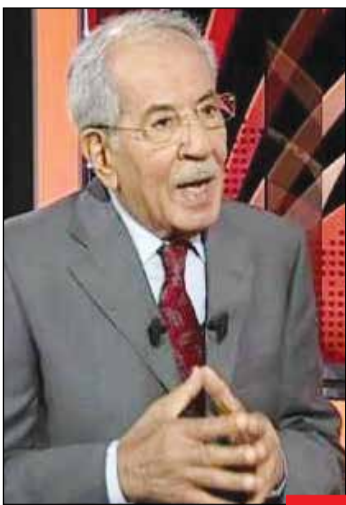
راز پیروزی‌های بزرگ

حمید بنا

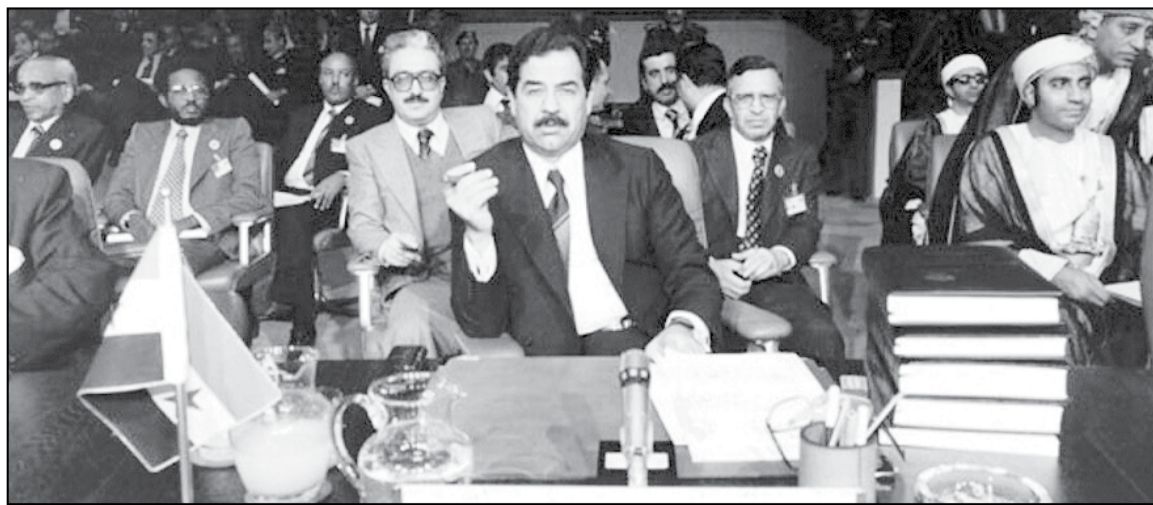
پژوهشگر دفاع مقدس



اصطلاح «جنگ شهرها» یک مفهوم تخصصی نظامی به معنای حمله هوایی، موشکی و توپخانه‌ای دشمن به مناطق مسکونی است. عراق در دوران دفاع مقدس بارها از این ترفند ناجوانمردانه برای پیشبرد اهدافش استفاده کرد تا «مقاومت ملی» و «همبستگی» ایرانی‌ها را درهم بشکند. جنگ شهرها یکجور عملیات روانی برای فاصله انداختن بین مردم و حاکمیت به حساب می‌آمد. حملات بعضی‌ها به شهرهای ایران در زمستان ۱۳۶۵ اوج گرفت. بدیهی است که درگیر شدن مستقیم شهرها با جنگ، بخش زیادی از توان و انرژی دولت ایران را به جای محورهای عملیاتی به داخل کشور بکشاند. البته این گونه نبود که حملات بعضی‌ها به شهرهای ما بی‌جواب بماند؛ ولی قدرت موشکی آنها با توجه به حمایت‌های خارجی بسیار بیشتر و بالاتر از ما بود. از این گذشته صدام به هیچ آیین و قانونی پایبندی نداشت و در نهایت شقاوت و سنگدلی مردم بی‌پناه را هدف قرار می‌داد. با این همه حضرت امام (ره) با صراحت به نیروهای نظامی مان دستور داده بودند که مبادا گلوله‌ای روی سر مردم بی‌گناه و غیرنظامیان بیفتد. دشمن می‌دانست مادامی که مردم حامی و پشتیبان حکومت هستند، ایران شکست ناپذیر خواهد ماند. با همین مبنا، آتقرد دامنه تجاوزاتش را گسترش داد تا ظرف تاب‌آوری و تحمل مردم ایران لبریز و واژگون شود و به اصطلاح کم‌بیاوردن. به این وضعیت محاصره اقتصادی را هم باید اضافه کنیم. مقامات جمهوری اسلامی ایران هم خواهان اتمام جنگ بودند، اما طرف مقابل هیچ تضمینی برای پایان دادن به تجاوزاتش نمی‌داد. افزون بر این، تجربه چند ساله ما نشان می‌داد اعتماد کردن به دیوانه‌های مانند صدام توجیه عقلانی ندارد. دنیا هم حاضر نبود عراق را شروع کننده و جنایتکار جنگی بداند و حق ملت ما را از بعضی‌ها بگیرد. ما نمی‌توانستیم از دفاع دست برداریم. در واقع صدام به دنبال «تحمیل کردن صلح» به ایران بود. چهار، پنج ماه بعد، یعنی در تیرماه ۱۳۶۶ شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرد. این بار ایران روی خوش به قطعنامه جدید نشان داد، اما بعضی از بندهای آن را نپذیرفت. از تابستان ۱۳۶۶ به بعد آمریکا به طور مستقیم وارد جنگ با ایران شد. با حضور نظامی ارتش ایالات متحده در خلیج فارس، نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری ما هم در معرض خطر قرار گرفتند. یک سال بعد یانکی‌ها هواپیمای مسافربری ما را نشانه گرفتند؛ بعید است جنایت بی‌شرمانه آنها از حافظه تاریخی بشر پاک شود. چند روز پس از این فاجعه هولناک مذاکرات دیپلماتیک ایران به نتیجه رسید و ما رسماً قطعنامه ۵۹۸ را نپذیرفتیم. جنگ که ظاهراً تمام شد و رزمندگان جبهه را ترک کردند، صدام مثل لشکر کشید. منافقین هم این بار با ساز و برگ نظامی به یاری بعضی‌ها آمدند. انگار نه انگار که قطعنامه‌ای تصویب شده و ایران سلاحش را روی زمین گذاشته است. هر چند صدام در خواب پنبه‌دانه دیده بود و ایران با همان «روحیه جهادی» معروف و بازگشت رزمندگان به جبهه توطئه‌سنگین منافقین و عراقی‌ها را خنثی کرد. راز پیروزی‌های بزرگ، حفظ روحیه جهادی، همبستگی و مقاومت ملی است؛ چیزی که دشمن هر روز و هر شب برای آن بین بردن تلاش می‌کند. آن‌وقت‌ها با شکردهای نظامی و این روزها با هزار و یک قصه دیگر...



صلاح عمر العلی



بازخوانی روایت یکی از نیروهای دشمن در بررسی این موضوع که چه کسی آتش جنگ تحمیلی را روشن کرد

فرصت تاریخی صدام چگونه از دست رفت؟

زینب گل‌محمدی

پژوهشگر دفاع مقدس

«از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند. این دوره، دوره ذخیره نیروی محرکه تاریخ و الهام‌بخش امت‌هاست.» این یکی از صدها جمله‌ای است که رهبر معظم انقلاب درباره دفاع مقدس بیان فرموده‌اند؛ اما جزئیات این دوران، فقط خاطرات رزمندگان ایرانی نیست و باید این جزئیات را در بیان نیروها و فرماندهان آن‌سوی میدان هم بررسی و کنکاش کرد.

در این مجال و در آستانه هفته دفاع مقدس، به سراغ روایت «صلاح عمر العلی» رفته‌ایم. کسی که در آغازین سال‌های جنگ، نماینده دائم کشور عراق در سازمان ملل بود و بعد از مدتی در اعتراض به جنگ تحمیلی، از سمت خود استعفا داد و به یکی از مخالفان رژیم صدام تبدیل شد.

در حاشیه نشست عدم تعهد در تابستان سال ۱۳۵۸، صدام با وزیر خارجه وقت ایران (ابراهیم یزدی) دیدار کرد. صلاح عمر العلی نیز در این دیدار حضور داشت. وی می‌گوید: «وقتی این دیدار انجام شد، جنگ شروع نشده بود اما مشکلات زیادی بین دو کشور وجود داشت. در روز اول کنفرانس، نماینده ایران در سازمان ملل با من تماس گرفت. البته او یک کارمند معمولی بود، چون نماینده ایران در سازمان ملل از طرف نظام شاهنشاهی منصوب شده بود و بعد از انقلاب اسلامی، او را کنار گذاشته بودند و به صورت موقت شخص دیگری جایش را گرفته بود. این شخص به من اعلام کرد که وزیر خارجه ایران مایل است صدام حسین را ببیند. من

هم طبعاً بنا به سلسله‌مراتب اداری با دکتر سعدون حمادی، وزیر خارجه وقت عراق تماس گرفتم و تمایل وزیر ایرانی را به اطلاع او رساندم. سعدون حمادی نپذیرفت که این موضوع را به صدام بگوید. البته من خیلی اصرار کردم.

سعدون حمادی شخصی دانشگاهی، روشنفکر، نویسنده‌ای معروف و کسی بود که سال‌های بسیار طولانی در وزارت خارجه حضور داشت، اما نمی‌دانم چرا نپذیرفت که این موضوع را با صدام مطرح کند. هر چند من با هر وسیله‌ای که در اختیار داشتم تلاش کردم درباره این مسئله بسیار مهم قانع‌ش کنم و به او بفهمانم که ما به این بحران بین خودمان و ایران نیازی نداریم.

خلاصه خودم شخصاً به دیدن صدام حسین رفتم و موضوع را با او مطرح کردم. صدام هم بعد از مدتی تردید و پس از کمی تأمل پذیرفت، ولی قبلاًش از من پرسید: «نظر تو چیست؟ مشخصاً درباره این پیشنهاد چه نظری داری؟» من هم گفتم: شخصاً معتقدم این یک فرصت بی‌نهایت مهم است و باید از آن استفاده کنیم. پیشنهاد هم از طرف ایران بوده و ما دو کشور همسایه‌ایم و دلیلی ندارد که با ایران مشکل داشته باشیم. ایران کشور همسایه ماست که در آن، یک سری مشکلات و ناآرامی‌ها وجود دارد و...»

صدام هم پذیرفت و گفت به وزیر خارجه ایران اطلاع بده بعد از پایان جلسه کنفرانس. من در همان منزلی که در آن ساکن هستم، پذیرای او خواهم بود. هنگامی که دکتر ابراهیم یزدی آمد، من از درب ورودی به استقبالش رفتم. به صدام سلام کرد و خودمان تنها نشستیم؛ صدام حسین و ابراهیم یزدی و من. بحث پیرامون مشکلات موجود بین دو کشور شروع شد و بحث دیپلماتیک صد درصد مثبتی بین دو طرف صورت گرفت؛ صد درصد مثبت.

پیشنهادهایی که ابراهیم یزدی به صدام می‌داد به صورت غیرمعمولی مناسب بود. ایران حقیقتاً می‌خواست هر طور شده از بروز جنگ جلوگیری کند.

صدام حسین هم در آن جلسه صحبت‌هایش مثبت بود و با دیپلماسی عالی بحث می‌کرد و به حرف‌های ابراهیم یزدی عکس‌العمل مثبت نشان می‌داد، تا جایی که پیش از خاتمه جلسه، توافق کردند که تبادل هیئت‌های دیپلماتیک را آغاز کنند.

ابراهیم یزدی گفت: اگر شما مایل باشید، ما حاضریم که علنی یا مخفیانه، هیئتی به ایران بفرستیم. صدام حسین هم بی‌نهایت مثبت برخورد می‌کرد. جلسه در این حد تمام شد. برگشتم پیش صدام و دیدم که منتظر من است تا مرا با خود به بیرون سالن ببرد. در باغ یک استخر بود. از همراهان خواست صندلی بیاورند. من و صدام نشستیم. چند لحظه‌ای به سکوت گذشت. من چشم دوخته بودم به آب استخر و او هم نمی‌دانم به چه فکر می‌کرد. بعد از مدتی رو به من کرد و گفت: به چه فکر می‌کنی صلاح؟ خیلی رفته‌ای توی فکر... گفتم: راستش من هنوز توی جو دیدار هستم و خیلی خیلی خوشحال و خرسندم. واقعا من الان خیلی خوش‌بین هستم که این بحران بین دو کشور، ان‌شاءالله به زودی تمام خواهد شد.

می‌خواستیم با این حرف‌ها، این جهت‌گیری برداشت را در صدام هم تقویت کنیم. صدام حسین سکوت کرد و ابداً حرفی نزد. بعد از چند لحظه رو به من کرد و گفت: صلاح! چند سال است در زمینه دیپلماتیک فعالیت می‌کنی...؟ گفتم: حدود ده سال... بعد چیزی گفت که غافلگیرم کرد. گفت: صلاح! این دیپلماسی خراب نکرده است؟ گفتم: می‌خواهم راستش را بگویم. من اهمیت این را که ملی‌گرا و وطن‌دوست باشم، فقط وقتی حقیقتاً درک

کردم که از عراق بیرون رفتم و وارد کار دیپلماتیک شدم. آن وقت بود که فهمیدم چطور باید ملی‌گرا و وطن‌دوست باشم و چطور از وطنم دفاع کنم. بنابراین حس می‌کنم که الان یک شهروند درست و حسابی شده‌ام. حالا روی چه حسابی به من می‌گویند دیپلماسی خراب کرده است...؟ گفتم: انتظار داری بگویم خراب نیستی؟ در حالی که داری این طور درباره ایران حرف می‌زنی...»

اینجا بود که احساس سرخوردگی کردم. ادامه داد: کدام صلح؟ کدام حل مشکل بین ما و ایران؟ صلاح! این فرصت شاید در هر قرن یک بار هم پیش نیاید. آنها (ایرانی‌ها) اهواز را از ما امت عرب (!) گرفتند؛ شط العرب (اروگرد) را از ما گرفتند، به ما تعدی کردند، تهدیدمان می‌کنند، انقلاب‌شان را به کشور ما صادر می‌کنند. الان ما فرصت مناسبی داریم؛ آنها از هم فرو پاشیده‌اند، ارتش‌شان تکه تکه است، نیروهای‌شان پراکنده شده، بین خودشان درگیرند، برخی‌ها برخی دیگر را می‌کشند، پس ما الان فرصتی تاریخی در اختیار داریم تا همه حقوق‌مان را بازگردانیم و این را به تو می‌گویم، خودت را به عنوان نماینده عراق در سازمان ملل آماده کن! من می‌خواهم بروم و به آنها ضربه‌ای بزنم که همه کره زمین صدایش را بشنوند و همه حقوق‌مان را به صورت کامل بازپس بگیرم.

این حرف‌ها تنها چند هفته بعد از سیزده صدام بر قدرت به صورت مطلق و کنار زدن البکر و نشستن به جای او به عنوان رئیس‌جمهور در سپتامبر ۱۹۷۹ بود. این حرف‌ها در هفته سوم سپتامبر بود و صدام در ۲۲ سپتامبر (۱۹۸۰) جنگ را آغاز کرد؛ یعنی تقریباً یک سال کامل بعد از آن دیدار با ابراهیم یزدی. مردم می‌پرسند چرا صدام این جنگ را به راه انداخت؟ من حقیقتاً نمی‌توانم جوابی به این سؤال بدهم. ❁

تازه‌ها

خاطرات اسماعیل

کتاب «خاطرات نادری» به همت مهدی علمبرادری در انتشارات سورمه مهر منتشر شد. این کتاب، خاطرات خودنوشت اسماعیل نادری، یکی از فرماندهان شجاع و مخلص دوران دفاع مقدس است. وی بخشی از خاطرات خود را به صورت روزنوشت گردآوری کرده بود که نویسنده اثر با خواندن این خاطرات، برای نگارش زندگی‌نامه وی اقدام کرد. این نوع کتاب‌ها می‌توانند سند مهمی در زمینه وقایع هشت سال دفاع مقدس باشند؛ به گونه‌ای که آیندگان با مطالعه این کتاب‌ها خواهند فهمید چه بر سر مردم ایران و فرماندهان دفاع مقدس در دوران جنگ تحمیلی آمده است. قیمت این کتاب ۱۸۵ هزار تومان است.



خاطره

عطر شهدا



شهدا یک روز آنجا مانده بودند، اما فرمانده می‌گفت کسی حق ندارد شهدا را عقب بیاورد. ۲۵ تا ۳۰ کیلومتر از ما فاصله داشتند. سر یک سهرای بودیم و دشمن از همه جهت بر ما دید داشت. خیلی به داعش نزدیک بودیم. شهید حسین براتی محور عملیاتی حمام مسئول عملیات سیدحکیم تنها کسی بود که جرئت کرد طناب به خود ببندد و شهدا را به عقب بیاورد. حین حمل شهدا از مسئول ادوات خواستیم تا هر دو دقیقه یک خمپاره بیندازد. سید جاوید، شهید خلیلی و یک نفر دیگر پشت دیوار مانده بودند. بچه‌ها ۱۰ روز کانال آبی کردند، اما به سیدجاوید نرسیدند تا اینکه پس از یک عملیات دیگر که تقریباً دو هفته بعد از آن موفق شدند تا این سه شهید را برگردانند، موفق شدند و این سه شهید را پیدا کردند و جالب این است که تغییرات فیزیکی و آب و هوایی هیچ تأثیری بر جسم شهدا نگذاشته بود. تنها عطر خوش پیکر شهدا بود که به مشام می‌رسید.

راوی: سیدعلی موسوی از فرماندهان لشکر فاطمیان

قاب

مثل گذر ابر



گلوله‌ها و بمب‌های سربازان می‌ریخت. خانه‌های مان خراب شده بود. دیگر نمی‌شد برای لحظه‌ای آرام بخوابیم. مدام انفجار، مدام بی‌قراری. آوازه شدیم به دل کوه و بیابان، اما لیخندهای مان را فراموش نکردیم. ایستادیم و مقاومت کردیم؛ ایستادیم و لبخند زدیم به روزگار سختی که خیلی زود گذشت؛ مثل گذر ابر در آسمان...

اوج انسانیت

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

اجداد ما خیلی پایبند به روضه بودند، حتی زمان رضاشاه ملعون که روضه‌ها را تعطیل کرد، می‌رفتند روضه می‌انداختند در خانه‌هایی که ته کوچه‌ها باشد و دو تا در داشته باشد، مثلاً یک در خانه به این محله، یک در خانه به آن محله که اگر پلیس‌های رضاخان ریختند، اینها از آن در بتوانند فرار کنند. اینهایی که می‌گویم خانه خودمان هم در کاشان این طور بود.

خانه ما ته کوچه بود و دو تا در داشت، یک درش به یک محله، یک درش به یک کوچه دیگر در یک محله دیگر و زمان راهپیمایی هم در انقلاب باز محل استفاده قرار گرفت، از این در می‌آمدند، از آن در فرار می‌کردند تا گیر پلیس شاه نیفتند، ولی این را نگه می‌داشتند. نباید بگذاریم شهدا فراموش بشوند. جمله قشنگی است از یکی از فرهیختگان، می‌گفت: «آنها که رفتند کار حسینی کردند، آنهایی که ماندند باید کار زینبی کنند، وگرنه یزیدی هستند.» جمله خیلی قشنگی است،

درست هم هست. قدیمی‌ها دور هم می‌نشستند، روضه بود و اطعام بود و شام و ناهار، آن وقت دور هم می‌نشستند، هم یادی از امام حسین (ع) می‌کردند، هم دو تا آیه و حدیث یاد می‌گرفتند، هم شام و ناهار می‌خوردند. اینها ور افتاده است. اول خود امام سجاده (ع) حدود بیست سال، هر جا، به هر مناسبتی گریه می‌کرد... یعنی هی کربلا را مطرح می‌کرد.

اشک هم باید بر اساس معرفت باشد. قرآن کلمه اشک را که می‌گوید، می‌گوید اشکی بر اساس شناخت «الدَّمْعُ مِمَّا عَرَفُوا» (مانده/۸۳)، یعنی اشک بر اساس معرفت. آخر بعضی‌ها ممکن است گریه بکنند؛ ولی معرفت لازم را نداشته باشند. خود روضه خیلی‌ها را عوض کرده، خود روضه افرادی بودند که با دین سر و کاری نداشتند، آمدند نشستند که امام حسین (ع) از گودی قتلگاه گفت: کار به ناموس من نداشته باشید، شما بیابید من را بکشید، چرا حمله کردید به خیمه‌ها؟ یعنی آخرین

جمله امام حسین (ع) که گفت و شهید شد، اینکه ناموس، غیرت ناموسی... خود این کلمات امام حسین (ع)، بر خوردهای امام حسین (ع)، نماز امام حسین (ع) آموزنده است. روز عاشورا سسی تا تیر به امام حسین (ع) زدند، مگر یک دو رکعت نماز چند تا کلمه دارد که سی تا تیر؟ یعنی چه؟ یعنی نماز، اصلاً چرا آمد بیرون نماز بخواند؟ مخصوصاً آمد بیرون خواند، مردم ببینند، سی تا تیر را با جانش خرید، مردم ببینند، دو رکعت نماز سی تا تیر ولی باز هم می‌ارزد، رابطه با خدا در اوج است.



توجه دین به طعام

ایمان معینی

کارشناس علوم اسلامی



یکی از آموزه‌های دوران کرونا برای ما باید «تغییر سبک زندگی» باشد. تغییری اساسی و بنیادین در تمام جهان که به حلال و حرام الهی منتهی می‌شود. انسان برای حیات معنوی خود به استفاده از نعمات مادی نیاز دارد.

خداوند در استفاده از نعمات مادی هم نیاز قرار داده است و هم لذت که هر یک بحث‌های متفاوتی دارد. در قرآن کریم به موضوع خوردن و آشامیدن توجه زیادی شده که بیش از ۲۵۰ آیه را به خود اختصاص داده است.

در قرآن از حلال بودن و پاکیزگی گرفته تا مکان‌هایی که باید و نباید در آنها بخوریم و بیاشامیم و کیفیتی که باید و نباید بخوریم و بیاشامیم، سخن به میان آمده است. حتی قسم خوردن به خوردنی‌هایی که در میان ما رایج است، مانند خرما و زیتون و... که نشان از توجه به این موضوع دارد. یکی از اولین توصیه‌ها در مورد غذا خوردن در قرآن این است که نگاه کنیم چه می‌خوریم. «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»؛ پس آدمی به طعام خود بنگرد. (عبس/۲۴)

باید ببینیم این غذا از کجا تهیه شده؟ از چه محصولی است؟ به چه نحو تهیه شده است؟ با چه پولی تهیه شده است؟ چه کسی آن را تهیه و طبخ کرده است؟ و چطور در حال میل کردن آن هستیم؟ زیرا در هر یک از این مراتب اگر اخلاقی وجود داشته باشد، درون ما بیماری‌های مادی و معنوی مختلفی ایجاد می‌کند.

البته منظور از غذا فقط غذای مادی نیست، بلکه می‌تواند غذای معنوی هم باشد که باید همان دقت‌ها در مورد آن به‌کار بسته شود. بسیاری از بزرگان دین ما حتی از خوردن غذایی که با پول قرضی تهیه شده بود، امتناع می‌کردند؛ زیرا نمی‌دانستند برای ادای قرض در قید حیات هستند یا نه؟

خداوند در تعدادی از آیات مربوط به غذا خوردن، سلامتی بندگان خود را از نظر فساد جسمی و روحی و اخلاقی مورد توجه قرار داده است و در مورد کیفیت غذا هشدار می‌دهد تا بدن‌مان و روح‌مان از فساد دور شود.

برخی خوردنی‌ها می‌تواند انسان را بدخلق کند یا می‌تواند عقل را مدتی از ما بگیرد و به پایین‌ترین درجات تنزل دهد. طبیعتاً انسانی که جسم و روح او فاسد شده، نمی‌تواند انسانی الهی باشد و حتی نمی‌تواند در جامعه بدون آسیب زدن به دیگران زندگی کند.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «چهار چیز است که اگر به کسی داده شود، پس خیر دنیا و آخرت را به او داده‌اند: راستی در سخن، ادای امانت، پاکی و عفت شکم و خوش اخلاقی.» (غررالحکم) بعید است انسان بتواند بدون وجود یکی از این چهار چیز خیر دنیا و آخرت را بخواند؛ زیرا همه این چهار مورد که بیان شد به دیگری وابسته است.

بسیاری از مشکلاتی که در جهان وجود دارد و فعلاً یکی از آنها دامن‌گیر همه انسان‌ها شده است، نشئت گرفته از بی‌توجهی به نحوه تهیه و خوردن غذا و پاکیزه بودن یا نبودن آن است.

عشق به خدا خریدنی نیست

سیدحسین

خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



سؤال بسیاری از عاشقان پروردگار و خالق بی‌منتها این است که چطور باید به خدا محبت پیدا کرد و او را در نهایت توان عبادت و اطاعت کرد. علمای اسلام کمال در عبادت را وابسته به کمال در محبت می‌دانند که وابسته به کمال ذاتی خالق است. (ابن قیم) اگر خداوند را دارای کمالی بی‌انتها بدانیم، به او محبت پیدا می‌کنیم و هنگامی که محبت ما به او زیاد شد، به بهترین نحو او را عبادت می‌کنیم. اینکه ما عبادتی با کیفیت نداریم، به نقص در یکی از مراحل فوق‌الذکر برمی‌گردد.

خداوند را در کمالی بی‌انتها دیدن به شناخت و معرفت او نیاز دارد که شناخت و معرفت به‌خدا هم از شناخت خودمان شروع می‌شود. به همین دلیل می‌فرمایند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ اگر خودمان را بشناسیم یعنی ارزشی که خداوند برای ما قائل شده و جایگاهی که به ما ارزانی داشته است، به خالق در کمال عظمت، قدرت و محبت پی می‌بریم.

در شرح این حدیث شریف تاکنون ده‌ها کتاب تألیف شده است و هزار بحث و وجود دارد و

همان طور که در دعای زمان غیبت آمده، شناخت نبی و پس از آن شناخت امام زمان (عج) نیازمند شناخت خود است. در این دعا آمده است: «اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ...»؛ پس خداوندی را که نعمات بسیار به ما داده است و به شدت دوست‌مان دارد، شایسته‌ترین شکرگزاری می‌بینیم.

شکری که در عمل صالح و دوری از نافرمانی خلاصه می‌شود، اما اهل معرفت اولین وسیله را برای رسیدن به خدا غسل می‌دانند و مقدمه «سلوک عرفانی» را «سلوک عقلانی» می‌دانند.

اگر با عقل مان به خدا رسیدیم با قلب مان هم می‌توانیم برسیم و وقتی که با قلب مان عاشق خدا شویم عبادت برای ما لذت‌بخش و شیرین می‌شود و عاشق عبادت می‌شویم. بنده خدا بودن و رهایی از قیود غیرخدایی سعادت بزرگی است که باید به آن افتخار کنیم و آن را مقدس بدانیم.

از ابوصبر نقل شده که امام باقر (ع) فرمودند: از جمله دعا‌های امیرالمؤمنین (ع) این بود: «ای خدای من، همین عزت مرا بس که بنده توام و همین افتخار مرا بس که تو پروردگار منی. ای خدای من، همان‌گونه که من دوست دارم تو از آن منی، پس مرا به آنچه دوست داری موقت بدار.» (الحکم الزاهره، ص ۴۸۸) قلب بی‌اعتنا را فقط خشوع در برابر پروردگار می‌تواند متوجه گرداند. «لَوْ أَلْتَزْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَائِبًا

مُصَلِّعًا مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ»؛ (حشر/۲۷) تا جایی که از خشوع قلبی و علاقه شدید قلبی برسیم و ایمان مان سرچشمه از محبت خدا داشته باشد، نه ترس از عقاب و طمع برای پاداش. «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»؛ (بقره/۱۶۵) یکی از نشانه‌های بنده خوب این است که عاشق عبادت خداوند باشد و برای فرصت شکرگزاری و عبادت و اطاعت او لحظه‌شماری کند.

در مقام خشوع است که راضی به رضای خدا می‌شویم و هر آنچه را که او در دنیا و آخرت به ما داد، قبول می‌کنیم. «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسَنِي رِزْقُهُ»؛ (بنه/۸) پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَاتَّقَهَا وَأَحَبَّهَا بَقَلْبِهِ وَبَشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَوَرَّعَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أَمِّ عَلِيٍّ يُسِرُّ»؛ بهترین آدم‌ها کسی است که به عبادت عشق ورزد، پس آن را در آغوش گیرد و در دلش آن را دوست داشته باشد و با بدنش بدان بچسبد و خودش را برای انجام آن فارغ کند.

چنین کسی برایش مهم نیست که در سختی باشد یا در آسانی و گشایش؛ (اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳) این اشتیاق به بندگی خود مانع نافرمانی خداوند است. «سَوْفَى إِلَيْكَ ذَائِدُ أَعْرَضِيَّاتِكَ»؛ (امام سجاده، مناجات محبین) وقتی درخت عشق و محبت در قلب انسان ریشه گرفت، برای تشدید این عشق به سمت خدا می‌رود و مدام

تعهد اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین روستا آزاد: بحث توکل و امید به وعده‌های الهی، از جمله مفاهیمی بودند که مردم در گذشته یک برداشتی از آن داشته و بعد از انقلاب و تلاش‌های امام راحل و راهنمایی او این مفهوم شکل عملیاتی به خود گرفت. در عرصه عملیاتی شدن مفهوم خوف و خشیت در مباحث فرهنگی و تبلیغی، عظمت خداوند و مسئولیت انسانی است که زمینه‌سازی این عملیات را بر عهده می‌گیرد. همچون که در مسائل فردی انسان از گناه‌های خود می‌ترسد، در عرصه اجتماعی نیز این خوف وجود دارد. خوفی که نسبت به کوتاهی، قصور یا تقصیر در قبال مسئولیت‌های اجتماعی انسان را متعهد می‌کند.



انقصاد معاهدات

پرسش: حکم فقهی معاهدات یا توافق‌نامه‌های بین‌المللی که در آنها منافع جامع مسلمین تأمین نمی‌شود (چه در اصل متن و چه در شیوه اجرا) چیست؟

پاسخ: در صورت متضاد بودن معاهدات با مصالح مسلمین، انعقاد آنها توسط متصدیان امر جایز نیست و در صورت انعقاد، لازم‌الاجرا نمی‌باشد و اقدام در اجرای آنها غیرمجاز می‌باشد.

برگرفته از کتاب احکام هدایت سیاسی بر اساس فتاوی رهبر معظم انقلاب



وصف مؤمنان

حجت‌الاسلام والمسلمین علی فروغی: حکیم کسی است که کار لغوی از او صادر نشود. «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان/۱۲) لقمان فلسفه نخوانده بود. این نیست که هر کسی که فلسفه بداند حکمتی را که قرآن می‌گوید، بداند. حکیم یعنی کسی که هر فعلش حکمت داشته باشد. انسان مؤمن باید تمام شئونانش خدایی باشد و متوجه پروردگار؛ هنر آن است که تن باشد، دل جدا شود. امیرالمؤمنین (ع) در وصف مؤمنان می‌فرماید: «فَلَوْبُهُمْ فِي الْجَنَانِ وَأَجْسَادُهُمْ فِي الْعَمَلِ»؛ روح و جان‌شان در ملکوت اعلاست و جسم‌شان در میدان عمل پرتلاش است... در هر نگاهت یک چیزی بگیری و صعود کنی.



صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامک باقری، سعیداللزاعی،
فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح الله پریشان،
محمد رضامهدیاری اسماعیلی، حسین عبداللہی فر

دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی

مدیر فنی: محمد صالح نادری

صفحه آرا: علی اکبر هدایتی

عکاس: حامد کوردزی

ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۲۲۴۴۶۲۳۸۵ (۰۲۱)

تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)

ssweekly.ir

@ssweekly

info@ssweekly.ir

نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۱۶ | دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰

صبحانه

نعمت شکست

در زندگی هیچ نعمتی به اندازه شکست مورد بی مهری قرار نگرفته است؛ زیرا شکست نعمتی است که همه از آن گریزانند. هیچ انسانی نیست که در زندگی شکست را تجربه نکرده باشد؛ اما آنچه اهمیت دارد، این است که از آن پلی برای پیروزی یا راهی برای پیشرفت ساخته شود. در شکست حقایقی نهفته است که چشم انسان را می‌گشاید و او را به زندگی و اهدافش واقف می‌کند. شکست انسان را قوی کرده و او را برای تلاش بیشتر ترغیب می‌کند.

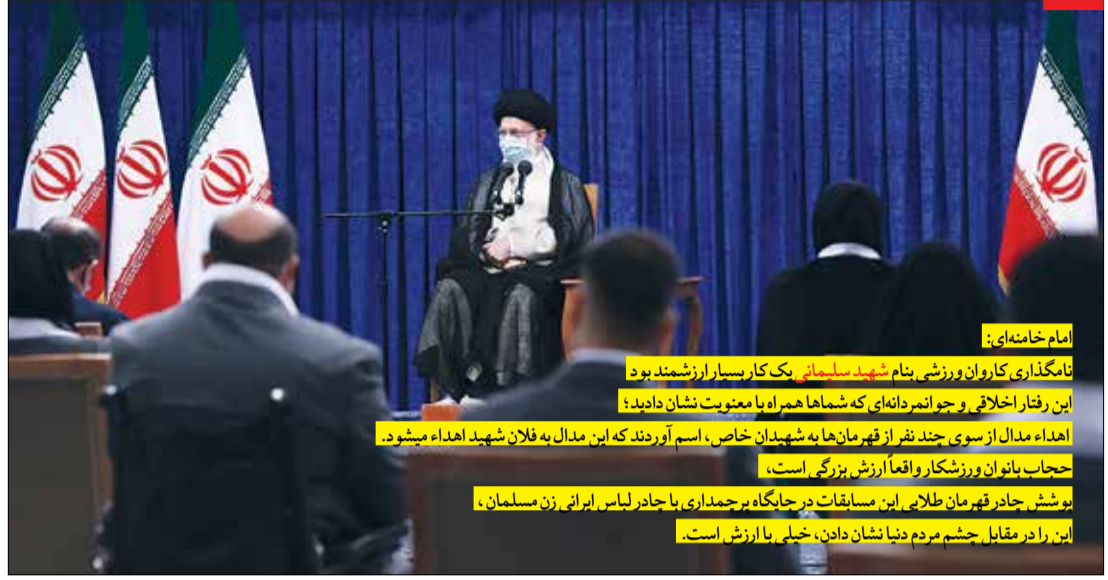
صادقانه

ثواب و اجر زیارت

امام صادق(ع) فرمودند: به راستی، هر که از خانه‌اش درآید و آهنگ زیارت امام حسین(ع) کند، چون پیاده‌ره سپارد، خداوند به هر گامی که نهاد حسنه‌ای بر او نویسد و گناهی از او پاک سازد و اگر سواره باشد، خداوند بر هر گامی که مرکبش بر می‌دارد، حسنه‌ای برای او نویسد و گناهی از او پاک کند تا آن‌گاه که به کربلا رسد که در این صورت خداوند او را در زمره رستگاران کامیاب نویسد و آن هنگام که اعمال زیارت را بجا آورد، خداوند او را در زمره پیروزمندان نویسد. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۲، ص ۹۱

چراغ

دیدار قهرمانان/ مدال آوران المپیک و پارالمپیک با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند



امام خامنه‌ای:

نامگذاری کاروان ورزشی نام شهید سلیمانی یک کار بسیار ارزشمند بود

این رفتار اخلاقی و جوانمردانه‌ای که شماها همراه با معنویت نشان دادید؛

اهداء مدال از سوی چند نفر از قهرمان‌ها به شهیدان خاص، اسم آوردند که این مدال به فلان شهید اهداء میشود.

حجاب بانوان ورزشکار واقعا ارزش بزرگی است،

بوشش جادو قهرمان طلایی این مسابقات درحیگاه برجمنداری با جادو لباس ایرانی زن مسلمان،

این را در مقابل چشم مردم دنیا نشان دادن، خیلی با ارزش است.

کتیبه سبز

باران ۱

من شکسته من بی‌قرار را اتوبوس
گریستم همه جاده را اتوبان را
نگاه خسته من تا به آسمان پرسد
کشانده است به دنبال خویش باران را
ولی نخواسته در بین راه سوزاندم
دل اهالی محروم چند استان را
بر آن سرم که کنار ضریح یاد کنم
ولو به قدر نگاهی تمام آنان را
نگاه‌های پر از حسرت کشاورزان
میان دشت تکان‌های دست چوپان را
و آن غریبه که در قهوه‌خانه سر راه...
همان که خم شد و بوسید تکه نان را
همان که نام تو را برد زیر لب وقتی
که روی میز غذا می‌گذاشت لیوان را
همان که گفت: ببینم تو زانری؟ گفتم:
خدا بخشد قلیان را
همان که گفت: به آقا بگو غلط کردم
بگو ببخشید، راننده بیابان را
بگو از آنچه که می‌داند او شنیدم
خودش نشان دهد ای کاش راه جبران را
چقدر بغض، چقدر آه با خود آوردم
و التماس دعا‌های مرداران را
خلاصه این که به قول رفیق شاعرمان
«چقدر سخت گذشتیم مرز مهران را»

باران ۲

نخف شروع زمین بود و ابتدای سفر
نخف به روی سر من گرفت قرآن را
مرا گرفت در آغوش، مویک اول
من دچار تحیر، من پریشان را
در این طریق فقط میزبان به سجده شده‌ست
که توتیا بکند خاک پای هممان را
یکی گرفته پدر را به روی دوش خودش
یکی کشانده به سویت عصازنان جان را
فقط حسین به آغوش هم رسانده چنین
برادران تنی را، عراق و ایران را
چه با غرور نشانند روی سینه خود
عمودها همه تصویری از شهیدان را
قدم قدم غم تو زنده می‌کند دل را
خدا زیاد کند این غم فراوان را
چه جذبه‌ای است در آغوش تو که اینگونه
کشانده‌ای به تماشا جهان حیران را
زمین به سوی تو برخاسته است، می‌خواهد
نشان ما بدهد رستخیز انسان را
در ازدحام تو گم کرده‌ام خودم را هم
در ازدحام ندیدم عمود پایان را
تورا گرفته در آغوش خویش شش گوشه
چنان که جلد طلاکوب، متن قرآن را
از این حرم به حرم‌های دیگری راه است
اگر که باز کنی چشم غرق باران را
دوباره داغ دلم تازه شد کنار ضریح
خدا کند که بسازیم قبر پنهان را
برای حضرت زهرا(س) ضریح می‌سازیم
و دست فرخچیان طرح می‌زند آن را
من از امام رضا(ع) کربلا طلب کردم
و اینک از تو طلب می‌کنم خراسان را
سیدحمیدرضا برقعی

داستان

طعم بی نظیر شکلات

واقعیت این بود که دستم خالی بود، چیزی که اصلاً
فکرش را نمی‌کردم.
آب میوه‌ها و غذای مادر بزرگ را برداشتم و به
سمت بیمارستان راه افتادم. هر روز یکی از خاله‌ها
برایش غذا می‌فرستاد و امروز که اتفاقاً هزار تا کار
داشتم، نوبت مادر من بود. خانم چون و خدا بیامرز
آقا چون، حق به گردن مان داشتند، بعد از فوت پدرم،
با جان و دل تر و خشک‌مان کرده بودند و حالا هم
دکترها چندان امیدی نداشتند که مادر بزرگم از
زیر دستگاه تنفس بیرون بیاید، نوبت ما بود که
زحمات‌شان را کمی جبران کنیم.
با ماسک و شیلد و هزار جور احتیاط وارد
بیمارستان شدم و در اتاقش را آهسته باز کردم. خاله
منصوره که انگار منتظر بود، چادرش را روی سر
انداخت و گفت: «خدا خیرت بده امیرجان، من
برم که دوقلوها با باشونو هلاک کردن، خاله مریم تو
راهه می‌رسه کم‌کم...»
خانم چون با خاله خداحافظی کرد و لبخند
قشنگی تحویلیم داد. نگاهش کردم هر چقدر پیر
شده بود، مهربانی‌اش عمیق‌تر بود. صورتش را

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



همه کارهای لازم را انجام داده بودم.
حالا که رسیده بود به اصل کار، مدام گره
می‌افتاد. یاد آقا چون افتادم که صبح‌ها وقتی برای
نماز وضو می‌گرفتم، از توی حیاط صدایش را
می‌شنیدم.
گرچه افتاد ز زلفش گرهی در کارم، همچنان
چشم گشاد از کرشم می‌دارم...
شاید من هم باید امیدوار می‌ماندم، تا در این
فرصت باقیمانده فرجی بشود و راهی بشوم. تمام
پس انداز این یک سال را برای دوا و درمان مادر داده
بودم و الان دستم خالی بود. همه بچه‌ها که قرار
برپایی مویک را بعد از دو سال داشتند، کوله‌بارشان
را بسته بودند جز من، که حتی خجالت می‌کشیدم
از مشکلم حرف بزنم. فقط فهیده بودند به خاطر
بهبودی تازه مادر و بستری شدن خانم چون؛ اما
مادر بزرگم در بیمارستان، برای سفر میلی ندارم. اما

سلامت

نمک و سرطان

زهرا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه



مصرف زیاد نمک به عنوان یکی از عوامل اصلی فشار خون بالا و بیماری‌های قلبی عروقی شناخته شده است و پیامدهای دیگر آن، از جمله سرطان معده امروزه مورد توجه خاص مجامع علمی قرار دارد. سرطان معده یکی از ۸۷۰ هزار مورد جدید سرطان معده گزارش می‌شود که حدود ۱۰ درصد موارد جدید سرطان‌ها را شامل می‌شود. چندین علت برای بروز سرطان معده شامل عفونت هلیکوباکتر پیلوری، عادات غذایی، مصرف ماهی‌های نمک‌سود شده، مصرف غذاهای پر نمک، آجیل‌های شور، تنقلات شور (چیپس و انواع فرآورده‌های غلات حجیم شده)، شورجیات و ترشی‌ها، غذاهای نمک‌سود، چاقی، مصرف الکل، سیگار و وجود نیترات در مواد غذایی مصرفی و هم‌چنین سابقه فامیلی ذکر شده است. در ایران سرطان سومین علت مرگ‌ومیر به شمار می‌رود و سرطان معده سومین سرطان شایع است. مصرف نمک ۱۰ تا ۱۵ گرم در روز، یعنی دو تا سه برابر مقدار توصیه شده از سوی سازمان جهانی بهداشت است. سرطان معده تنها یکی از زیان‌های مصرف زیاد نمک است. پوکی استخوان، فشار خون بالا و به دنبال آن نارسایی‌های کلیوی و بیماری‌های قلبی عروقی از دیگر مشکلاتی است که مصرف زیاد نمک در بروز آن‌ها یک عامل خطر مهم به شمار می‌رود. بنابراین با کاهش نمک مصرفی در حین طبخ غذا، حذف نمکدان سر سفره و میز غذا، منع مصرف تنقلات شور و پر نمک، می‌توان احتمال ابتلا به سرطان معده را کاهش داد.



حسن ختام

شما ما را عاشق کرده‌اید

حسن نوروزی

نویسنده

آنطور که گفته‌اند و شنیده‌ایم دوست داشتن باید از یک‌جایی شروع بشود. از یک لحظه هیجانی و پرشور لابد. لحظه‌ای که ذره ذره وجود آدمی را موج برمی‌دارد و تا به ساحل امن نرسد آرام نمی‌گیرد. لحظه‌ای که منظومه‌های از خواستن توی سر آدم مدام دور می‌خورند. اما من هیچ‌گاه این لحظه پراضطراب و پرکشش را نفهمیدم؛ یعنی نفهمیدم این حجم از خواستن از کی آغاز شد. از کی توی دلم شعله کشید و زیانه زد و تا ته مغز مرا احاطه کرد؛ طوری که همه وجودم شد محبت شما. آقا جان، یک حسی در قلب‌مان فریاد می‌زند که شما همان دم کودکی آمدید و مهرتان را مَهر کردید روی قلب‌مان. اما چه زود آمدید و چه زود رفتید. رفتید و ما از همان روز توی قفسدق، روی تخت، در اتوبوس و مترو و سفر، دوست‌داشتن‌تان را گریه کردیم. گریه کردیم و فهمیدیم چقدر این قلب‌مان برای دوست داشتن‌تان کوچک است.